



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



صورت رحمت و تسبیح

ایمانی کتب فوارا الخصال و عکود الخیرات



مجموعه الامام سیدی حسامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات نگارش جدید

نویسنده:

عباس بن علی جورتانی اصفهانی

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات نگارش جدید
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست
۱۸	درباره ی مؤلف:
۲۱	مقدمه احیاگر کتاب :
۲۵	امر حق تعالی به صلوات
۲۸	صلوات بهترین وسیله ی نجات
۳۰	طریقه ی صلوات فرستادن
۳۳	مواضع صلوات خداوند بر بنده
۳۴	صلوات خداوند بر گریه کنندگان امام حسین (علیه السلام)
۳۷	ثواب صلوات بر حضرت صدیقه ی طاهره، فاطمه ی زهراء (علیها السلام)
۳۸	طریقه ی صلوات فرستادن بعد از نوشیدن آب
۳۹	ثواب یاری کردن دین خدا
۴۱	مقام حبّ حضرت محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)
۴۴	شأن نزول بعضی آیات قرآن کریم در خصوص «صلوات»
۴۶	در کیفیت و خلقت عرش
۴۷	رفع نمودن شیاطین از انسان به ذکر صلوات
۴۹	وجوب صلوات در تمام امور
۵۱	آداب آب خوردن و یاد عطش امام حسین (علیه السلام)
۵۲	توآیی و تبری
۵۵	وصف قصرهای بهشتی
۵۹	نماز توسّل به حضرت محمّد بن عبدالله (علیه السلام)

- طاهر شدن ظاهر و باطن به برکت صلوات ۶۱
- بوسه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر صورت صلوات فرستنده ۶۳
- صلوات فرستادن زنبور عسل ۶۵
- عقوبت ترک صلوات ۶۸
- صلوات مخصوص جهت رؤیت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در خواب ۶۹
- کاتب و غضب پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در خواب ۷۴
- حکایت ابوجهل (لعین) و معجزه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) ۷۵
- افضلیت صلوات از سایر اذکار ۷۶
- عقوبت ترک صلوات در نماز ۸۰
- صلوات ملائکه بر صلوات فرستنده ۸۹
- خلق ملک از حروف صلوات ۹۶
- سبب نور صورت حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) ۹۹
- بشارت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۱۰۳
- بشارت جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) ۱۰۵
- اول کسی که در روز قیامت خُله ی بهشتی می پوشد ۱۰۷
- علت اشرفیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر پیغمبران ماقبل ۱۰۸
- صلواتی که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در کفه میزان می گذارند ۱۱۰
- صلوات سبب استجاب دعا ۱۱۴
- ذکر صلوات بهترین اعمال ۱۱۶
- صلوات سبب منع غیبت ۱۱۷
- صلوات سبب رفع فقر ۱۱۷
- صلوات سبب به یاد آمدن فراموش شده ای ۱۱۹
- صلوات سبب ایمن بودن از حسرت روز قیامت ۱۲۲
- سلام بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و جواب آن حضرت ۱۲۳
- ثواب صلوات از روی شوق ۱۲۴
- ثواب صلوات در روز جمعه ۱۲۵

۱۲۷	مواضع تأکید صلوات
۱۲۹	آداب صلوات فرستادن
۱۲۹	سبب یازده مرتبه صلوات فرستادن
۱۳۱	سؤال جابر از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در مقام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
۱۳۱	توسل حضرت ابراهیم به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)
۱۳۲	وحی الهی به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
۱۳۳	توسل یهود به حضرت محمّد بن عبدالله (علیه السلام)
۱۳۵	جنگ ملائکه با ابلیس
۱۳۶	واقعه ذبح گاو توسط بنی اسرائیل
۱۳۹	حکایت تاجر بلخی و موی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)
۱۴۱	خواب مولّف از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم)
۱۴۳	حکایت حضرت سلمان (علیه السلام) و مشرکین
۱۴۴	نجات یافتن گنهکار از جهنّم
۱۴۵	حکایت بیرون آمدن مرغ سبز از دهان
۱۴۵	آمدن علماء خدمت امام رضا (علیه السلام) به امر مأمون (لعنه الله علیه)
۱۴۷	نماز پر فضیلت شب جمعه
۱۴۸	عنایت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به محتضر
۱۵۰	صلوات عصر جمعه و فضیلت آن
۱۵۱	درخت محبوبه
۱۵۲	صلوات فرستادن در رکوع و سجود
۱۵۳	صلواتی برابر با قیام شب ، و روزه روز
۱۵۳	خلقت ارواح شیعه از طینت محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)
۱۵۴	ملک ضلصائیل نزد قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)
۱۵۶	تقدّم پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر سایر پیغمبران
۱۵۷	فروع احکام فقهیه در باب صلوات
۱۵۸	صدقه و نماز ليله الدفن

- ۱۵۹ تطبیق عدد ائمه (علیهم السلام) با حروف «لا اله الا الله»
- ۱۶۰ تعلیم نمودن اسم اعظم به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
- ۱۶۱ فضیلت صلوات بر سایر اذکار
- ۱۶۵ تکلم نمودن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) با ماه
- ۱۶۶ بیان تعداد ملائکه نزد بندگان
- ۱۶۹ پنج خصلت مشترک بین نبی خاتم (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام)
- ۱۷۲ از معجزات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باب صلوات
- ۱۷۳ پیدا شدن گوهر در شکم ماهی با فرستادن صلوات
- ۱۷۵ نمازهای ماه رجب و فواید آن
- ۱۷۶ صلوات ماه شعبان و اعمال آن
- ۱۷۷ نماز شب های ماه مبارک رمضان و فواید آن
- ۱۸۳ ختم توسل به حضرت سید الشهداء (علیه السلام)
- ۱۸۳ نماز کُنْ فیکون
- ۱۸۵ نماز حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)
- ۱۸۵ صلوه المضطر
- ۱۸۶ منعقد شدن نطفه طیبه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و صلوات ملائکه
- ۱۸۷ ختم اسم مبارک امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
- ۱۸۸ توسل عمار بر محمّد و آل آن حضرت (علیهم السلام)
- ۱۹۱ خاتمه
- ۱۹۱ نماز توسل به حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) و حالات ایشان
- ۱۹۴ تفسیر ليله القدر و مقام حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام)
- ۱۹۴ کیفیت تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام)
- ۱۹۵ وصایای صدیقه ی طاهره (علیها السلام) به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
- ۱۹۷ دادن لواء حمد به دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) توسط پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)
- ۱۹۸ ورود حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به محشر
- ۱۹۹ شفاعت نمودن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و حضرت زهراء (علیها السلام) برای اُمت گنهکار

۲۰۵ ----- منابع کتاب

۲۱۰ ----- صلوات خواجه نصیرالدین طوسی برای حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۲۱۴ ----- درباره مرکز

آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات نگارش جدید

مشخصات کتاب

سرشناسه: جور تانی اصفهانی، عباسعلی، ۱۲۴۹ - ۱۳۱۹.

عنوان قراردادی: فواید الصلوات و عواید التحیات . فارسی

عنوان و نام پدید آور: آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات/عباسعلی گورتانی ؛ حسنعلی نجفی رهنانی اصفهانی ؛ به اهتمام مهدی فهامی.

مشخصات نشر: قم: عطر عترة، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص.

شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۲۱۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ قبلی: رواق دانش، ۱۳۹۱.

موضوع: صلوات -- احادیث

موضوع: *Salavat -- Hadiths

شناسه افزوده: نجفی رهنانی اصفهانی، حسنعلی، ۱۳۴۰ -، مترجم

شناسه افزوده: فهامی، مهدی، گردآورنده

رده بندی کنگره: BP۲۶۶/ج۹۳ف۹۰۴۱ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۹۴۱۵

ص: ۱

اشاره

سرشناسه: جورتانی اصفهانی، عباسعلی، ۱۲۴۹ - ۱۳۱۹.

عنوان قراردادی: فوائد الصلوات و عوائد التحیات . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: آثار و نتایج صلوات : احیای کتاب فواید الصلوات و عواید التحیات/عباسعلی گورتانی ؛ حسنعلی نجفیرهنانی اصفهانی ؛ به اهتمام مهدی فهامی.

مشخصات نشر: قم: عطر عترت، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص.

شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۲۱۳-۱:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: چاپ قبلی: رواق دانش، ۱۳۹۱.

موضوع: صلوات -- احادیث

موضوع: *Salavat -- Hadiths

شناسه افزوده: نجفی رهنانی اصفهانی، حسنعلی، ۱۳۴۰ -، مترجم

شناسه افزوده: فهامی، مهدی، گردآورنده

رده بندی کنگره: BP۲۶۶/ج۹۳ف۹۰۴۱ ۱۳۹۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۰۹۴۱۵

ص: ۲

تصوير

□

ص: ۳

تصوير

□

ص: ٤

فهرست

تصویر

□

ص: ۵

تصوير

□

ص: ٦

تصوير

□

ص: ٧

تصوير

□

ص: ٨

كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الـعُلْيَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درباره ی مؤلف:

آقای شیخ عباسعلی گورتانی ، عالم فاضل واعظ زاهد و ادیب معروف به معین الواعظین و معین الحسینی می باشد.

ایشان فرزند ملاً علی محمّد و متولّد سال ۱۲۸۷ هجری قمری در محلّه ی گورتان اصفهان بود. وی در اصفهان و نجف اشرف تحصیل نموده و به فضل و ادب موصوف بود و در شعر ذاکر تخلص می نمود .

پدرش ملاً علی محمّد دارای شش فرزند پسر بود، که همه اهل فضل و کمال و از منبریان اصفهان بودند به نام های (۱) ملاً ابوالقاسم (۲) ملاً اسدالله (۳) ملاً احمد (۴) ملاً حسین (۵) میرزا جواد (جدّ عالم معاصر و پدر شهید مرتضی جوادی ، آیت الله حاج شیخ اسدالله جوادی) (۶) ملاً عباسعلی معروف به معین الواعظین .

از ملاً عباسعلی چندین کتاب دیگر به زبان فارسی به نام های ذیل به چاپ رسیده است :

۱. وقایع الظهور و علائمّه

۲. هدیه الوالدین

۳. تسلیه الفقراء و تذکره الاغنیاء

۴. زاد العاصین فی التّوسل به آل طه و یس

۵. مجازاه النّسوان

۶. دیوان اشعار

۷. «مصائب المعصومین (علیهم السلام)».

و سرانجام پس از عمری خدمت به آستان حسینی علیه السلام در سوّم ربیع الثّانی سال ۱۳۶۰ قمری وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان، صحن تکیه سیّد العراقرین به خاک سپرده شد .

اشعاری از مؤلف:

□

تقریظ علامه میرجهانی : « ه-و »

بحمدالله تعالی که تمام شد کتاب مستطاب فوائد الصلوات و عوائد التّحیات به دست مؤلف جلیل و محدّث نبیل آقای حاج ملا عبّاسعلی معینی مدعوّ به حسینی و مشهور به معین الواعظین «زید فضله العالی»

□

الاقلّ محمّد حسن المیرجهانی المحمّد آبادی الجرقویّ الإصفهانی

تقریظ آیت الله جوادی :

نظر به این که کتاب مستطاب «فوائد الصلوات و عوائد التّحیات» را مرحوم حاج ملا عبّاسعلی معینی مدعوّ به حسینی و مشهور به معین الواعظین زید فضله العالی جمع آوری نموده ، از بسیاری کتب معتبره شیعه که من جمله آنها کتاب شریف کافی و وافی می باشد. فوائد و ارزش صلوات بر نبی اعظم (صلی الله علیه و اله) را و تجربه هایی از

ص: ۱۰

ختم صلوات و ذکر مبارک شده است مرقوم داشته اند و بعضی از علماء همانند مرحوم آیت الله میرجهانی تقریظ بر این کتاب نوشته اند .

مخفی نماند همین طور که جناب میرجهانی سیادت ایشان معلوم شد و در زمان خودمان دیدیم که مزین به لباس سیادت به دست مرحوم مغفور آیت الله بروجردی شدند ، مرحوم حجه الاسلام ملا عباسعلی معینی مدعو به حسینی هم شبهه سیادت در طایفه ایشان می باشد ، چون جد بزرگ این خانواده مغضوب بعضی فرق اهل عراق بوده تا سر حد کشتن، ایشان فرار می کند و به ایران می آید سیادت و اسم خود را بروز نمی دهد و اسم دیگری می گذارد و می ماند ، اینجا متأهل شده و فرزندان پیدا می کند. فقط وقت مُردن اظهار می کند که ما سید هستیم و این دهن به دهن به فرزندان منتقل می گردد و الان هم خواب های فراوان دیده شده که با لباس سیادت بوده است.

و اما در مورد احیاگر این کتاب شریف، آقای حجه الاسلام حاج شیخ مهدی فهامی فرزند مرحوم حاج شیخ محمدتقی، فرزند مرحوم حاج شیخ اسدالله فهامی(۱)

(یکی از علمای فرهیخته و متدین بود و دعای شریف کمیل را در تخت فولاد اصفهان تکیه مرحوم آیت الله خوانساری احیاگر بود و شب های جمعه در آن هوای سرد و گرم خود را مجهز می داشت و دعای باحالی می خواند که من خودم در آن موقع در آغاز طلبگی ام در آن مجلس شرکت می کردم و دوستان از کسانی که توبه کردند، بیان می کردند و نفسی داشت ایشان که مؤثر واقع می شد و به مصداق «الکلام اذا خَرَجَ مِنَ الْقَلْبِ وَقَعَ فِي الْقَلْبِ» یعنی کلام وقتی از دل برخاست بر دل

ص: ۱۱

۱- محل دفن حاج شیخ اسد الله فهامی (بنیانگذار دعای ابوحمزه ثمالی در اصفهان) و فرزندان ایشان حاج شیخ محمد تقی (بنیانگذار دعای ندبه در اصفهان) و حاج شیخ مرتضی در تخت فولاد اصفهان ، تکیه علامه خوانساری واقع می باشد .

می نشیند و این حقیر این معنا را در کلام ایشان لمس کردم . رحمت خدای متعال بر او باد و خداوند او را تأیید و کسانى که از اولاد آن بزرگوار در این امر خطیر اقدام نمودند. که در زمان حاضر، آن مکان که به نام (مسجد و حسیّتیّہ الغدیر) می باشد را بازسازی نموده و دعای کمیل توسط ایشان قرائت می گردد. خداوند متعال به ایشان توفیق بیش از پیش عنایت بفرماید که این چراغ را روشن نگه داشته است .

اسدالله جوادی

۹۷/۹/۱۲

مقدمه احیاگر کتاب :

کتاب فوائد الصلوات و عوائد التّحیّات در سال ۱۳۵۲ قمری در یک نوبت بدون باب بندی و پاورقی و اعراب گذاری با خط رُقعى به چاپ سنگی رسیده و نظر به اینکه در این کتاب شریف احادیث ناب و اخبار تاریخی و ختومات مجربّه که تمام آنها راجع به صلوات می باشد آورده شده است، سعی در چاپ مجدد با حفظ امانت نموده ایم که به لطف الهی، تدوین و نگارش آن به عنایت دو پاره قلب حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) حضرت صدّیقه شهیده ، فاطمه زهراء علیها السلام و حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التّحیّیه و الثّناء) انجام گرفت؛ و چاپ آن در ایّام ولادت حضرت ابوالحسن امیرالمؤمنین ،علی بن ابیطالب و حضرت جواد الائمه و باب الحوائج حضرت سیّد الشهداء ، حضرت علی اصغر : آماده گردید . « ان شاء الله تعالی » ثمره این کتاب نورانی برای حقیر و همه عزیزانی که یاری نمودند ، تقرّب و توسّل به حضرات معصومین (صلوات الله و سلامه اجمعین) و خاصّه وجود نازنین قطب دایره امکان، حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لثرابِ مقدّمه فِداه) باشد . (رجب المرجّب ۱۴۴۰)

« به نیت تعجیل در امر فرج امام زمانِ غریب و طریدمان (عجل الله تعالی فرجه الشّریف) ، تقدیم گردید . »

اقلّ الفانی مهدی فهامی

ص: ۱۲

* يا أباصا لِح المهدى ادركنا ولا تهلكنا *

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَصِدِّيقِهِ وَوَزِيرِهِ وَ مُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ وَ بَابِ حِكْمَتِهِ وَ النَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى شَرِيْعَتِهِ وَ خَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَ مُفَرِّجِ الْكُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرِ وَ مُرْغِمِ الْفَجْرِهِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ وَ العنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ص: ١٣

اللهم صل على محمد و آل محمد و صل على جميع الانبياء و المرسلين

فوائد الصلوات و عوائد و التحيات

□

ص: ١٤

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ»

نحمدك اللهم على ما أخذت علينا عهداً بالإيمان بك و الاعتراف بنبوّه نبيك محمد (صلى الله عليه و اله) و ولايه اوصيائه في الأولين و نشكرك على ما وفقتنا للوفاء بما عهدنا عندك و اعترفنا لديك في الآخرين و نشهدك على انا مسلمون لهم و مصلون عليهم و نسئلك ان تجعل ما اتينا من معرفتهم مستقراً عندك حتى تقربنا لديك و نوصلنا اليهم فاجعل اللهم شرائف صلواتك و نواصي بركاتك عليه و عليهم.

امّا بعد؛ چون اين عبد عاصی اقلّ الحاجّ عباسعلی الملقّب به معین الواعظین و المدعوّ بالحسینی ابن مرحوم ملا علی محمد الجورتانی الاصفهانی غفر له.

آن چه سیر در کتب اخبار نمودم در فضیلت صلوات بر محمد و آل طاهرین آن حضرت (علیه السلام)، دیدم در هر جا از آن بیانی و در هر کتابی قدری از اخبار صلوات را علماء اخبار، تألیف و تصنیف فرموده اند و اخبار و آثاری که در این باب وارد شده است بر هیئت اجتماع کاملاً ملاحظه نمودم، لهذا طلباً لمرضاه الله تعالی و تحبباً لاولیائه به جهت تقرب و توسل به آن انوار مقدّسه که می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً» (۱) مهیّا شدم بر ترتیب و تألیف این رساله که مشتمل باشد بر اخباری که متعلّق است به صلوات و ختوم و نمازهای حاجت و اخبار محیره العقول که راجع به صلوات است و بسیار مهمّ و شنیدنی است که از کتب اصحاب به نظر رسیده و از انبیاء عظام و ائمه هدی (علیه السلام) مأثور و مروی گردیده است و او را مسمی نمودم به «فوائد الصلوات و عوائد التّحیّات» امید است که مقبول درگاه حضرت احدیّت واقع و سبب نجات این عاصی از احوال عالم آخرت گردد.

ص: ۱۵

بدان که از جمله دستورات و اعمالی که خصوصاً در کلام مجید الهی امر به آن شده آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۱) می باشد که خواص و فوائد صلوات به موجب اخبار بسیار، بعد از واجبات، از هر عملی و ذکرى افضل است. دیگر آن که از جمله فرائض لازمه و عبادات مفروضه است چنان چه در اخبار مرویه از رسول مختار و اهل بیت اطهار آن جناب علیهم صلوات الله الملك الجبار وارد شده که تارک آن راه بهشت را نخواهد پیمود و هر دعا و عملی بدون درود بر آن حضرت (صلی الله علیه و اله) و آل آن جناب (علیه السلام) به درجه قبول نخواهد رسید که ان شاء الله مفصلاً شرح داده خواهد شد.

* تحقیق در مورد صلوات

بدان که جمهور از علما متفقند بر این که صلوات، در اصل لغت به معنی دعا است و حقیقت دعا بر وجه اتم و اکمل آن است که بنده به جمیع اجزاء خود، از قول و فعل و علم و معرفت خدا را بخواند به نحوی که هیچ ذره از ذرات وجودش از دعا خالی نباشد و جمیع اعضایش، زبان طلب کننده باشد و همچنین درود دهنده، باید چون زبان به ذکر الفاظ صلوات گشاید دل با زبانش موافقت نموده و در معنی آن از سر حضور قلب و صفای باطن تأمل و تدبیر فرماید زیرا که هر فعلی و حرکتی از زبان یا از یکی از اعضا و ارکان بی فرمان و التفات قلب صادر گردد به سهو و نسیان موسوم می گردد و به هیچ وجه اعتباری ندارد این است که صلوات فرستنده باید که در بوته محبت محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین ذوب شده، از هر غلّ و غش پاک گردیده باشد تا نقد صلواتش در دارالضریب اخلاص به سگه قبول رسد، مثل شخص نمازگزار که گفته اند:

ص: ۱۶

نمازگزار حقیقی آن است که در حال نماز از خلق منفصل و تمام توجهش به خالق باشد که فرمودند: «الصَّيْلُوهُ مِعْرَاجُ أُمَّتِي أَوْ مُؤْمِنُونَ»^(۱) و همین قسم درود فرستنده ی کامل، هم آن کسی است که به انوار سنت متصل و از آثار بدعت منقطع شده باشد.

و برقی در کتاب محاسن در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...»^(۲) از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند که «صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی ثنای آن حضرت را بگوئید و تسلیم نمائید آن چه را که آن حضرت آورده و فرموده است^(۳). در کتاب احتجاج^(۴) از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت کرده است که فرمودند: برای این آیه ظاهرست و باطنیست و ظاهرش «صَلُّوا عَلَيْهِ» است و باطنش «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی تسلیم نمائید برای کسی که او را وصی و خلیفه ی خود گردانیده است بر شما و به او سپرده است.

پس فرمودند که این است آن چه من خبر می دادم که تأویل را کسی می فهمد که حسی لطیف و ذهنی صاف و تمیزی صحیح داشته باشد و در مقام و مرتبه آن حضرت همین بس که خداوند بر آن حضرت صلوات فرستد و عبادت عباد را تا روز قیامت در صلوات بر آن حضرت و آل آن جناب قرار داد و فرمودند که «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(۵).

خداوند دعای امت آن حضرت را موقوف می دارد و به اجابت نمی رساند تا آن که بر آن حضرت صلوات فرستند و مصنف کتاب تحفه الملوک هم در خصوص آیه مبارکه عبارات تحقیقاتی لطیفی فرموده طالبین رجوع فرمایند.

ص: ۱۷

۱- ۱. نهج الفصاحه .

۲- ۲. احزاب/۵۶ .

۳- ۳. محاسن برقی ۱/۲۷۱، باب ۳۷، ح ۳۶۳ .

۴- ۴. احتجاج ۱/۲۵۳ .

۵- ۵. احزاب/۵۶ .

در اخبار ائمه (علیهم السلام) ظاهر خواهد بود که سجود ملائکه بر آدم به واسطه آن نوری بود که از آن سرور و ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله الملك الأکبر بود که حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) به طفیل آن به مرتبه ی مسجودیت ملائکه رسید و خداوند مؤمنین را فرموده است که «صَلُّوا عَلَیْهِ وَ آلهِ» پس معلوم می شود که ظهور شرف و فضیلت آن حضرت بر وجهی است که دل هیچ عاقل کُنه (عمق) آن را نداند و زبان هیچ، کامل بیان شمه ای از شرح آن را نتواند گفت و درود و سلام بر آن حضرت بهتر وسیله ای است برای فوز به شفاعت و صلوات، ثمن شفاعت است و هر که ثمن بیشتر تسلیم نماید به جواز زیادتی مثنی، سزاوارتر می شود و هیچ واسطه و رابطه برای آشنایی با محمد و آل محمد (علیهم السلام) بهتر از صلوات نیست این است که آن حضرت فرمودند که سزاوارترین مردم به من در روز قیامت آن کسی است که بر من بیشتر صلوات فرستد و صلوات مؤمنین بر حضرت سید المرسلین (صلی الله علیه و اله و سلم) ثابت می کند، محبت به آن حضرت را و علامت دوستی با کسی است که بسیار یاد دوست نماید و هر که کسی را دوست دارد، وسیله وصول به او را نیز دوست دارد و طالب آن باشد و زبان که مفتاح خانه دل است بی واسطه به ذکر محبوب جاری می نماید، پس بنده ای که اوقات خود را صرف فرستادن صلوات بر آن حضرت نماید گویا به محبت حبیب خدا محمد مصطفی اقامه شهادت می نماید؛

چنان چه در خبری که ان شاء الله بعداً ذکر خواهد شد که ملخص آن این است که شخصی خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد خدا و رسول را دوست می دارم آن حضرت فرمودند: تو با آن کس خواهی بود که او را دوست می داری و این بشارتی است عظیم برای تهی دستان متاع اعمال در قیامت و آیا صلوات فرستادن بر آن حضرت چیزی بر مقام و منزلت آن حضرت می افزاید یا این که فائده آن به صلوات فرستنده راجع می شود.

شهید ثانی^۱ در دیباچه شرح لمعه می فرماید که آن حضرت را مرتبه ای از کمال حاصل است که گنجایش زیاده بر آن ندارد «و غایه السُّؤالِ بِهَا عَائِدٌ إِلَى الْمُصَلِّي لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَعْطَى نَبِيَّهُ مِنَ الْمَنْزِلَةِ وَالزُّلْفَى لَدَيْهِ مَا لَا يُؤَثِّرُ فِيهِ صَلَوَةُ مُصَلٍّ كَمَا نَطَقَتْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَصَرَّحَ بِهِ الْعُلَمَاءُ الْأَخْيَارُ» و بعضی بر غیر از آن معتقدند که در این جا گنجایش ذکر آن نیست و مباحثی در این خصوص فقها دارند^(۱).

«عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْمَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ لِي مِمَّا مَعْنَى قَوْلِهِ «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّي فَصَلِّ»^(۲) قُلْتُ: كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّي قَامَ فَصَلَّى فَقَالَ لِي: لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ هَذَا شَطَطًا فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ هُوَ؟ فَقَالَ: كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّي صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»^(۳). حاصل معنی آن که، آیه مرقوم می فرماید که بعد از ذکر اسم خدا صلوات هم بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستند.

ص: ۱۹

۱-۱. خلاصه فرمایش شهید این است که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به مرتبه ای از مقام و منزلت نزد خداوند رسیده اند که بالاتر از آن متصور نیست و صلواتی که بر ایشان فرستاده می شود نتیجه اش به صلوات فرستنده برمی گردد کما اینکه به این مطلب در روایات تصریح گردیده و علما هم به آن قائل گردیده اند.

۲-۲. اعلی/۱۵.

۳-۳. الکافی ۲/۴۹۴، ح ۱۸.

و احتمال می رود که مراد از ربّ در مقاماتی پیغمبر و آل (صلی الله علیه و اله) بوده باشد که لفظ ربّ اطلاق بر نبی و امام شده باشد به جهت این که لفظ ربّ، اطلاق بر همه کس شده است مثل قول اعراب که گویند: ربّ البيت و ربّ الابل و اطلاق بر سلطان هم شده چنان چه خدا حکایت از قول حضرت یوسف (علیه السلام) می کند که می فرماید: «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ...» (۱) در سوره «یوسف (علیه السلام)» که مراد از این ربّ در این آیه سلطان است که عزیز مصر باشد.

ما حصل مطلب؛ ربّ کسی را گویند که مربّی بوده باشد، پس پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و امام (علیه السلام) که مربّی مخلوقات هستند چگونه ربّ به آن ها نمی شود گفت! شاهد مدّعا که بر امام، ربّ اطلاق شده است آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...» (۲) که تفسیر شده است که مراد از این ربّ، امام زمان ارواحنا له الفدا است.

چنان چه در تفسیر صافی است: عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) فِي هَذِهِ الْآيَةِ «رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ» (۳) و در زیارت جامعه است و «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ كُمْ» چنان چه مشاهده می کنیم خداوند عالم در وجود هر یک از افراد بشر یک رئیسی قرار داده که او را قلب نامند، به طوری که هیچ یک از حواس خمسہ ادراک و اقدام به امری نمی کنند مگر به حکم آن، پس وقتی ما تصوّر این معنی را نمودیم می توانیم به طور حتم بگوییم خداوند این عالم کبیر را بدون وجود حاکم و سلطان حقیقی نخواهد گذاشت و لازم است که تصدیق کنیم بر این که حضرت باری جلّت عظمته، در هیچ زمانی زمین را به مصداق «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (۴) از وجود حجّتی از حجج خود خالی نگذارده و نمی گذارد.

ص: ۲۰

۱-۱. یوسف/۴۲.

۲-۲. زمر/۶۹.

۳-۳. بحار الأنوار ۷/۳۲۶، ح ۱.

۴-۴. انعام/۱۴۹.

چنان چه در کلام مجیدش می فرماید: «أَفْضَرِبُ عَنْكُمْ الذُّكْرَ صِفْحًا...» (۱) «أَيُّ نِدْعَتِكُمْ مُهْمَلِينَ لَا نَحْتَجُّ عَلَيْكُمْ بِرَسُولٍ أَوْ بِإِمَامٍ أَوْ بِحُجَجٍ» (۲) چون همزه، همزه استفهام است معنی ظاهرش، آن است که آیا ما شما را مهمل وامی گذاریم و بر شما به وجود پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) احتجاج نمی کنیم یا امامی یا حجج دیگری از بروز آثار قدرت کامله و آیات بینه، ملاحظه فرما اصول کافی و جلد هفتم بحارالأنوار را در اثبات وجود حجّت زمان در هر عصری و کیفیت مباحثه هشام با ابن عبید در امر امامت که ماحصل آن مباحثه این است هم چنان که اعضاء و جوارح انسان محتاج به سلطان و مربی است به همین قسم این عالم کبیر هم، محتاج سلطان و امام و مربی می باشد.

طریقه ی صلوات فرستادن

مرحوم ملا احمد اردبیلی در حدیقه الشیعه از صحیح مسلم نقل می فرماید که چون آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» فرود آمد پرسیدند: یا رسول الله! سلام بر شما را دانسته ایم صلوات بر شما چگونه است؟ حضرت فرمودند بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (۳).

و هر گاه خدا و رسول امر به صلوات بر آل کرده باشند در این شکی نیست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) افضل آل محمد (علیهم السلام) است پس البته اولی و انساب باشد به نیابت و خلافت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) و شکی نیست که با انبیاء سابق در صلوات آل ذکر نمی کرده اند و صلوات بر خاتم الانبیاء را اینگونه باید گفت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و بی ذکر آل، صلوات جایز نیست.

ص: ۲۱

۱- ۱. زخرف/۵.

۲- ۲. بحارالأنوار ۹/۲۳۵، ح ۱۳۰.

۳- ۳. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ۱/۳۸۶.

سعید غیاث الدین اولجایتو سلطان محمد خدابنده را، ده وجه به خاطر رسیده و در تاریخ ذکر نموده اند و صحت عقیده و مقدار دانش و فهم آن پادشاه مغفور را از آن استنباط فرموده که مشهور است روزی در مجلس وعظ نشست بود، واعظ در فضیلت صلوات سخن می گفت. پرسید: چرا در صلوات انبیای دیگر آل آن ها مذکور نشده و در صلوات بر پیغمبر آخر الزمان امر به اقتران آل شده؟ واعظ به فکر فرو رفت در جواب سلطان فرمودند: مرا در این مسئله دو نکته به خاطر رسید خدمت علماء عرض نمایم یکی آن که چون دین و ملت پیغمبران سابق در معرض تبدیل و تغییر و منسوخ شدن بود امضای آن لازم نبود الا دین محمد بن عبدالله (علیه السلام)، چون تغییر و تبدیل در آن راه ندارد و تا دامنه قیامت برقرار است لذا هر که تابع این دین است بر او لازم است احکام آن را از اولاد او: اخذ (علیه السلام) کند، پس باید در صلوات ذکر او به ذکر آل پیوسته باشد تا امت و متابعان ایشان را معلوم شود که ایشان حافظ دین و ملت اند و حرمت ایشان را لازم داشته و از جمله فرائض شناسند.

وجه دوم چون دشمنان، آن حضرت را ابتر خواندند حق تعالی ابتریت را بر دشمنان آن حضرت قرار داد تا کسی نام آن ها را نبرد و ذکر نکند و نسلشان منقطع گردد و نام پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را با نام آل مقرون ساخت که هیچ کس پیغمبر را بی ایشان نشناسد و ذکر نکند و نسل او روز به روز زیاد شوند.

چون سلطان از تقریر فارق شد تمام فضلاء مجلس و غیره زبان به تحسین و آفرین گشودند و در استدلال این آیه بر کرامت و بزرگی اهل بیت (علیهم السلام) گفته اند که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) ایشان را قائم مقام خود گردانیده و چنان چه صلوات بر آن حضرت موجب تعظیم ایشان است صلوات بر آل ایشان نیز، باعث تعظیم آن حضرت است.

و مروی است روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) ایشان را در زیر کساء داخل نمودند «وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي، وَدَمُهُمْ دَمِي، يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ، وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، وَسَلَمٌ لِمَنْ سَالَهُمْ وَعَيْدٌ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ، فَاجْعَلْ صِلَاةَكَ وَرِكَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ، وَغُفْرَانَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ» یعنی بار خدایا ایشان از من و من از ایشانم، این است که صلوات بدون آل فائده ندارد و باید آن هم جزء باشد.

چنان چه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) هم فرموده بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و مرقوم آن است که ابن بابویه می فرماید که هر گاه نام حضرت مذکور می شود صلوات فرستادن واجب است زیرا که ما به آن مأموریم اگر چنین نباشد مثل ذکر بعضی از ما خواهد بود و این منهی (نهی شده) است زیرا که حق تعالی فرموده: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...» (۱).

مروی است که پرسیدند: یا رسول الله! چگونه است قول حق تعالی که می فرماید «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» (۲) یعنی سرّ این چیست که حق تعالی و ملائکه او صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرستند؟

آن حضرت در جواب فرمودند که علم مکنون است یعنی پوشیده است بر خلایق اگر سؤال نمی کردید از آن خبر نمی دادم، خداوند دو فرشته را بر من موکّل فرموده است پس هر که اسم مرا بشنود و بر من صلوات بفرستد آن دو فرشته می گویند: خداوند تو را پیامرزد، پس خداوند و ملائکه می گویند: آمین که شرح او مفصلاً بعد ذکر خواهد شد (۳).

ص: ۲۳

۱- ۱. نور/۶۳.

۲- ۲. احزاب/۵۶.

۳- ۳. مفتاح الفلاح / ۳۹.

بدان که در چند موضع خداوند بر بنده صلوات می فرستد، یک مورد در مقام صبر در مصیبت است چنان چه در سوره «بقره» می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (۱) و موضع دیگر «فِي الْكَافِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرْوَخَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (۲).

نیز در کافی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند: هر که بر پیغمبر صلوات بفرستد خداوند هزار مرتبه بر او صلوات می فرستد که شرح او بعد می آید. و در کتاب ارشاد القلوب (۳) دیلمی ۱ از حضرت امام کاظم (علیه السلام) روایت کرده که حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند هر که یک مرتبه بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد، خداوند ده مرتبه بر او صلوات می فرستد و ده حسنه به او اعطا می فرماید در مقابل صلواتی که بر آن حضرت فرستد. دیگر آن که احمد حنبل از عبدالله بن عوف روایت کرده که تفصیل آن بعد ذکر می شود و خلاصه آن این است: جبرئیل (علیه السلام) خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد که خداوند فرمودند: هر که بر تو صلوات فرستد من بر او صلوات می فرستم و هر که بر تو سلام کند من بر او سلام می کنم.

ص: ۲۴

۱- ۱. بقره/ ۱۵۶ و ۱۵۷.

۲- ۲. الکافی ۲/۴۹۳، ح ۱۴.

۳- ۳. ارشاد القلوب ۲/۴۰۸.

صلوات خداوند بر گریه کنندگان امام حسین (علیه السلام)

دیگر آن که مرحوم شیخ جعفر ۱ در کتاب خصائص الحسینیّه در فضائل گریه مرقوم فرموده است به گریه کننده بگویی «صَلِّمِ اللّٰهُ عَلَیْكَ يَا صَیْلُوهُ اللّٰهُ عَلَیْكَ» که در روایت نبویّه است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: «أَلَا وَصَلِّمِ اللّٰهُ عَلَی الْبَاكِیْنَ عَلَی الْحُسَیْنِ رَحْمَةً وَ شَفَقَةً» (۱) فرمایش ایشان در خصائص همین اندازه بود ولی مدرک این خبر در تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است که در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِثَاقَكُمْ لَا تُشْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ...» (۲) چنین مرقوم است: «عَنِ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْيَهُودِ...» (۳) الخ؛

مفاد فرمایش و ترجمه عبارات مندرجه در تفسیر از این قرار است که حضرت عسکری (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می فرماید که چون آیه شریفه در مذمت یهودی که عهد خدا را شکستند و تکذیب پیغمبران نمودند و فرستادگان خدا را کشتند نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: می خواهید آگاه سازم شما را به یهود این امت از کسانی که مانند آن ها هستند؟

عرض کردند: بلی یا رسول الله. فرمودند: جماعتی از مردم هستند که خود را از امت من محسوب می دارند و بهترین ذریه و پاکیزه ترین قبیله مرا می کشند و شریعت مرا تغییر می دهند و طریقه مرا تبدیل می نمایند و نور چشمان من حسن و حسین (علیهما السلام) را به قتل می رسانند، چنان چه سابقین آن ها زکریا و یحیی را کشتند «أَلَا وَ إِنَّ اللّٰهَ يَلْعَنُهُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ» (۴) آگاه باشید خدا لعن می کند بر آن ها همین قسمی که سابقین آن ها را لعن نموده و علاوه مبعوث می فرماید بر باقی ماندگان ذریه و قبیله ی

ص: ۲۵

۱- ۱. بحار الأنوار ۴۴/۳۰۴، باب ۳۶، ح ۱۷- تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۶۹.

۲- ۲. بقره/۸۴.

۳- ۳. نرم افزار نور ۵/۲- تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۶۸، ح ۲۵۸.

۴- ۴. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۶۸.

آن ها قبل از آن که قیامت برسد ، کسی را از اولاد حسین (علیه السلام) مبعوث می فرماید تا هدایت کند و مهدی امت است که به برق شمشیر، آن ها را به درک می رساند، «أَلَا وَ لَعَنَ اللَّهُ قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ مُجِيبِهِمْ وَ نَاصِرِيهِمْ وَ السَّائِئِينَ عَنْ لَعْنِهِمْ مِنْ غَيْرِ تَقِيَّةٍ تُسَكِّتُهُمْ» (۱) آگاه باشید که خدا لعنت کرده است کُشندگان و دوستان کُشندگان و یاری کنندگان قاتلین حسین (علیه السلام) را «أَلَا وَ صَيَّلَى اللَّهُ عَلَى الْبَاكِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ رَحْمَةً وَ شَفَقَةً وَ اللَّاعِنِينَ لِأَعْدَائِهِمْ» آگاه باشید که خدا صلوات می فرستد بر گریه کنندگان حسین (علیه السلام) از روی رحمت و شفقت و صلوات می فرستد بر کسانی که لعن می کنند بر دشمنان گریه کنندگان بر حسین (علیه السلام) آن چنان دشمنانی که بزرگی و تندی می کنند بر گریه کنندگان «غَيْظًا وَ حَنَقًا» از روی غیظ و شدت حسد «أَلَا وَ إِنَّ الرَّاظِينَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ شُرَكَاءَ قَتِيلِهِ» .

آگاه باشید کسانی که خشنود شدند از کشته شدن حسین (علیه السلام) مثل همان کسانی هستند که شریک در قتل آن حضرت شدند، آگاه باشید کسانی که کشتند آن حضرت را و کسانی که یاری کردند قتل آن حضرت را و کسانی که پیروی کردند از آن ها و دین حق را قبول نکردند بی دین خواهند محسوب شد «أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ أَنْ يَتَلَقَّوْا دُمُوعَهُمُ الْمَصْدُوبَةَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) إِلَى الْخُرَّانِ فِي الْجَنَّةِ فَيَمْزُجُونَهَا بِمَاءِ الْحَيَّوَانِ» آگاه باشید خدای تعالی امر می فرماید به ملائکه مقربین اشک هایی که در عزای حسین (علیه السلام) جاری می شود بگیرند و تسلیم نمایند به خازنین بهشت تا مخلوط نمایند به آب چشمه حیوان که در بهشت جاری است و آب آن چشمه به واسطه آن اشک ها هزار برابر بر گوارایی و خوش بویی و خوش طعمی او افزوده خواهد شد. و ملائکه دیگر مأمور هستند به کسانی که خوشحال و خندان شدند برای کشته شدن حسین (علیه السلام) هر گاه در امری و صدمه ای و المی گریه کردند آب چشم آن ها را ملائکه گرفته و می ریزند در هاویه که طبقه ای است از طبقات جهنم، ممزوج می شود به

ص: ۲۶

جهنم و آب های سوزنده آن، بدین واسطه هزار برابر بر شدت و حرارت و عفونت آن آب ها افزوده و سخت خواهد شد بر دشمنان آل محمد (علیهم السلام) «فقام ثوبان فقال یا رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) بأبی أنت و أمی یا رسول الله متی قیام الساعة» الخ؛ طالبان به تفسیر امام (علیه السلام) رجوع نمایند (۱).

دیگر در فصل ششم کتاب مخزن البکاء از کتاب منتخب از جابر جعفی روایت می کند و خلاصه آن این است: حضرت صادق (علیه السلام) به جابر فرمودند: خداوند موکل می گرداند به زائر حسین (علیه السلام) چهل هزار ملک که صلوات می فرستند بر آن زائر و زائران حسین (علیه السلام) ثواب کسانی را دارند که در خون خود غلطیده باشند در راه خدا به درستی که خدا و ملائکه صلوات بر زائر حسین (علیه السلام) می فرستند.

یکی دیگر لعن بر اعداء محمد و آل محمد (علیهم السلام) است که خداوند بر لاعن (لعن کننده) صلوات می فرستد و شرح آن در صفحه بعد ذکر خواهد شد.

«فِی الْعَوَالِمِ قَبِيلٌ لِلصَّادِقِ: أَيْ جُوزُ أَنْ يُصَيَّرَ لِي عَلَي الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ يُصَيَّرُ لِي عَلَيْهِمْ فَقَدْ صَيَّرَ لِي اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَمَا سَمِعْتَ (۲) قَوْلَ اللَّهِ: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ ...» (۳) بدان که خلد مقام، مرحوم حاجی نوری در جزء اول کتاب دارالسلام خود نقل فرموده از کتاب بشاره المصطفی به اسناد متصله خود از کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت نموده: از آن جمله آنچه محل شاهد است این است که می فرماید: ای کمیل! نام خدا را به زبان جاری کن و بگو «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و توکل کن بر خدا و یاد کن ما را و اسم هر یک از ماها را به زبان بیاور و صلوات بفرست بر ما و پناهنده شو به خداوند و به ما و به این عمل ضرر را از جان و اولاد خود دفع کن و از شر این روز در امان می مانی (۴).

ص: ۲۷

- ۱-۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۷۰، ح ۲۵۹.
- ۲-۲. بحار الأنوار ۹۱/۷۰، ح ۶۲- مستدرک الوسائل ۵/۴۰۲، ح ۶۱۸۷.
- ۳- احزاب/۴۳.
- ۴-۴. بحار الأنوار ۷۴/۲۶۸، ح ۱.

در مناقب ابن شهر آشوب در ذیل خبر مروی از ابو حازم است که مردی سؤال کرد از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)، از معرفت و خصوصیات نماز که شرحی دارد آخر آن سؤال عرض کرد: سبب قبولی نماز چیست؟ فرمودند: ولایت ما اهل بیت و برائت از اعداء ما.

یک نفر از علما نقل فرمودند که خُلد اشیان، فخر الفقهاء، مرحوم حاجی آقا منیر الدین اصفهانی (طاب ثراه) از عیون اخبار الرضا (علیه السلام) نقل فرمودند که هر کس بعد از غذا خوردن دست خود را بشوید و کفی آب گرفته و بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى» و آب را در دهان نموده فرو دهد خدا هفتاد بلیه و مرض را از باطن و قلب او دفع می کند.

ثواب صلوات بر حضرت صدیقه ی زهراء، فاطمه ی زهراء (علیها السلام)

بدان که در جلد چهارم ناسخ التواریخ در اواخر کتاب در ذکر فضائل صدیقه طاهره (علیها السلام) مرقوم است که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از فاطمه زهراء (علیها السلام) روایت می فرماید که «قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِنْ الْجَنَّةِ» (۱) فرمودند: ای فاطمه! هر کس درود بر تو بفرستد خداوند او را می آمرزد و با من ملحق می سازد در هر جای بهشت باشم.

و علامه مجلسی در فصل هشتم کتاب مقباس مرقوم فرموده در بعضی از کتب معتبره روایت شده هر که سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز این صلوات را بخواند گناهانش آمرزیده شود و شادی او دائم باشد و دعایش مستجاب گردد و روزی او وسیع شود و بر دشمن ظفر یابد و در بهشت از رفقای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده باشد:

ص: ۲۸

۱- ۱. بحار الأنوار ۴۳/۵۵، باب ۳ و ۹۷/۱۹۴ باب ۵، ح ۱۰- مستدرک الوسائل ۲۱۱/۱۰، ح ۱۱۸۷۷- کشف الغمّه ۱/۴۷۲.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَتَهُ وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَاسْتَقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَلَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّهً كَثِيرَةً وَسَلَامًا».

طریقه ی صلوات فرستادن بعد از نوشیدن آب

دو نفر از اهل علم نقل فرمودند که مرحوم حجه الاسلام حاجی آقا منیر فرمودند که در خبر وارد است کسی که این صلوات را بخواند بعد از آب خوردن ثواب ثقلین در نامه عمل او نوشته شود و او این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ الْعَن مَن شَرِكَ فِي دَمِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)».

بدان که در تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) در آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (۱) که شرحی دارد و خلاصه آن این است که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می فرمایند: در مقام محاسبه نفس و یاد آوردن حسنات و گناهان در هر شب و روزی، هر گاه بنده حساب خود را نمود و دید عبادت نموده، حمد و شکر خدای را بجا می آورد و هر گاه دید معصیتی از او صادر گردیده، توبه و استغفار می نماید و عزم می کند که دیگر مرتکب آن معصیت نشود و برای این که اثر آن معصیت زائل شود و محو گردد، صلوات بر محمد و آل ایشان: بفرستد و چون که به واسطه معصیت رشته محبت و ولایت را پاره نموده و با دشمنان او

ص: ۲۹

نزدیک شده ، به قلب خود تجدید بیعت با حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بنماید و به صلوات محکم کند رشته را و لعن کند دشمنان محمد و آل ایشان را (علیهم السلام) ، چون چنین کرد خدا می فرماید: من مؤاخذه نمی کنم از گناهان تو و او را می آمرزد(۱).

ثواب یاری کردن دین خدا

و نیز در تفسیر مرقوم حضرت صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) نقل می فرماید: ثواب یاری کردن دین خدا را که شرح او طولانی است مردی عرض کرد: من عاجزم از یاری کردن شما و دین خدا، حضرت فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده است: کسی که عاجز باشد از یاری کردن دین خدا و لعن نماید در خلوت خود دشمنان ما را ، صدای او را تمام ملائکه ما می شنوند از عرش خدا تا زمین و همه همراهی می کنند با او در لعن و گویند: خدایا صلوات فرست بر این بنده که به قدر توانایی خود لعن بر اعداء نموده و هر گاه زیاده بر این قدرت داشت عمل می نمود خداوند می فرماید: ای ملائکه! دعای شما را مستجاب کردم و بر روح این بنده در ارواح صلوات فرستادم و در نزد من از برگزیدگان است.

و أَيْضاً در تفسیر آیه «وَ إِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَ أَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (۲) می فرماید: چون حضرت موسی (علی نبینا و آلہ و (علیه السلام)) به دریا رسید خطاب رسید ای موسی! «قُلْ لِيُنِي إِسْرَائِيلَ جَدُّدُوا تَوْحِيدِي وَ أَقْرُوا بِقُلُوبِكُمْ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ عِبِيدِي وَ إِمَائِي وَ أَعْبُدُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ الْوَلَايَةَ عَلَيَّ أَخِي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ قُولُوا: اللَّهُمَّ بِجَاهِهِمْ جُوزْنَا عَلَيَّ مَتْنِ هَذَا الْمَاءِ فَإِنَّ الْمَاءَ يَتَحَوَّلُ لَكُمْ أَرْضاً» حکایت مفصل است، خلاصه ی آن؛ خطاب رسید موسی بزنی عصای خود را بر دریا و مرا به جاه محمّد-د و آل محمّد-د (علیهم السلام) قسم بده و با قوم خود از دریا گذشت طالبان رجوع به تفسیر امام عسکری (علیه السلام) نمایند کاملاً مرقوم است(۳).

ص: ۳۰

۱-۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۸ ، ح ۱۴ .

۲-۲. بقره/۵۰.

۳-۳. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۲۴۵ ، ح ۱۲۱ .

و فيه أيضاً «قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم): مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ وَ تَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى صِيْلَةَ بَغَيْرِ طُهُورٍ وَ لَا صِدْقَهُ مِنْ غُلُولٍ وَ إِنَّ أَعْظَمَ طُهُورِ الصَّلَاةِ الَّتِي لَا يَقْبَلُ الصَّلَاةَ إِلَّا بِهِ وَ لِشَانِنِيًّا مِنْ الطَّاعَاتِ مَعَ فَقْدِهِ مُوَالَاةُ مُحَمَّدٍ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ مُوَالَاةُ عَلِيٍّ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ مُوَالَاةُ أَوْلِيَائِهِمَا وَ مُعَادَاةُ أَعْدَائِهِمَا» (١) الخ. و فيه أيضاً في تَفْسِيرِ «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ...» (٢) «قال علي بن الحسين (عليهما السلام): قال رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم): طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَيًّا (عليه السلام) إِيمَانًا بِمُحَمَّدٍ وَ تَصَدِيقًا لِمَقَالِهِ كَيْفَ يَذْكُرُهُمُ اللَّهُ بِأَشْرَفِ الذِّكْرِ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَ كَيْفَ يُصَلِّي عَلَيْهِمْ مَلَائِكَةُ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْحُجُبِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْهَوَاءِ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا تَحْتَهَا إِلَى الثَّرَى وَ كَيْفَ يُصَلِّي عَلَيْهِمْ أَمْلَاكُ الْغُيُومِ وَ الْأَمْطَارِ وَ أَمْلَاكُ الْبَرَارِيِّ وَ الْبِحَارِ وَ شَمْسُ السَّمَاءِ وَ قَمَرُهَا وَ نُجُومُهَا وَ حَضَبَاءُ الْأَرْضِ وَ رِمَالُهَا وَ سَائِرُ مَا يَدْبُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فَيَشْرَفُ اللَّهُ تَعَالَى بِصَلَاةِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا لَدَيْهِ مَحَالَّتُهُمْ وَ يُعْظَمُ عِنْدَهُ جَلَالُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ شَهَرُوا بِكَرَامَاتِ اللَّهِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ جُعِلُوا مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ (عليهما السلام) صَفِيَّي رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْوَيْلُ لِلْمُعَانِدِينَ عَلَيًّا كُفْرًا بِمُحَمَّدٍ وَ تَكْذِيبًا بِمَقَالِهِ وَ كَيْفَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ بِأَخْسِ اللَّعْنِ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ؟ وَ كَيْفَ يَلْعَنُهُمْ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْحُجُبِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْهَوَى وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا تَحْتَهَا إِلَى الثَّرَى؟ وَ كَيْفَ يَلْعَنُهُمْ أَمْلَاكُ الْغُيُومِ وَ الْأَمْطَارِ وَ أَمْلَاكُ الْبَرَارِيِّ وَ الْبِحَارِ وَ شَمْسُ السَّمَاءِ وَ قَمَرُهَا وَ نُجُومُهَا وَ حَضَبَاءُ الْأَرْضِ وَ رِمَالُهَا وَ سَائِرُ مَا يَدْبُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فَيَسْفُلُ اللَّهُ بِلْعَنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لَدَيْهِ مَحَالَّتُهُمْ وَ يُقْبِحُ عِنْدَهُ أَحْوَالَهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ شَهَرُوا بِلْعَنِ اللَّهِ وَ مَقْتِهِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ وَ جُعِلُوا مِنْ رُفَقَاءِ إِبْلِيسَ وَ نَمْرُودَ وَ فِرْعَوْنَ أَعْدَاءِ رَبِّ الْعِبَادِ وَ إِنَّ مِنْ عَظِيمِ مَا يُتَّقَرَّبُ بِهِ خِيَارُ أَمْلَاكِ الْحُجُبِ وَ السَّمَاوَاتِ الصَّلَاةَ عَلَى مُجِيبِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ اللَّعْنِ لِشَانِنِيًّا» (٣).

ص: ٣١

١-١. بحار الأنوار ٧٧/٣١٦، باب ٥، ح ٧ - تفسير امام حسن عسكري (عليه السلام) / ٥٢٠.

٢-٢. بقره/٢٠٣.

٣-٣. بحار الأنوار ٦٥/٣٧ باب ١٥، ح ٧٩ - تفسير امام حسن عسكري (عليه السلام) / ٦١٥.

و نیز در تفسیر «و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (۱) که شرحی دارد طولانی که گنجایش ذکر آن نیست. در اواخر آن سید الساجدین (علیه السلام) می فرماید: «معاشر الشَّيعَةِ إِنَّ مُحَمَّدًا لَسَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ الْمُؤَلِّينَ أَوْلِيَاءَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٌّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ الْمُتَّبِعِينَ مِنْ أَعْدَائِهِمَا أَفْضَلُ أُمَّمِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا إِلَّا بِهَذَا الْإِعْتِقَادِ وَ لَا يَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا وَ لَا يَقْبَلُ لَهُ حَسَنَةً وَ لَا يَرْفَعُ لَهُ دَرَجَةً إِلَّا بِهِ» (۲).

و در کتاب اثنی عشریه در فصل چهاردهم از باب یازدهم مرقوم است « مَا رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا- وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَفِي حَقِّ اللَّهِ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَايَانٌ إِلَى الْجَنَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ أَلَا- وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ» (۳).

مقام حُبِّ حضرت محمد و آل محمد (علیهم السلام)

بدان که مرحوم آیت الله آقای شیخ محمد تقی النجفی الاصفهانی در کتاب تأویل الآیات مرقوم می فرمایند که جماعتی از خاصه و عامه روایت نموده اند از عبدالله بن عباس از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که آن جناب فرمودند: قرآن نازل شد چهار ربع، یک ربع از آن در حق ما اهل بیت نازل گردید و یک ربع از آن

ص: ۳۲

۱- ۱. بقره/۲۰۷.

۲- ۲. بحار الأنوار ۱/۱۸، ح ۶۸ - تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۶۲۶.

۳- ۳. بحار الأنوار ۲۳/۲۳۳ - تفسیر کشف زمخشری.

در حق دشمنان ما و یک ربع از آن فرائض و احکام است و یک ربع از آن سنن و مثال است و از برای ما محاسن قرآن (۱) می باشد.

و مؤید این حدیث روایتی است که فضل بن شاذان از داود بن کثیر روایت نموده که او گفت سؤال کردم از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) که شما هستید مقصود از صلوه و زکات در کتاب خدا، فرمودند: یا داود ما هستیم مقصود خدا از صلوه و زکوه و صوم و حجّ در کتاب خدا و ما هستیم مراد از « أَشْهُرٌ حُرْمٌ و بِلَدٍ حَرَامٌ و كَعْبَةُ اللَّهِ و قِبْلَةُ اللَّهِ و وَجْهُ اللَّهِ » که در قرآن می فرماید « فَأَيُّنَّمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ » (۲) و ما هستیم آیات الله و ما هستیم بینات در قرآن و در کتاب خدای تعالی مُراد از فحشاء و منکر و بغی و خمر و عسر و انصاب و ازلام و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت و دم و میتة و لحم خنزیر دشمنان ما هستند ، ای داوود به درستی که خداوند خلق فرمودند ما را پس گرامی داشت و فضیلت داد ما را و قرار داد ما را امناء و حافظین و حُرّان تمام آن چه در دنیا است و قرار داد از برای ما اضرار و اعداء چند ، پس ذکر نمود اسماء ما را در کتاب خود به احسن اسماء و احسن کنیه ها و ذکر نمود اسماء دشمنان ما را در کتاب خود به زشت ترین اسماء و منفورترین کنیه ها در نزد خود و در کتاب خود از برای آن ها مثل هایی (۳) ذکر نمود .

و مؤید این مطلب نیز حدیثی است که فضل بن شاذان به سند خود از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) روایت نموده که فرمودند ما هستیم اصل هر خیری و از فروع ماست هر برّ و احسانی و از جمله برّ است توحید و صلوه و صیام و غیره الی آخر الخیر (۴).

ص: ۳۳

۱-۱. بحار الأنوار ۲۴/۳۰۵، ح ۱.

۲-۲. بقره/۱۱۵.

۳-۳. بحار الأنوار ۲۴/۳۰۳، ح ۱۴.

۴-۴. بحار الأنوار ۲۴/۳۰۳، ح ۱۵.

و از این قبیل است روایتی که ابن بابویه در کتاب اعتقادات خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت نموده که فرمودند: هیچ آیه ای در قرآن نازل نگردید که اول آن با «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» باشد مگر آن که علی بن ابیطالب (علیه السلام) امیر و بزرگ و سردار آن ها می باشد و هیچ آیه نازل نشده که متضمن وعده بهشت باشد مگر آن که در حق پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) و متابعین ایشان است و هیچ آیه نازل نگردیده که متضمن وعید جهنم باشد مگر آن که در حق دشمنان ایشان و مخالفین ایشان است. الخبر (۱).

زیاده بر این طالبان مقام محمّد و آل محمّد (علیه السلام) و آیاتی که به آن انوار مقدّس تأویل شده رجوع فرمایند به تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و کتاب غایه المرام و جلد دوم اثبات الهداه شیخ حرّ عاملی نور الله مرقده و کتاب مستطاب کافی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی و غیبت شیخ مفید (طاب ثراه) و کتاب احتجاج و مصباح الأنوار شیخ ابوجعفر طوسی و کشف الغمّه و ملاحظه فرمایند یک یک سور قرآنی را و آیات بسیاری را که در آن سور تأویل شده و در شأن ائمه هدی (علیهم السلام) نازل گردیده تا عَشْرَى از اعشار مقام یس و آل یس را ملتفت شوند.

ملاحظه فرما زیارت جامعه را که عرض می کنی: «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَّجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتُمُ، وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ وَاشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، عَصِيْمُكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنُكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجَسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً».

«فِي الْأَمْيَالِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعِيدِي وَ لِيُؤَالَ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ» (۲).

ص: ۳۴

۱- ۱. بحار الأنوار ۲۴/۳۱۶، ح ۲۰.

۲- ۲. بحار الأنوار ۷۷/۵۵ باب ۱، ح ۹- امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ۴۷۳ مجلس ۷۲، ح ۷- بشاره المصطفى ۶ / ۱۵۰.

شأن نزول بعضی آیات قرآن کریم در خصوص «صلوات»

حضرت عسکری (علیه السلام) در تفسیر آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...» فرموده که مراد از صلوه، نماز پنج گانه یومیّه و صلوات بر محمّد و آل ایشان است، که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سید افاضل آن هاست (۱).

در تفسیر آیه «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۲) فرموده که مراد از صلوه در این آیه نماز پنج گانه و صلوات بر محمّد و آل ایشان (علیهم السلام) و اطاعت آن ها هر دو است نه فقط نماز تنها و این که فرموده است: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» یعنی این دو قسم از صلوات سنگین و سخت است إلاّ بر خاشعین یعنی کسانی که می ترسند از عقاب خداوند که به مخالفت این دو فریضه ی بزرگ یعنی (نماز و صلوات) پردازند.

و نیز در تفسیر «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ...» الی قوله... ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (۳) فرموده که به امر خدا گوساله با حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) به زبان آمد و شرح حال سامری را بیان کرد، گفت: جهت مبتلا شدن قوم شما به پرستیدن من این بود که به صلوات فرستادن بر محمّد و آل ایشان (علیهم السلام) (۴) اعتنا نداشتند.

ص: ۳۵

۱-۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۲۳۱، ح ۱۱۰ - بحار الأنوار ۲۴/۳۹۶.

۲-۲. بقره/۴۵.

۳-۳. بقره/۵۰ الی ۹۲.

۴-۴. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۲۵۱، ح ۱۲۲.

در تفسیر آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (۱) فرموده که خلاصه ی آن این است که اسبی مقابل حضرت رضا (علیه السلام) حاضر بود و جماعتی ایستاده بودند و نمی توانستند او را سوار شوند از شرارت او، پسری بود به سنّ هفت سالگی عرض کرد: اجازه می فرمائید من بر او سوار شوم فرمودند چگونه می توانی؟ با این حال عرض کرد: من یکصد مرتبه صلوات می فرستم و ولایت شما را بر خود تازه می کنم و بر او سوار می شوم. حضرت فرمودند: بسیار خوب. چون سوار شد به اندازه ای او را دوانید که آن حیوان عرق کرد و شکایت کرد به حضرت «فَنَادَى الْفَرَسُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ أَلْمَنِي» (۲) الخ.

و نیز در تفسیر «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (۳)

فرموده که عهد و میثاق خدا بر بنی اسرائیل بر صلوات یومیّه و صلوات بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بود در حال غضب و خوشی و شدّت و غم ها و غیره و شما بنی اسرائیل به آن عهد وفا نکردید (۴).

در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ...» (۵) امام (علیه السلام) می فرماید: شکر کنید خدا را بر آن چه روزی قرار داد برای شما از طیبات به ولایت محمّد و علی (علیهما السلام) که قبولی ولایت آن ها شکر چیزهایی است ، از طیبات رزق که به شما داده شده است (۶) .

ص: ۳۶

۱- ۱. بقره/۸۲.

۲- ۲. بحار الأنوار ۷۲/۴۱۵، باب ۸۷، ح ۱۷۰ - تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۲۳، ح ۱۷۰.

۳- ۳. بقره/۸۳.

۴- ۴. بحار الأنوار ۶۸/۱۸۳، ح ۴۴.

۵- ۵. بقره/۱۷۲.

۶- ۶. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۵۸۴، ح ۳۴۸.

و أَيْضاً در تفسیر «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً...» (۱) «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْمَاءَ فَجَعَلَ عَرْشَهُ عَلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ فِي سِتِّهِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (۲) که شرحی دارد مفضّل و این عرش سیصد و شصت هزار قائمه دارد تا آن جایی که می فرماید: خداوند خلق فرمودند برای هر قائمه از آن سیصد و شصت هزار ملک به کیفیاتی که مرقوم است آن وقت امر فرمودند به آن ها که بلند کنید عرش را، آن ملائکه نتوانستند حرکت بدهند تا این که چند مرتبه عدد آن ها را مضاعف فرمودند، باز نتوانستند حرکت دهند. فرمودند: واگذارید که به قدرت خود نگاه می دارم. سپس به هشت نفر از آن ها فرمودند: عرش را بردارید. عرض کردند: پروردگارا! این همه ملائکه نتوانستند عرش را حرکت بدهند، چگونه می توانیم برداریم!! خطاب شد که تعلیم می کنم به شما کلماتی را که هر گاه بگویید بر شما آسان شود حرکت عرش، عرض کردند: آن کلمات کدام اند؟ خطاب رسید بگوئید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ» پس گفتند و برداشتند و سنگینی عرش به آن عظمت بر شانه های آن ها مانند مویی بود که بر شانه مردی باشد. هر گاه کاملاً کسی بخواهد کیفیت آن را، رجوع فرماید به تفسیر امام (علیه السلام) یا در انوار سید جزائری، مقصود در این جا اشاره اجمالی برای ذکر و فائده صلوات بود.

ص: ۳۷

۱- ۱. بقره/۲۲.

۲- ۲. هود/۷.

مرقوم است حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند که خدا گناهان مطیعان ما را می آمرزد. عرض کردند: یا علی! مطیعان شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: آن هایی که در واجبات اطاعت خدا را می نمایند و محرمات را ترک می کنند و مشغول ذکر خدا و صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن جناب (علیهم السلام) هستند.

رفع نمودن شیاطین از انسان به ذکر صلوات

در تفسیر امام (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (۱) می فرماید: مراد از «بأساء» محاربه با دشمنان است و هیچ دشمنی بالاتر از شیطان نیست که مدام در مقام محاربه و گمراه نمودن انسان است و انسان باید در مقام دفاع با او باشد «وَ عَلَيْهِم بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ» و حربه انسان در دفاع با شیطان ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) است و می فرماید که مراد از «ضراء» فقر و شدت است و فقری بالاتر برای مؤمن از این نیست که در مقابل دشمنان آل محمد (علیهم السلام) تکفیف کند (یعنی اعتناء به مال و ثروت و عزت و ریاست آنها نکند) و در قبال آنچه آنها دارند از مال و ثروت و عزت صبر کند و قناعت نماید به آن چه خود دارد از ولایت و دوستی و محبت محمد و آل محمد (علیهم السلام) یعنی دست از محبت و دوستی محمد و آل محمد (علیهم السلام) برندارد و صابر باشد و «حِينَ الْبَأْسِ» مراد از او یعنی نزد شدت قتال و سختی یاد نماید خدا را به ذکر «اللَّهُ وَ يُصَلِّيْ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَّسُولِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ عَلَيَّ وَ لِيَّ اللَّهُ وَ يُوَالِي بَقَلْبِهِ وَ لِسَيِّدَانِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ وَ يُعَادِي كَذَلِكَ أَعِدَاءَ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُولَئِكَ أَهْلُ هَذِهِ الصِّفَاتِ.

ص: ۳۸

می فرماید: حق تعالی جلّ شأنه این ها هستند همان کسانی که وصف آن ها در این آیه شده است که راستگو هستند در ایمان و در گفتار و در کردار و این ها هستند اهل تقوا و پرهیزگاری و «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (۱).

همچنین در تفسیر امام (علیه السلام) در تفسیر آیه مبارکه «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ...» (۲) شرحی دارد مفصل در اواخر آن چنین مستفاد است که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) امر فرمودند اصحاب خود را به جهاد و بذل اموال که ثمره آن دائمی شدن عمر در آخرت و طولانی شدن نعمت در بهشت است، اصحاب عرض کردند: ما که قدرت نداریم به جهاد، مالی هم نداریم بذل نمائیم، چه کنیم که به این فیض نائل شویم؟ فرمودند:

أما جهاد؛ قلب خود را به محبت خدا و رسول خدا و وصی رسول خدا و محبت شیعیان و دوستان آل محمد (علیهم السلام) و برادران ایمانی خود هم جهت کنید .

أما صدقه؛ مشغول ذکر خدا شوید و صلوات بر محمد و آل طیبین آن حضرت (علیهم السلام) بفرستید که خداوند آن درجات را به شما خواهد داد.

و در کتاب اثنی عشریه در مواعظ ثلاث مرقوم است «وَرُويَ عَنِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و اله) إِنَّهُ قَالَ ثَلَاثَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّ اللَّهِ قِيلَ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال (صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ فَرَّجَ عَنْ مَكْرُوبٍ مِنْ أُمَّتِي وَ مَنْ أَحْبَبِي سُنَّتِي وَ مَنْ أَكْثَرَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ» (۳).

ص: ۳۹

۱- ۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۵۸۹، ح ۳۵۳ - بحار الأنوار ۲۴/۲۸۱.

۲- ۲. بقره/۹۴.

۳- ۳. تحریر مواعظ عددیه / ۲۳۵. « ترجمه: از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده است که در روز قیامت سه گروه در زیر عرش خدا قرار می گیرند همان روزی که هیچ سایه ای جز سایه (رحمت) خدا نیست. پرسیدند ای رسول خدا آنها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند هر کس که غمی را از غم دیده ای از امت من برطرف کند و کسی که سنت مرا احیاء کند و کسی که زیاد بر من صلوات فرستد.»

در کتاب خلاصه الأخبار مرقوم است که در حدیث معتبر از عمار بن یاسر منقول است که به حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: می خواستم شما در میان ما به قدر عمر نوح زندگانی کنید، حضرت فرمودند: از خدا خائف باشید، نیکو صلوات بفرستید بر من و بر اهل من، به درستی که اعمال شما بر من به نام شما و پدران و قبیله شما عرضه خواهد شد. اگر عمل خیر است خدا را حمد می کنم و اگر عمل شرّ است برای شما استغفار می کنم، چنان چه خداوند می فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...» (۱) و فرمودند که مؤمنان، آل محمدند: (۲).

وجوب صلوات در تمام امور

در کتاب خصال از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در جمیع مواطن و در وقت عطسه و در وقت وزیدن بادهای واجب است (۳).

و در کتاب عیون هم همین حدیث را از حضرت رضا (علیه السلام) روایت کرده است و به جای وقت وزیدن بادهای در آن جا وقت ذبح حیوانات مذکور است (۴).

خلاصه در بسیاری از مواضع وارد شده است که ذکر آن حضرت را باید نمود به هر عنوان چنان چه شرح آن ذکر خواهد شد ان شاء الله و اخباری که بر مواعید تارک صلوه و نزد ذکر آن حضرت دلالت می کند به طریق خاصه و عامه بسیار است و قطع نظر از مخالفت امر الهی مستلزم محرومیت از فواید و فضائلی است که برای صلوات مقرر شده است که من بعد ان شاء الله اشاره به بعضی از آن ها خواهم کرد.

ص: ۴۰

۱- ۱. توبه/۱۰۵.

۲- ۲. بحار الأنوار ۲۳/۳۵۴.

۳- ۳. بحار الأنوار ۷۳/۵۴.

۴- ۴. بحار الأنوار ۶۲/۳۱۱، ح ۵ و ۷۳/۵۴، ح ۱۰.

و از ابن عباس روایت شده پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات نفرستد دین برای او نخواهد بود.

در کتاب کافی در باب صلوات مرقوم است که قبل از دعا و بعد از دعا صلوات بفرستید تا این که دعای شما مستجاب شود (۱).

در کتاب عنوان الکلام مرحوم حجه الاسلام ملا محمد باقر فشارکی اصفهانی (۲) مرقوم است که دختر خلیفه غاصب اول از پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) پرسید: آیا کسی هست که در قیامت از دیدن نور شما محروم شود؟ فرمودند: بلی سه طایفه، کسی که اصرار در شراب خوردن داشته باشد و کسی که عاق والدین باشد و کسی که نام مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد.

«فِي بَابِ الثَّامِنِ فِي اللَّتَالِي فِي فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: عَظُمُوا الصَّلَاةَ عَلَى عَبْدِي يَخْلُقُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا مَلَكًا لَهُ ثَلَاثُ مِائَةِ رَأْسٍ وَفِي كُلِّ رَأْسٍ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ سِتِّينَ فَمَا وَفِي كُلِّ فَمٍ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ سِتِّينَ لِسَانًا وَ فِي كُلِّ لِسَانٍ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ سِتِّينَ لُغَةً يُمَجِّدُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ تِلْكَ اللُّغَاتِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ يُكْتَبُ ثَوَابُهَا لَهُ وَ حُرُوفُهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا. وَ فِي رَوَايَتِهِ فِي بَعْضِ نَسَخِ الْحَدِيثِ قَالَ: كَانَ لَهُ خَمْسَةُ آلَافٍ يَدٍ فِي كُلِّ يَدٍ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ أَصْبَعٍ. سَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ عَنْهُ قَالَ هُوَ شَعْوَائِيلُ مُوَكَّلٌ بِحِسَابِ قَطْرَاتِ الْمَطَرِ. وَ سَأَلَ الْحَدِيثَ نَظِيرَ مَا مَرَّ عَنِ الْمَنْهَجِ إِلَى أَنْ قَالَ: إِذَا صَلَّى الْمُؤْمِنُ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ وَ صَلَّى عَلَيْكَ أَنَا عَاجِزٌ عَنْ حِسَابِ ثَوَابِهَا يَعْنِي لِكَثْرَتِهِ.»

«أَيْضًا فِي بَابِ الثَّامِنِ وَ فِي الْعُيُونِ عَنِ الرَّضَا قَالَ: إِنْ سَبَّكَ أَنْ تَشِيكَنَ الْعُرْفَ الْمُبَيَّتَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) فَالْعَنْ قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) (۳)» (۴).

ص: ۴۱

۱- ۱. کافی ۲/۴۹۵، ح ۱۶ با کمی تفاوت.

۲- مدفون در بقعه تکیه علامه خوانساری تخت فولاد.

۳- ۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۲۹۹، ح ۵۸ - بحار الأنوار ۴۴/۲۸۵، ح ۲۳.

۴- «ترجمه»: حضرت رضا (علیه آلاف التحية و الثناء) به پسر شیب فرمودند: اگر خواهی در غرفه های ساخته شده بهشت با پیغمبر (صلی الله علیه و اله) ساکن شوی بر قاتلان حسین (علیه السلام) لعن کن.

آداب آب خوردن و یاد عطش امام حسین (علیه السلام)

چنان چه در اواخر باب پنجم لثالی آداب آب خوردن را بیست و یک چیز می نویسد: «وَمِنْهَا ذِكْرُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ (عليه السلام) وَ لَعْنُ قَاتِلِيهِ بَعِيدَ شُرْبِهِ» وَ مِنْهَا « قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ۷: وَ مَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَانَمَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسِيمَةٍ وَ حَشْرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَلَجَ الْفُؤَادِ» أَيْ مُطْمَئِنَّ الْقَلْبُ (۱).

«ترجمه»: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین و اهل بیت ایشان را یاد کرده و قاتلش را لعنت کند مگر آنکه خداوند صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو می کند و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حقتعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند.

و فی حدیث آخر «قَالَ: مَنْ لَعَنَ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عِنْدَ شُرْبِ الْمَاءِ حَشْرَهُ اللَّهُ تَلَجَ الْفُؤَادِ أَيْ مُطْمَئِنَّ الْقَلْبُ».

فیه أَيْضاً « إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ وَ تَذَكَّرَ الْحُسَيْنَ ۷ يُكْتَبُ لَهُ كَمِ أَلْفٍ مِنْ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى عَنْ صِحْفَتِهِ كَمِ أَلْفٍ مِنَ السَّيِّئَةِ » (۲).

«ترجمه»: اگر مؤمن آب بنوشد و یاد از امام حسین (علیه السلام) کند برای او می نویسد هزار کار نیک انجام داده و هزار بدی را در نامه عمل او پاک می کنند.

خلاصه در باب هشتم لثالی در بیان مؤلف می فرماید: «أَقُولُ وَ مِمَّا يُسْتَفَادُ مِنْهُ أَنَّ اللَّعْنَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى غَيْرِهِمْ مِنَ الْأَعْدَاءِ أَفْضَلُ مِنْ جَمِيعِ الْأَذْكَارِ وَ الْأَوْرَادِ وَ التَّعْقِيبَاتِ حَتَّى الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ وَ غَيْرِهَا بَلْ مِنْ جَمِيعِ الطَّاعَاتِ وَ الْعِبَادَاتِ حَتَّى الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ كَمَا مَرَّ فِي بَابِ السَّادِسِ فِي لَوْلَا مَا وَرَدَ فِي فَضْلِ الْمُتَحَائِنِينَ فِي اللَّهِ مِنْ إِنَّهُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ

ص: ۴۲

۱- ۱. بحار الأنوار ۴۴/۳۰۳، ح ۱۶.

۲- ۲. لثالی / ۷۲۴.

إلى موسى ٧ هل عملت لي عملاً قط قال إلهي صليت لك وصمت وصدقته وذكرت لك فقال تعالى: إن الصلوة لك بزهان والصوم جنة والصدقة ظلّه والذكر نور فأى عمل عملت لي فقال (عليه السلام): إلهي دلني على عمل هو لك فقال: يا موسى! هل واليت لي ولياً وهل عاديت لي عدواً قط فعلم موسى (عليه السلام) إن أحب الأعمال الحب في الله والبغض في الله (١).

تولى وتبرى

وَمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عُرْمَى الْإِيمَانِ أَوْتُقُّ قَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَبَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَبَعْضُهُمُ الصِّيَامُ وَبَعْضُهُمُ الْحُجُّ وَالْعُمْرَةُ وَبَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه واله): لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَلَيْسَ بِهِ وَلَكِنْ أَوْتُقُّ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوْلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرَّى مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَقَدْ مَرَّتْ هُنَاكَ أَخْبَارٌ عَجِيبَةٌ فِي الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ وَالْمُتَبَاغِضِينَ فِي اللَّهِ (٢).

«ترجمه»: حضرت رسول (صلى الله عليه واله وسلم) به اصحابشان فرمودند: کدام یک از دست آویزهای ایمان محکم تر است؟ بعضی از آنها گفتند نماز، برخی گفتند زکات و بعضی گفتند روزه و برخی گفتند حج و عمره و بعضی گفتند جهاد، رسول خدا (صلى الله عليه واله وسلم) فرمودند: هریک از آن ها که گفتید فضیلتی است ولی جواب پرسش من نیست. محکمترین دست آویزهای ایمان دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و پیروی اولیاء خدا و بیزاری از دشمنان خدا می باشد.

وَمِنْهَا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوِيرٍ وَ أَبِي سَلَمَةَ قَالَا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَوةٍ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ سَمِعْنَا وَ مَعَاوِيَةَ وَ فُلَانَهُ وَ فُلَانَهُ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مَعَاوِيَةَ؛ الخ (٣).

«ترجمه»: حسین بن ثویر و ابی سلمه می گویند از امام صادق (عليه السلام) شنیدیم: که پس از هر نماز واجب چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان را لعن می فرمودند.

ص: ۴۳

۱-۱. جامع الأخبار / ۱۲۸.

۲-۲. بحار الأنوار ۶۶/۲۴۲، ح ۱۷.

۳-۳. الكافي ۳/۳۴۲، ح ۱۰.

فلان و فلان و معاويه و فلانه و فلانه و هند و أمّ الحكم (خواهر معاويه) (١).

لا يخفى إنَّ الصَّلوةَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ وَآلِهِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ لَهُمَا نَفْعٌ عَظِيمٌ.

فِي بَابِ الثَّامِنِ مِنَ الثَّلَاثِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَمُودًا مِنْ زَبَرٍ حِيدٍ أَعْلَاهُ مَعْقُودٌ بِالْعَرْشِ وَاسْفَلُهُ فِي تَحُومِ الْأَرْضِ بَيْنَ السَّابِعِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ قَضِيرٍ فِي كُلِّ قَضِيرٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَقْصُورَةٍ فِي كُلِّ مَقْصُورَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْزَاءٍ قَدْ أَعَدَّ اللَّهُ ذَلِكَ لِلْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ وَالْمُتَبَاغِضِينَ فِي اللَّهِ (٢).

وَ فِي بَابِ السَّابِعِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قِيَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ الْقِيَامِ (٣).

أَيْضًا رَوَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُمْ غَرَضٌ إِلَّا تَبْلِيغَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِهِ فِي الْأَرْضِ يَقُولُونَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم)! فُلَانٌ قَدْ بَلَغَكَ السَّلَامُ وَ الصَّلَاةَ. فَيَقُولُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله): وَ عَلَى فُلَانٍ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ كَذَلِكَ يُبَلِّغُونَهُ زِيَارَاتِ الزَّائِرِينَ وَ سَلَامَ الْمُسْلِمِينَ.

وَ فِي الْبَابِ الثَّامِنِ مِنَ الثَّلَاثِي وَ فِي كِفَايَةِ الْأَثَرِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ وَ فِي حِجَامِ الْأَخْيَارِ وَ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ (عليه السلام) وَ فِي الْكَافِي عَنْ الصَّادِقِ (عليه السلام) أَنَّ الدُّعَاءَ مُطْلَقًا مَحْجُوبٌ لَنْ يُسْتَجَابَ حَتَّى يُصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ فِيهِ أَنَّ الدُّعَاءَ إِذَا صُدِّدَتْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَ خُتِمَتْ بِهَا لَمْ يُرَدَّ أَبَدًا وَ فِيهِ أَنَّ الدَّاعِيَ إِذَا تَوَسَّلَ فِي دُعَائِهِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَقْسَمَ اللَّهُ بِحَقِّهِمْ يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُ لَا مُحَالَةً.

أَيْضًا فِي الْبَابِ الثَّامِنِ مِنَ الثَّلَاثِي عَنْ الْعَمِيدِ كَرِيِّ (عليه السلام) فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ آبَائِهِ: عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: عِبَادِي مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ فَسَأَلَكُمْ بِمَنْ تُحِبُّونَ أَجَبْتُمْ

ص: ٤٤

١- . خليفه غاصب اول ، خليفه غاصب دوم ، خليفه غاصب سوم ، معاويه ، دختر غاصب اولی ، دختر غاصب دومی ، هند و أمّ الحكم (لعنت الله عليهم اجمعين) .

٢-٢ . تفصیل وسائل الشیعه ١٦/١٦٩ ، ح ٢١٢٥٩ .

٣-٣ . الکافی ٣/٣٢٤ ، ح ١٣- وسائل الشیعه ٦/٣٢٦ ، ح ٨٠٩٩- بحار الأنوار ٨٢/١٠٨ باب ٢٦ ، ح ١٦- بشاره المصطفی ٦ / ١٩٣ - ثواب الاعمال / ٣٥.

دُعَاةُ الْآلَاءِ - فَاعْلَمُوا أَنَّ أَحَبَّ عِبَادِي إِلَيَّ وَ أَكْرَمَهُمْ لَمَدَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ حَبِيبِي وَ وَلِيِّي فَمَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَيَّ فَلْيَتَوَسَّلْ إِلَيَّ بِهِمَا
فَإِنِّي لَا - أَرُدُّ سُؤَالَ سَائِلٍ يَسْأَلُنِي بِهِمَا وَ بِالطَّيِّبِينَ مِنْ عَشْرَتِهِمَا فَمَنْ سَأَلَنِي بِهِمَا فَإِنِّي لَا أَرُدُّ دُعَاةَهُ وَ كَيْفَ أَرُدُّ دُعَاةَ مَنْ سَأَلَنِي
بِحَبِيبِي وَ صِفْوَتِي وَ وَلِيِّي وَ حُجَّتِي وَ رُوحِي وَ نُورِي وَ آيَتِي وَ يَابِي وَ رَحْمَتِي وَ وَجْهِي وَ نِعْمَتِي الْآلَاءِ - وَ إِنِّي خَلَقْتُهُمْ مِنْ نُورِ
عَظْمَتِي وَ جَعَلْتُهُمْ أَهْلَ كَرَامَتِي وَ وَلايَتِي فَمَنْ سَأَلَنِي بِهِمَا عَارِفًا بِحَقِّهِمْ وَ مَقَامِهِمْ أُوجِبْتُ لَهُ مِنْنِي الْإِجَابَةَ وَ كَانَ ذَلِكَ حَقًّا (١).

قوله تعالى: «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (٢) قال: آدم (عليه السلام) اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ (عليهم السلام) أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا آدَمُ لَوْ لَمْ تَدْعُنِي بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَا قَبِلْتُ تَوْبَتَكَ وَ أَقْسَمْتُ أَنَّهُ
لَمْ يَدْعُنِي مُذِئِبٌ بِهَا إِلَّا قَبِلْتُ تَوْبَتَهُ.

و قال ابن عَبَّاسٍ فِي حَدِيثٍ قِصَّةِ يُوسُفَ يَقُولُ فِي آخِرِهِ هَيَّطَ جِبْرِئِيلُ عَلَيَّ يَعْقُوبَ فَقَالَ أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءَ يَرُدُّ اللَّهُ بِهِ بَصِيرَكَ وَ
يَرُدُّ عَلَيَّكَ ابْنَتِيكَ قَالَ: بَلَى. قَالَ: فَقُلْ مَا قَالَهُ أَبُوكَ آدَمُ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ؟ وَ مَا قَالَهُ نُوحٌ فَاشْتَتَتْ سَيِّفِيْنَتُهُ عَلَيَّ الْجُودِيَّ وَ نَجَا مِنْ
الْعُرْقِي؟ وَ مَا قَالَهُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سِلَاقًا؟ قَالَ يَعْقُوبُ: وَ مَا ذَلِكَ يَا
جِبْرِئِيلُ؟ فَقَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (عليهم السلام) أَنْ تُؤْتِنِي بِيُوسُفَ وَ بِنِيَامِينَ
جَمِيعًا وَ تَرُدَّ عَلَيَّ عَيْنِي فَقَالَ فَمَا اسْتَسْتَمَّ يَعْقُوبُ هَذَا الدُّعَاءَ حَتَّى جَاءَ الْبَشِيرُ فَأَلْقَى قَمِيصَ يُوسُفَ عَلَيْهِ فَارْتَدَّ بِصَبْرًا (٣). قَالَ
الْمُفَضَّلُ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): فِي قَوْلِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَ إِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (٤) مَا هَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَالَ هِيَ
الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا تُبَّتْ عَلَيَّ
فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ (٥).

ص: ٤٥

١- ١. الجواهر السنیه / ٥٢٨ .

٢- ٢. بقره/٣٧.

٣- ٣. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ٧/٢٥١، ح ٧ .

٤- ٤. بقره/١٢٤.

٥- ٥. ارشاد القلوب ٢/٤٢١ - بحار الأنوار ٢٤/١٧٧، ح ٨ .

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُرَكِّي نَفْسَهُ وَ لِكُنِّي أَقُولُ إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي فَغَفَرَهَا لَهُ وَ إِنَّ نُوحًا لَمَّا رَكِبَ السَّفِينَةَ وَ خَافَ الْغَرَقَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ فَأَنْجِئَهُ اللَّهُ مِنْهُ وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ إِنَّ مُوسَى لَمَّا أَلْقَى عَصَاهُ وَ أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا آمَنْتَنِي فَقَالَ لَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى (١).

وَ قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): قَالَ لَمَّا أَشْرَفَ نُوحٌ عَلَى الْغَرَقِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ إِنَّ مُوسَى لَمَّا ضَرَبَ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَ يَبَسًا وَ إِنَّ عِيسَى لَمَّا أَرَادَ الْيَهُودُ قَتْلَهُ دَعَا اللَّهَ بِحَقِّنَا فَجَعَلَ مِنَ الْقَتْلِ فَرْعَهُ إِلَيْهِ (٢).

وصف قصرهای بهشتی

در تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و کتاب تحفه الطوسیّه و نور العیون نقل می کند از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) که فرمودند: چون شب معراج قصرهای بهشت را ملاحظه کردم دیدم که به خشت طلا و نقره ساخته اند و به جای گل مشک و عنبر کار کرده اند ولیکن بعضی کنگره های رفیع داشت و بعضی نداشت از جبرئیل سؤال کردم سبب آن ها را گفت: آن قصرهایی که کنگره ندارد قصرهای کسانی است که بعد از نماز صلوات بر تو و آل تو نفرستاده اند.

ص: ۴۶

۱-۱. الاحتجاج ۱/۴۷ - بحار الأنوار ۲۶/۳۱۹، ح ۱ - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ۴/۲۱۸، ح ۴.

۲-۲. بحار الأنوار ۲۶/۳۲۵، ح ۷.

و مرقوم است از کتاب ثواب الأعمال صدوق؛ که حضرت صادق (علیه السلام) به شخصی فرمودند: آیا تعلیم کنم به تو چیزی را که خداوند نگاه دارد به سبب او روی تو را از آتش جهنم؟ عرض کرد: بلی. فرمودند: بگو بعد از فجر سه مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خدا روی تو را از آتش جهنم نگاه می دارد (۱).

و مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی (طاب ثراه) در کتاب مفتاح السعادة از حالات و زمان ریاضات خود مرقوم می فرماید که در نجف اشرف مشغول ریاضت بودم اسراری مشاهده کردم من جمله در شب چهارشنبه در مسجد سهله هنگام سحر شخصی از رجال الغیب را دیدم و سؤالات بسیاری از او نمودم و جواب آن ها را از فرمایش حضرت حجت ارواحنا فداه می فرمود و آن چه می گفت من می نوشتم که فراموش نشود من جمله از سؤالات من یکی این بود.

سؤال: أَرْجُوا مِنْكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِتَعْلِيمِ ذِكْرِ خَاصِّ مُجَرَّبٍ لِجَمِيعِ الْحَوَائِجِ؟

جواب: لَمَّا أَعْلَمْتُ ذِكْرًا أَقْرَبَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَعَلَيْكَ بِمُؤَاطَبَتِهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ فَإِنَّكَ تُشَاهِدُ مِنْ خَوَاصِّهَا وَ تَأْتِيهَا أُمُورًا عَظِيمَةً يَقْضُرُ اللِّسَانُ عَنْ بَيَانِهَا.

سؤال نمودم به من منت گذارید و ذکر مجربی به من برای برآورده شدن جميع حاجات تعلیم نمایید .

در جواب به من فرمودند: میدانم ذکری را نزدیکتر به خدای سبحان از صلوات بر محمد و آل محمد . پس کسی که به آن عمل نماید و در هرروز یکصد مرتبه و در روز جمعه هزار مرتبه صلوات بفرستد بدرتیکه مشاهده می نماید از خاصیت های آن ذکر شریف و تأثیر آن را در کارهای بزرگ که زبان در بیان آن ناتوان است .

ص: ۴۷

و در کتاب ذخیره المعاد مرحوم حاج سید اسماعیل یزدی^۱ در جلسه ۸۷ مرقوم است که از وهب بن منیه نقل می کند که حضرت موسی (علی نبینا و آله وعلیه السلام) در کوه طور دید که تمام اشجار و گیاه و ریگ ها که در آنجاست ناطق می باشند به ذکر محمد و آل محمد (علیهم السلام) ، خطاب رسید ای پسر عمران متمسک شو به ذکر ایشان به درستی که ایشان خزینه علم من و ظرف حکمت و معدن نور من هستند(۱).

بدان که در جلد دوم کتاب اثبات الهداه شیخ حرّ عاملی^۲ و در اواخر آن مرقوم است این خبر و در اواسط باب نهم لثالی الأخبار در قصص او در قصه دوم این خبر را می نویسد .

«روی الصدوق: عن مولانا الحسين (عليه السلام) كنت مع أبي علي بن أبي طالب (عليه السلام) على الصفا فإذا هو بدراج يدرج على وجه الأرض على الصفا فوق مولاى يارائه فقال: السلام عليك أيتها الدراج فقال الدراج: و عليك السلام و رحمه الله و بركاته يا أمير المؤمنين فقال علي (عليه السلام): أيتها

الدراج ما تصنع في هذا المكان قال: أنا في هذا المكان منذ أربع مائة عام أسبح الله تعالى و أقدمه و أحمده و أعبدُه حق عبادته فقال (عليه السلام): إن الصفاقفر لا مطعم ولا مشرب فمن أين مطعمك و مشربك فقال: يا مولاى و حق من بعث ابن عمك نبيا و جعلك وصيا إني كلما جعت دعوت الله عزوجل لشيعةك و محبيك فأشبع فإذا عطشت دعوت علي مبعضيك فأروى»(۲).

در کتاب مدینه المعاجز خبر را مرقوم می دارد به همین طریق از حضرت سلمان علیه السلام که او روایت می کند از حضرت امیر (علیه السلام) و این عبارت را چنین می نویسد که دراج عرض کرد: «یا علی إذا جعت فأصلي عليك فأشبع و إذا عطشت فأدعو على ظالميك فأروى قلت: یا امیرالمؤمنین هیدا شئ عجب ما أعطى منق الطير إلا سليمان بن داود قال: یا سلیمان أما علمت أنى أعطيت سليمان ذلك يا

ص: ۴۸

۱-۱. بحار الأنوار ۲۶/۳۰۸، ح ۷۳ .

۲-۲. الفضائل ۱۶۳/ - مدینه المعاجز ۱/۲۸۶ ، ح ۱۸۱- بحار الأنوار ۴۱/۲۳۵ ، ح ۶ .

سَلْمَانُ أَتْرِيدُ أَنْ أَرِيكَ شَيْئاً أَعْجَبَ مِنْ هَذَا؟ قُلْتُ: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ: فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى الْهَوَاءِ وَقَالَ: يَا حَطَاوُسُ اهْبِطْ فَهَيِّطْ ثُمَّ قَالَ: يَا صِقْرُ اهْبِطْ فَهَيِّطْ ثُمَّ قَالَ: يَا بَازُ اهْبِطْ فَهَيِّطْ ثُمَّ قَالَ: يَا غُرَابُ اهْبِطْ فَهَيِّطْ ثُمَّ قَالَ (عليه السلام): يَا سَلْمَانَ اذْبَحْهُمْ وَ انْتِفِ رِيشَهُمْ وَ قَطِّعْهُمْ إِزْباً إِزْباً وَ اخْلُطْ لِحُومَهُمْ فَفَعَلْتُ كَمَا أَمَرَنِي مَوْلَايَ وَ تَحَيَّرْتُ فِي أَمْرِهِ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ وَ قَالَ مَا تَقُولُ فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ أَطْيَارُ تَطِيرُ فِي الْهَوَاءِ لَمْ أَعْرِفْ لَهُمْ ذَنْباً أَمَرْتَنِي بِذَبْحِهَا قَالَ يَا سَلْمَانَ أَتْرِيدُ أَنْ أُحْيِيهَا السَّاعَةَ قُلْتُ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَظَرَ إِلَيْهَا شُرْزاً وَ قَالَ طِيرِي بِقُدْرَةِ اللَّهِ فَطَارَتْ الطُّيُورُ جَمِيعاً بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ سَلْمَانُ: فَتَعَجَّبْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُلْتُ يَا مَوْلَايَ هَذَا أَمْرٌ عَظِيمٌ قَالَ يَا سَلْمَانَ لَا تَعْجَبْ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ فَعَالَ لِمَا يُرِيدُ يَا سَلْمَانَ إِيَّاكَ أَنْ تَحُولَ بِوَهْمِكَ شَيْئاً أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ أَمْرِي أَمْرُهُ وَ نَهْيِي نَهْيُهُ وَ قُدْرَتِي قُدْرَتُهُ وَ قُوَّتِي قُوَّتُهُ» (۱).

«ترجمه»: جناب سلمان عليه السلام می فرمایند: در منطقه برهوتی در محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودم، پرنده ای آمد محضر حضرت علی (علیه السلام)، حضرت با او تکلم کرد. امام به آن پرنده فرمودند: چند سال است که در این منطقه هستی و آب و نان تو از کجا می رسد؟ پرنده گفت یا امیرالمؤمنین قریب به چند سال است که در این منطقه هستم و وقتی گرسنه می شوم بر تو درود و سلام می فرستم و شما را یاد می کنم، پس گرسنگی ام برطرف می شود و هنگامی که تشنه می شوم دشمنان شما را لعنت می کنم، پس سیراب می شوم.

سلمان می گوید: عرض کردم یا امیرالمؤمنین این مسئله، مسئله عجیبی است قدرت تکلم با پرندگان مخصوص سلیمان بن داوود هست حضرت فرمودند آیا مگر نمیدانی که این قدرت را من به سلیمان بخشیدم و اگر من نبودم نه سلیمان، نه داوود، نه آدم، هیچکدام نبودند.

ص: ۴۹

وَفِي مَجْلِسِ الْخَامِسِ وَ الْأَرْبَعُونَ مِنَ الْأَمَالِيِّ الصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ «عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ: نَاوَلْتُ أَبَاعَبِدَ اللَّهِ (عليه السلام) شَيْئاً مِنْ الرِّيَاحِينَ فَأَخَذَهُ فَشَمَّهُ وَ وَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَنْ تَنَاوَلَ رِيحَانَهُ فَشَمَّهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ تَفْعَلْ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ» (١).

مالک جهنی می گوید: گلی را به حضرت صادق (علیه السلام) تقدیم کردم، بوئیدند و بر دیدگان نشان نهادند آنگاه فرمودند هرگاه کسی گلی را بگیرد و آن را ببوید و بر چشمانش بنهد و بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» پیش از آنکه آن گل بر زمین قرار گیرد گناهانش آمرزیده می شود.

وَفِي الْكَافِي فِي بَابِ الصَّلَاةِ بِإِسْنَادِهِ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) لَا تَجْعَلُونِي كَقَدْحِ الرَّايِبِ فَإِنَّ الرَّايِبَ يَمْلَأُ قَدْحَهُ فَيَشْرَبُهُ إِذَا شَاءَ اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسْطِهِ» (٢).

نماز توسل به حضرت محمد بن عبدالله (عليه السلام)

در کتاب عروه الوثقی در کتاب صلوه مرقوم است از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: هرگاه حاجتی داری متوسل شو به رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن بر آن حضرت. راوی گفت عرض کردم: چه کنم؟ فرمودند غسل می کنی و دو رکعت نماز می خوانی مثل نماز فریضه و بعد می گویی: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَ أَرْوَاحَ الْأُمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَ ارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ

ص: ۵۰

۱- ۱. وسائل الشیعه ۲/۱۷۱، ح ۱۸۴۹ - بحار الأنوار ۹۲/۳۴۷، باب ۱۲۶، ح ۲ - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ۲۶۶ مجلس ۴۵، ح ۷ - روضه الواعظین ۲/۳۲۷ - مکارم الأخلاق / ۴۱.

۲- ۲. الکافی ۲/۴۹۲، ح ۵ - بحار الأنوار ۹۰/۳۱۶، باب ۱۷ - مکارم الأخلاق / ۲۷۴.

الرَّكَعَتَيْنِ هَيْدِيَّهٖ مَنِيَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) فَأَثْبِنِي عَلَيْهِمَا مِمَّا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ». پس سر به سجده گذار و چهل مرتبه بگو «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» پس طرف راست صورت بر زمین گذار و چهل مرتبه همین ذکر را بگو. پس طرف چپ صورت را بر زمین گذار و چهل مرتبه همین ذکر را بگو، پس سر بلند کن و دست های خود را بلند کن و چهل مرتبه این ذکر را بگو، پس دست خود را به گردن بینداز و انگشت سبابه خود را بگیر و چهل مرتبه بگو، پس ریش خود را به دست چپ بگیر و گریه کن یا خود را به گریه بدار و بگو: «يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ حَاجَتِي وَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَ بِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي» پس به سجده برو و در سجده آن قدر «يَا اللَّهُ» بگو که نفس قطع شود. آن وقت بگو: «صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» و به جای كَذَا و كَذَا حاجت خود را ذکر کن. حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: من ضامنم بر خدای عزوجل آن که از جای خود حرکت نکند مگر آن که حاجت او روا شود. و مرقوم است که مکرر به تجربه رسیده است و ان شاء الله تعالی نمازهای حاجت که راجع به صلوات و ختم صلوات و غیره است در اواخر کتاب ذکر خواهد شد.

«ب-إِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): (اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثًا قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم)! وَ مَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي ثُمَّ يُعَلِّمُونَهَا أُمَّتِي (١) (٢)).»

«اللَّهُمَّ بَحِّقْكَ وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ اجْعَلْنِي مِنْهُمْ وَ اعْتُقْنِي مِنْ عَذَابِكَ»

ص: ۵۱

۱- ۱. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ۱۸۰ مجلس ۳۴.

۲- «ترجمه»: (امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: روزی رسول خدا (صلى الله عليه و اله و سلم) سه مرتبه فرمودند: خداوندا خلفای مرا رحمت کن، پرسیدند خلفای شما چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسانی که حدیث مرا تبلیغ کنند و به امت من تعلیم دهند.)

ظاهر شدن ظاهر و باطن به برکت صلوات

بدان که در جلد دوم حیوه القلوب در باب ۲۶ مرقوم است از شیخ طبرسی و قطب راوندی در خصوص شعب ابوطالب و کیفیات آن که خلاصه اش این است که چون جامه ها و بدن های اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) کثیف شد به آن حضرت شکایت کردند، حضرت فرمودند: صلوات بر محمد و آل طیبین او بفرستید و بدمید بر جامه ها و بدن های خود و دست بر آن ها بمالید که چرک آن ها برطرف و سفید و پاک خواهد شد و غم ها و کدورت ها از سینه های شما زائل خواهد شد. چون چنین نمودند جامه های ایشان نو و سفید شد و بدن هاشان از چرک و کثافت پاک شد و سینه های ایشان از اندوه و الم رهایی یافت و هر وقت گرسنه یا تشنه می شدند خداوند برای آن ها می رسانید، عرض کردند: یا رسول الله بسیار عجیب است که به صلواتی که بر تو و آل تو فرستادیم جامه ها و بدن های ما از کثافت پاک شد و مرض های ما برطرف شد.

حضرت فرمودند: صلوات بر محمد و آل محمد دل های شما را از کینه و غل و صفات ذمیمه و بدن های شما را از لوث گناهان، پاک تر گردانید از جامه های شما و نامه های حسنات شما را نورانی گردانید بهتر از جامه های شما و قعه او طولانی است طالبان رجوع فرمایند.

بدان که در کتاب تحفه الطوسیّه که از تألیفات عالم متقی سید العلماء و المحدثین آقای آسید محمد باقر الشریف الحسینی که نیز کتاب نور العیون از ایشان می باشد و مرحوم جنّت مکان حاجی نوری (طاب ثراه) در کتاب نجم الثاقب شرح حالات آن مرحوم را بیان فرموده و حقیر در کتاب وقایع الظهور اجمالی از آن را نوشته ام.

خلاصه در آن جا مرقوم است و در کتاب شرح صلوه هم دارد و تحفه الطوسیّه هم از کتاب زهره الریاض نقل می فرماید که روزی جبرئیل آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: یا رسول الله! امروز امر غریب و عجیبی مشاهده نمودم در وقت نزول از آسمان عبورم به کوه قاف افتاد. صدای ناله ای شنیدم رفتم دیدم

فرشته ای است که دیده بودم او را در آسمان خیلی مقام داشت و بر تختی از نور نشسته بود و هفتاد هزار ملک در خدمت او بودند و چون نفس می کشید ملائکه از نفس او خلق می شدند چنین مقامی داشت الحال دیدم در کوه قاف دلخسته و بال شکسته بر زمین افتاده جهت را از پرسیدم، گفت: من در شب معراج بر تخت خود نشسته بودم که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بر من گذر فرمودند و من بر تعظیم آن حضرت نکوشیدم بدین جهت بدین عقوبت گرفتار شدم و خداوند بر من غضب فرمودند. الحال جبرئیل مرا شفاعت کن که خداوند از گناه من بگذرد من به درگاه الهی تضرع کردم و مسئلت نمودم خطاب رسید به او بگو که اگر مغفرت و عفو گناه خود را می خواهی بر حیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات بفرست تا به مقام خود برگردی به او گفتم که او هم بر جناب شما صلوات فرستاد، فی الفور بال های او بر آمد و به مقام خود برگشت و از برکت صلوات به مقام خود رسید.

مرقوم است در تحفه الطوسیّه از کتاب آثار الاحادیث و در زبده التصانیف هم هست که در آسمان دریایی است که آن را دریای برکات گویند و بر کنار آن دریا درختی است که آن را درخت تحیات گویند و بر آن درخت آشیانه مرغی است که آن را مرغ صلوات نامند و او را بال های بسیار است چون بنده مؤمن در ماه شعبان بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد فرمان الهی به آن مرغ می رسد که در آن دریا فرو رود و غوطه خورد و بیرون آید و بال های خود را حرکت دهد از هر قطره آبی که از پرهای او می چکد فرشته ای خلق می فرماید و تمام آن ها مشغول می شوند به حمد و تسبیح و عبادت خدا و ثواب ایشان در نامه عمل صلوات فرستنده ثبت می شود.

نقل است از کتاب ریاض المذکورین که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات دهد در کتابی، یعنی درود مرا در کتاب بنویسد که همیشه باشد، ملائکه برای او طلب آمرزش نمایند مادامی که نام من در آن کتاب باقی است؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

مرقوم است از کتاب اظهار الاحادیث از عیسی بن عباد دینوری نقل کرده که فضل کندی را بعد از وفات در خواب دیدند از او پرسیدند که خدا با تو چه کرد؟ گفت: خداوند مرا بخشید به عملی که از این دو انگشت سبابه و ابهام من صادر شده بود که چون در نوشتجات به اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم می نوشتم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ».

و همچنین از کتاب ریاض الاحادیث منقول است از انس بن مالک که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: چون دو نفر به هم برسند و به جهت خدا با هم مصافحه کنند و صلوات بفرستند هنوز از هم جدا نشده اند که خداوند گناهان گذشته و آینده آن ها را بیاورد.

بوسه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر صورت صلوات فرستنده

مرقوم است از کتاب شفاء الاسقام از محمد بن سعید که از جمله اخیار، بوده که فرمودند: من بر خود لازم کرده بودم که هر شب به عدد معینی صلوات بفرستم تا این که به خواب روم. شبی به بستر رفته و مشغول فرستادن صلوات شدم به همان عدد، چون تمام شد به خواب رفتم. در خواب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را دیدم پس به من فرمودند: کجاست آن دهانی که بر من صلوات فرستاد و آن حضرت صورت مرا بوسید و از خواب بیدار شدم. دیدم که حجره من معطر است و تا چند روز بوی عطر از آن حجره به مشام من می رسید.

مرقوم است که تاج الاسلام ثقفی در کتاب زهره الزیاض نقل می کند که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در حجّه الوداع فرمودند: ای امت من! خداوند گناهان شما را به برکت استغفار می آمرزد و ترازوی عمل شما به گفتن «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سنگین می گردد و هر که بر من صلوات فرستد در قیامت شفیع او خواهد شد.

مرقوم است از امالی ظهیر الدین و ثوالجی و غیره که چون خداوند حوّا را خلق فرمودند چشم آدم که بر حوّا افتاد طالب او شد. خطاب رسید آدم حوّا را از من خواستگاری کن و مهر او را معین کن (۱). عرض کرد: الهی مهر او چیست؟ خطاب رسید که سه مرتبه صلوات بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرست.

از کتاب مجمع اللطائف مرقوم می دارد زنی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: یا رسول الله فرزندی دارم که از چشم و گوش و دست و پا عاجز است. حضرت فرمودند: برو و بر من صلوات بسیار بفرست تا به زودی خدا اولاد تو را شفا دهد. من مشغول صلوات شدم طولی نکشید که خداوند فرزند مرا شفا داد.

آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض کرد: فرزند من شفا یافت. تمام اصحاب مسرور شدند. جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! خداوند تو را سلام می رساند و می فرماید همین قسمی که این طفل به برکت صلوات بر تو شفا یافت فردای قیامت هم به شفاعت تو امت تو را نجات خواهد داد.

از کتاب مفاتیح الاقبال مرقوم است که زن مؤمنه ای حامله شد و تنها از مکه به مدینه مهاجرت نمود و بدین جهت او را مهاجره نامیدند. ناگاه پسری زائید مانند قطعه گوشت که دست و پا نداشت. آن زن غمگین گردید به قابله گفت که به حکم خدا راضیم اما با شماتت اعداء و کفار مکه که گویند فلانه از شهر ما برفت و دین اسلام اختیار نمود، بت های ما اعضای پسر او را گرفتند، چه کنم؟

ص: ۵۵

قابله گفت: برو خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) تا رفع هم از تو بشود. مهاجره آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و صورت حال را عرض نمود. حضرت فرمودند: بگو «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبرَاهِيمَ وَ آلِ إِبرَاهِيمَ» مهاجره شروع کرد به خواندن، چون برگشت به خانه دید تمام اعضای فرزندش خوب شده است. آمد خدمت حضرت و به حضرت عرض کرد، حضرت فرمودند: «هَذَا مِنْ بَرَكَهِ الصَّلَوَاتِ».

حافظ ابو نعیم از جابر بن سمره و او از پدرش روایت نموده که ما در خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بودیم که فرمودند: کثرت صلوات بر من فقر را برطرف می کند.

و نیز از کتاب ریاض الأحادیث مرقوم می دارد که شخصی به بالین محتضری آمد و در سکرات موت بود پرسید که تلخی مرگ چگونه است جواب داد که هیچ تلخی از مرگ نمی یابم گفت چگونه می شود گفت تعجب مکن که شنیدم که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده که هر که بر من صلوات فرستد تلخی جان کندن بر او آسان شود و من مدتی است که مداومت به صلوات دارم.

صلوات فرستادن زنبور عسل

و از کتاب امالی و ثوالجی مذکور است و در تحفه الطوسیّه و نورالعیون هم دارد که روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در سایه نخلی نشسته بودند و حضرت امیر (علیه السلام) هم خدمت آن حضرت بودند، ناگاه زنبور عسلی آمد و اطراف آن حضرت گردش کرد و صدایی می کرد، حضرت تبسمی نمودند و فرمودند:

یا علی! می دانی که این زنبور چه می گوید! می خواهد ما را میهمان کند و می گوید که در فلان موضع قدری عسل مهیا نموده ام بفرمائید بیاورند و عذرخواهی می نماید که در عهد حضرت سلیمان مور ضعیفی، سلیمان را میهمان کرد، من هم میل دارم شما را میهمان نمایم.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رفتند و آن غسل را آوردند. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از آن زنبور سؤال فرمودند: خوراک شما شکوفه تلخ است چگونه می شود در شکم شما غسل شیرین می گردد؟ زنبور جواب داد: یا رسول الله! از برکت شما، چون ما از گیاه و شکوفه ها خوردیم فی الحال، الهام الهی می رسد که سه مرتبه بر شما صلوات می فرستیم که باعث می شود آن گیاه در شکم ما شیرین گردد.

مرقوم است از کتاب شفاء الاسقام از شیخ شبلی نقل کرده: یکی از همسایه های ما از دنیا رفت. او را در خواب دیدم، از او پرسیدم که خدا با تو چه کرد؟ گفت: رنج های بزرگ دیدم. من جمله وقت سؤال نکیرین زبان من گرفت و از جواب ماند، با خود گفتم من که مسلمان بودم چرا زبان من گرفته است!!!

ناگاه دیدم شخص نیکو رویی آمد و مرا تلقین نمود و جواب دادم.

پس گفتم تو کیستی که مرا از این غم نجات دادی؟ فرمودند: خدا مرا خلق فرموده از صلوات هایی که در دنیا می فرستادی، حال مأمورم به این که هر وقت و هر جایی که مشکلی داشتی به فریاد تو برسم.

مرقوم است از کتاب ریاض الأذهان که زنی دختری داشت از دنیا رفت. بعد از مُردن دختر خود در خواب دید که معذب و گرفتار است. چون بیدار شد خیلی مهموم شد. بعد از چند شب دو مرتبه او را در خواب دید که معذب نیست و او را در بهشت جای داده اند. پرسید: ای دختر! تو را چه حال بود؟

گفت: دفعه اول که مرا دیدی که عذاب می کردند به جهت معاصی و گناهان بود و حال دو روز است که شخص عزیزی از مزار ما عبور کرده و چند مرتبه صلوات فرستاد و ثواب آن را به اهل قبرستان هدیه نمود خداوند به برکت صلوات ما را عفو فرمودند و این مقام را به من داد.

«وَفِيهِ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ ذِكْرَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً لِلصُّدُورِ وَجَعَلَ الصَّلَاةَ عَلَيْنَا مَاحِيَةً لِلْأَوْزَارِ وَالدُّنُوبِ وَمُطَهِّرَةً مِنَ الْعُيُوبِ وَمُضَاعِفَةً لِلْحَسَنَاتِ» (۱).

«ترجمه»: خداوند عزوجل ذکر ما اهل بیت (علیهم السلام) را شفای سینه ها قرار داد و صلوات بر ما را سبب نابودی گناه و سبب پاکی از عیب ها و موجب زیادگشتن حسنات قرار داده است.

در کتاب شفاء الاسقام از ابوالفرج بغدادی نقل شده که خداوند به حضرت موسی وحی فرمودند: ای موسی! اگر خواهی که عطش قیامت را نبینی و آن روز تشنه نشوی صلوات بر حبیب من پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرست تا روز قیامت از تشنگی ایمن باشی.

از انس روایت شده که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر مسلم و مسلمه ای که یکصد مرتبه بر من صلوات فرستد خداوند هزار مرتبه بر او صلوات فرستد و اگر هزار مرتبه صلوات فرستد، خدا او را از فضل خود ثواب ده هزار نماز ارزانی فرماید و او را در حظیره قدس از شراب سلسبیل سیراب کند. و مرقوم است که آن چشمه ای است که از زیر عرش بیرون می آید و بر جنت عدن می گذرد و از آن جا به بهشت های دیگر می رود و شدید الجریان است هر کسی که صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستد فردای قیامت از آن شراب سیراب خواهد شد و به نعمت «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (۲) شادمان خواهد شد.

و نیز از ابن مسعود روایت می کند که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: ملائکه ای هستند که سلام امت مرا به من می رسانند و هر که ده مرتبه بر من سلام فرستد خداوند ثواب آزاد کردن بنده ای به او عطا فرماید. أَيْضًا

مرقوم است از کتاب ازهار الأحادیث از انس بن مالک که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند که هر که از امت من بر من سلام کند جبرئیل (علیه السلام) در نزد من آید و گوید: ای محمد! فلان بن فلان بر شما سلام داده است من گویم «وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ».

ص: ۵۸

۱-۱. مستدرک الوسائل ۱۲/۳۹۳، باب ۲۳، ح ۱۴۳۸۵- بحار الأنوار ۲۶/۲۳۲، باب ۳، ح ۱- تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۵۸۴ ح ۳۴۸.

۲-۲. انسان/۲۱.

عقوبت ترک صلوات

همچنین مرقوم است از کتاب تحفه الصیلوله ملا حسین کاشفی؛ در مذمت ترک کننده صلوات در وقتی که اسم آن حضرت را به زبان جاری می شود .

و در کتاب شرح صلوات هم روایت می کند: هر که اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را بشنود و صلوات نفرستد هشت عقوبت برای او است. (پنج عقوبت در دنیا و سه عقوبت در آخرت)

عقوبت دنیوی:

- بدبختی و شقاوت، چنان چه از انس بن مالک روایت شده از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) شنیدم که جبرئیل دعا کرد بدبخت باد کسی که اسم تو را بشنود و بر تو صلوات نفرستد و من گفتم: آمین که شرح او در کتب مرقوم است.

- تارک صلوات در نظر مردم خوار و بی مقدار شود، چنان چه ترمذی روایت نموده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند خاک آلود باد دماغی که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد و خاک آلودگی دماغ کنایه از بی اعتباری و خواری می باشد .

- رقم بخل (نشانه بخل) که بدترین صفاتست برای او نوشته شود چنان چه در صحیح ترمذی از حضرت امیر (علیه السلام) مذکور است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بخیل آن کسی است که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد.

- نام جفاکاری بر او صادق آید، چنان چه در خبر دارد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد بر من جفا نموده است.

- چنان چه در کافی دارد مجلسی که منعقد شود و اهل آن مجلس بدون صلوات از آن مجلس بیرون روند هر آینه آن مجلس بدترین مجالس است. چنان چه از جابر روایت شده که اهل هر مجلسی که بر غیر صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) متفرق شوند هر آینه آن مجلس اخبث مجالس است.

ص: ۵۹

در ریاض المذکورین از ابوسعید خدری روایت نموده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند که هر که در مجلسی بنشیند و بر من صلوات نفرستد روز قیامت حسرت و ندامتی دارد اگر چه اهل بهشت هم بوده باشد.

دیگر آن که راه بهشت را گم کند چنان چه در کتاب کافی هم دارد که هر کس اسم آن حضرت را بشنود و صلوات نفرستد، راه بهشت را گم کند.

آن که از رحمت خدا دور ماند، چنان چه در صحیح ترمذی و بسیار از کتب دیگر دارد که روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) پای مبارک بر پله اول منبر گذارد. جبرئیل گفت: از رحمت خدا دور باد کسی که عاق والدین شود. گفتم: آمین. در پله دوم گفت از رحمت خدا دور باد کسی که اسم تو را بشنود و صلوات نفرستد، گفتم آمین. در پله سوم گفت: از رحمت خدا محروم باد کسی که ماه مبارک رمضان بگذرد و خدا او را نیامرزیده باشد. من گفتم: آمین. (۱)

صلوات مخصوص جهت رؤیت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در خواب

و مرقوم است است از کتاب ازهار که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر که روزی یکصد مرتبه بدین طریق صلوات فرستد او را شفاعت کنم در قیامت و مرا در خواب ببیند و هر که مرا در خواب ببیند جسد او بر آتش حرام شود و از بعضی از اهل ریاضت نقل شده که چون پنجشنبه یا جمعه این صلوات را هفتاد مرتبه بخواند آن حضرت را در خواب ببیند و به تجربه رسیده است و آن صلوات این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ وَ صَلِّ عَلَى جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ وَ صَلِّ عَلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ».

ص: ۶۰

و نیز مرقوم است از ابوعلی موصلی که از جناب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند: چون کسی بخواهد مال او زیاد شود باید این قسم صلوات فرستد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْكَ وَرَسُولِكَ وَ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ».

از کتاب مصابیح القلوب و در باب هشتم لثالی و در نور العیون هم آمده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) در شب معراج ملکی را دید چندین هزار دست داشت و بر هر دستی چندین هزار انگشت بود و حسابی نگاه می داشت. آن حضرت از جبرئیل پرسید: این چه ملکی است؟ عرض کرد: این ملک حساب قطرات باران را نگاه می دارد. حضرت از آن ملک پرسیدند: عدد قطرات باران را می دانی؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله! فرمودند: چگونه می دانی؟ عرض کرد: از آن روز که خداوند ابر آفریده و باران باریده من می دانم که چند است و چند قطره بر کوه ها و چند قطره بر صحرا و چند قطره در دریاها باریده و از چند قطره گیاه روئیده است و چند قطره در شوره زار و تمام قطرات آن ها را حساب داشته و می دانم. حضرت فرمودند: ای ملک الأمطار! هیچ حسابی هست که نتوانی از عهده او بر آیی؟ عرض کرد: بلی، چون بنده مؤمن به اخلاص تمام بر حضرت شما صلوات بفرستد تا ده عدد او را می نویسم و می توانم حساب نگه دارم، اما همین که عدد صلوات او به یازده رسید من از حساب حسنات او عاجز می شوم و جمیع محاسبان آسمان و زمین نمی توانند حساب او را بنمایند و به غیر از خداوند کسی به کُنه (عمق) آن نرسد.

و جناب عمده العلماء و المحدثین آقای حاج شیخ عباس قمی، هم در کتاب منازل الآخرة از شیخ ابوالفتوح رازی، این خبر را مرقوم فرموده اند به تفاوت این که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده آن ملک هزار دست داشت و هر دستی هزار انگشت داشت و آن ملک عرض کرد: یا رسول الله! چون یک مرتبه با اخلاص صلوات فرستادند من عاجزم از ثواب های آن که شماره کنم.

در کتاب زهره الریاض که از کتب عامّه است نقل شده و در باب هفتم لثالی هم می نویسد در وقعه معراج در نورالعیون هم دارد که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود که خداوند ملکی خلق فرموده است ذوالجناحین یک بال او در مشرق و یکی در مغرب، پای او در زمین هفتم و سر او در زیر عرش است و خداوند به عدد خلائق از جنّ و انس و حیوانات بزی و بحری و به عدد انفاس همه آن ها و شمار قطرات باران و برگ درختان و ستاره های آسمان و ریگ بیابان ها به او بال و پر عنایت فرموده، چون یک نفر از امت من بر من صلوات بفرستد آن ملک به امر حق تعالی فرو می رود در بحر النور که دریایی است در زیر عرش و در آن دریا غوطه می خورد و بیرون می آید و خود را حرکت می دهد و از هر پر او قطره آبی می چکد که خداوند از هر کدام از آن قطره ها ملکی خلق می فرماید و مجموع آن ملائکه را امر می فرماید تا از برای آن صلوات فرستند و طلب آمرزش نمایند تا قیامت و آمرزش ایشان درود بر وی است .

و مرقوم است از ابو عیسی ترمذی در کتاب خود که از ابی بن کعب نقل می کند که گفتم: یا رسول الله! چه مقدار از عمر خود را معین نمایم برای صلوات فرستادن بر شما؟ فرمودند: هر قدر که خواهی، عرض کرد: رُبْع آن را؟ فرمودند: آن چه خواهی. عرض کرد: ثُلُث آن را؟ فرمودند: آن چه میل داری و اگر زیاده کنی بهتر است. عرض کردم: نصف آن را؟ همان جواب را فرمودند. عرض کردم: یا رسول الله! تمام اوقات دعوات خود را اگر صرف صلوات فرستادن نمایم چه گونه است؟ فرمودند: اگر چنین کردی تمام امورات دنیا و آخرت تو اصلاح خواهد شد و آمرزیده خواهی شد.

و در کتاب لثالی و شرح صلوات از کتب معتبره از سفیان ثوری منقول است که گفت: وقتی به حجّ می رفتم چون به مدینه طیبه رسیدم در حرم مطهر، جوانی را دیدم که طواف می کرد و مشغول صلوات بود و به غیر از صلوات ذکر دیگری

نداشت، ممکن نشد با او صحبتی بدارم تا به مکه معظمه مشرف شدم، روزی هنگام طواف، همان جوان را دیدم باز مشغول صلوات بود باز ممکن نشد با او صحبتی بدارم تا روز عرفه، باز او را دیدم که مشغول ذکر صلوات بود پیش رفتم و گفتم: شما را در مدینه و مکه ملاقات نمودم و تمام مشغول ذکر صلوات بودید و در این جا هم می بینم که مشغول این ذکر هستید و حال این که امروز در این جا روز تضرع و دعا و توبه است و حاجیان مشغول دعا و اعمال دیگرند و شما تمام را ترک نموده اید و مشغول ذکر صلوات می باشید سبب او چیست؟ آن جوان پرسید: تو کیستی؟ گفتم: من سفیان ثوری هستم، گفت: چون تو افضل اهل زمان خود هستی به تو می گویم بدان که من سال گذشته با پدرم مکه آمدیم در بین راه پدرم از دنیا رفت، دیدم صورت او تمام سیاه شد، من در فکر فرو رفتم که اگر مردم ببینند و از من جهت سیاه شدن صورت او را سؤال نمایند چه جواب بگویم، شروع کردم گریه کردن و به خواب رفتم.

در عالم خواب دیدم که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) تشریف آوردند و دست مبارک بر صورت پدر من کشیدند، صورت او سفید شد مثل نقره خام، من از سبب او از حضرت پرسیدم، فرمودند: چون پدر تو معصیت زیاد نموده بود وقت مرگ صورت او سیاه شد امّا به دلیل اینکه دائماً بر من درود و صلوات می فرستاد و به من استغاثه می نمود من به فریاد او رسیدم و من فریادرس کسانی هستم که بر من صلوات می فرستند. می گوید: چون از خواب بیدار شدم دیدم صورت پدرم سفید شده است از آن زمان تمام دعا و اذکار خود را مبدل نموده ام به صلوات فرستادن و صلوات بر آن حضرت را مدام بر لب دارم.

و مرقوم است از کتاب امالی شیخ علاء الدین خوارزمی و در کتاب شرح صلوات هم دارد، روزی شبلی در بادیه ای می رفت یکی از مریدان که همراه شیخ بود از دنیا رفت و تمام بدن او سیاه شد و طولی نکشید دیدم دو مرتبه بدن او سفید

شد. شبلی از آن حال متعجب گردیده و به خواب رفت، مردی را دید که حله ای از حُلل بهشت پوشیده و تاجی بر سر دارد و خاتم نورانی در انگشت او است و می درخشد و نگین او از لعل است و بر این نگین نوشته «هَذَا جَزَاءُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» شبلی چون این حال را دید از او پرسید سبب سیاهی و سفید شدن بدن خود را به من بگو؟

جواب داد: آن سیاهی بدن من، به واسطه معصیت بود چون بدن من سیاه شد دیدم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نزد من آمدند و قدحی از آب در دست داشتند و آن آب را بر بدن من ریختند، بدن من سفید شد آن وقت خاتم سعادت و خلعت کرامت به من مرحمت فرمودند.

عرض کردم: یا رسول الله! به چه عملی من مستحق این مرحمت شما شدم؟ فرمودند: تو در دنیا بسیار بر من صلوات می فرستادی بدین جهت من در این جا یاد تو نمودم و تو را نجات دادم. شبلی از خواب بیدار شد و گفت: بر من روشن شد که صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) گناه را پاک می کند و تاریکی گناه را بدل به روشنایی می کند.

در تحفه الطوسیّه مرقوم است از کتاب شفاء الاسقام از محمد بن الجرابی و در نورالعیون هم دارد که مرد زاهدی بود او را فضل و راق می گفتند حکایت نمود که حدیث می نوشتم و چون به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم صلوات را ترک می کردم، شبی آن حضرت را در خواب دیدم که از روی غضب به من فرمودند چرا هنگام کتابت نوشتن به اسم من که می رسی ترک نوشتن صلوات را می نمایی من بیدار شدم و دیگر وقت کتابت نوشتن صلوات را ترک نکردم.

بعد از مدتی باز حضرت را در خواب دیدم نظر مرحمت به من نموده و فرمودند: ای فضل! صلواتی بر من نرسانده ای؟ هر گاه که مرا یاد کنی یا نزد تو مذکور شوم یا نام مرا کتابتی کنی بگو و بنویس: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ».

همچنین در کتاب شفاء الاسقام مرقوم است از ابو عبدالله بن محمد بن الحسن الصّیّفار که چون ابوالعبّاس احمد بن منصور از دنیا رفت او را در واقعه دیدم که در محراب مسجد جامع شیراز نشسته بود، حله در بر و تاج مُرّصَع (آراسته) به جواهر بر سر، پیش رفتم و سؤال کردم خدای با تو چه کرد؟ فرمودند مرا آمرزید، پرسیدم: به چه عمل؟ گفت: به جهت صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم). گفتم: دیگران هم صلوات می فرستند چرا به این مرتبه نرسیده اند؟ جواب داد که من از همه زیادتر صلوات می فرستادم و کثرت صلوات انسان را به مقامات عالیّه می رساند.

در کافی مرقوم است که صلوات دفع نفاق می کند و مرقوم است بلند کنید صدای خود را به صلوات که زنگ نفاق را از قلوب برمی دارد(۱).

کاتب و غضب پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در خواب

در خبر دارد که طاووس یمانی از ابن عباس نقل نموده او بدین قسم صلوات می فرستاد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ الْكُبْرَى وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ الْعُلْيَا وَ آتِهِ سُؤْلَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى كَمَا آتَيْتَ اِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى (۲)».

و از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده: هر که بدین قسم صلوات بفرستد من او را شفاعت نمایم و والدین و اقرباء او را هم شفاعت کنم.

دیگر از شمس الدین کَشّی مرقوم است در ولایت او و با آمد. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را در خواب دید و خدمت آن حضرت عرض کرد: دعایی به من تعلیم فرما که از برکت او، از طاعون ایمن شوم، حضرت فرمودند: هر که بدین قسم بر من صلوات فرستد از بلیه طاعون ایمن شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ دَاءٍ وَ دَوَاءٍ».

ص: ۶۵

۱-۱. الکافی ۲/۴۹۲، ح ۸ و ۲، ۴۹۳، ح ۱۳.

۲- . دلایل الخیرات .

در کتاب ذخیره المذکورین مرقوم است یکی از صلحا به صحرا رفت و گل ها و اشجار را مشاهده نمود گفت: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ الْوَرْدِ وَ الْأَنْوَارِ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ رَمْلِ الثَّغَارِ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ دَوَابِّ الْبَرَارِيِّ وَ الْبِحَارِ» هاتمی آواز داد: ای صلوات فرستنده! در رنج انداختی کرام الکااتبین را به جهت نوشتن ثواب این کلمات و مستوجب درجات عالی شدی و اعمالت را از اول انجام بده که تمام گناهان تو را آمرزیدند.

حکایت ابوجهل (لعین) و معجزه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

در کتاب تحفه الطوسیّه که شرح او قبلاً مرقوم شد آمده است که روزی ابوجهل لعین آمد بر در مسجد نشست. چون پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از مسجد بیرون آمدند، دست خود را در آستین پنهان کرد و گفت: یا محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) چیست در مشت من؟ اگر فرمودی با قوم خود، به شما ایمان می آورم. فرمودند: در دست تو حقه ای است که در میان کرباس پیچیده و در آن حقه سه دانه دُرّ است در میان پنبه که یکی از آن ها سفته و دیگری ناسفته و سومی نیم سفته است و در آن حقه دانه لعلی است و در میان آن لعل کرم سرخی است و برگ سبزی در دهان دارد.

ابوجهل لعین گفت: تمام درست، امّا کرم و برگ سبز از کجا معلوم شود؟ حضرت فرمودند: لعل را بشکنم. یکی از اغنیاء اصحاب گفت: لعل خود را قیمت کن و بشکن اگر فرمایش پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صدق نیست من قیمت لعل تو را می دهم. قبول کرد. چون لعل را شکست کرم کوچک که برگ سبزی در دهان داشت، نمایان شد. حضرت آن کرم را در کف دست گذارده و فرمودند: چند مدّت است تو در میان این لعل هستی؟ کرم به سخن درآمد و بر آن حضرت سلام کرده و عرض کرد: نمی دانم زمان هایی است که من در میان این لعل می باشم و هر روز خداوند

سه برگ سبز روزی برای من می رساند. حضرت فرمودند: ذکر و تسبیح تو چیست که به برکت آن ذکر روزی به تو می رسد؟ عرض کرد: خداوند مرا امر فرموده که هر روز ده مرتبه صلوات بر خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستم. اصحاب شروع کردند به تکبیر گفتن. ابوجهل ملعون باز بر کفر و عناد خود باقی ماند و حمل به سحر کرد.

افضلیت صلوات از سایر اذکار

و در کتاب عنوان الکلام عمده العلماء العاملین مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی^۱ مرقوم فرموده که می توان گفت ثواب صلوات از تمام اذکار افضل است و دیده نشده است عملی در مستحبات بلکه واجبات که فضل و ثواب او به قدر صلوات باشد. و بعضی گفته اند که ثواب لعن زیاده است به جهت آن که لعن را فائده زیاده تر است. زیرا که فائده صلوات فقط عاید صلوات فرستنده می شود و از برای پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن حضرت (علیهم السلام)، مرتبه زیاد نمی کند زیرا که مرتبه ایشان فوق مراتب است که بالاتر از آن متصور نیست که اول کتاب شرح داده شد، ولیکن لعن هم ثواب از برای لعن کننده دارد و هم باعث زیاد شدن عذاب آن ملعون ها می شود ولیکن مرقوم فرموده که در نزد حقیر هر دو مساوی هستند و هر دو جزو ایمانند.

وَ فِي يَابِ السَّابِعِ مِنَ اللَّسَالِي فِي فَضْلِ الصَّلَوَاتِ رَوَى الْفَاضِلُ الْبَسِيْطَامِيُّ فِي كِتَابِ ذَخِيرَةِ الْعِبَادِ عَنْ بَعْضِ الْكُتُبِ أَنَّ فِي أَحْبَابِ الْمِعْرَاجِيَّةِ أَنَّ مَلَكًا فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ قَالَ لِلنَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ فِي عِشْرِينَ أَلْفَ سَنَةٍ كُنْتُ خَمْسُ أَلْفِ سَنَةٍ فِي الْقِيَامِ وَ خَمْسُ أَلْفِ سَنَةٍ فِي الرُّكُوعِ وَ خَمْسُ أَلْفِ سَنَةٍ فِي السُّجُودِ وَ خَمْسُ أَلْفِ سَنَةٍ فِي التَّشَهُُّدِ وَ هَبْتُ ثَوَابَهُ لِأُمَّتِكَ قَالَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): تَزَعُمُ أَنْ أُمَّتِي مُحْتَاجُونَ إِلَيَّ ذَلِكَ الثَّوَابِ بَعْرَهُ رَبِّي إِنْ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْ عَصَاهِ أُمَّتِي إِذَا صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً مِنَ الثَّوَابِ أَكْثَرَ مِنْ عِبَادَتِكَ هَذَا.

وَفِيهِ رُؤْيَى مِنْ خُلَاصَةِ الْأَخْبَارِ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى خَلْقَ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى طَائِرٍ إِسْمُهُ طَائِرُ الصَّلَوَاتِ وَ فِيهِ شَجَرٌ يُقَالُ لَهُ: شَجَرُ التَّحِيَّاتِ ثَبَتَ أَغْصَانُهُ فِي كُلِّ دَارٍ وَقَصْرٍ وَ فِي الْجَنَّةِ حَوْضٌ وَإِذَا صَلَّى أَحَدٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ يَنْزِلُ الطَّائِرُ مِنَ الشَّجَرِ وَ يَغُوطُ فِي الْحَوْضِ وَ يَخْرُجُ وَ يَحْرُكُ أَرْيَاشَهُ وَ يَخْلُقُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَاءً يَقْطُرُ مِنْهُ مَلَكًا لَهُ جَنَاحَانِ جَنَاحٌ فِي الْمَشْرِقِ وَ جَنَاحٌ فِي الْمَغْرِبِ وَ رِجْلُهُ قَعْرُ الْأَرْضِ وَ رَأْسُهُ تَحْتَ الْعَرْشِ فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلِكِ صَلِّ عَلَى عَبْدِي كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى رَسُولِي فَيَصَلِّي الْمَلِكُ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (١).

وَفِيهِ أَيْضًا مِنْ زُبْدِهِ التَّصَانِيفِ رَوَى أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ فِي الْفِرْدَوْسِ الْمَاعِلَى طَيْرًا إِسْمُهُ صِلَوَاتٌ وَ هُوَ عَلَى غُصْنِ شَجَرٍ تَحْتَهُ حَوْضٌ فَكَلَّمَا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَنْزِلُ وَ يَدْخُلُ الْحَوْضَ وَ يَغُوطُ ثُمَّ يَخْرُجُ وَ يَتَحَرَّكُ أَرْيَاشَهُ وَ يَخْلُقُ مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مِنْهَا مَلَكًا يُصَلِّي عَلَى الْمُصَلِّي وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا سَمِعَ الْخَلَائِقُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ أَوْ سَلَّمَ عَلَيْهِ إِلَّا بَلَغَهُ ذَلِكَ وَ سَمِعَهُ. وَ قَدْ رَوَى أَنَّ اللَّهَ قَدْ خَلَقَ مَلَائِكَهَ سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُمْ غَرَضٌ إِلَّا تَبْلِيغُ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) صَلَوَهُ مِنْ صَلَّى عَلَيْهِ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ يَقُولُونَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَلَانٌ قَدْ بَلَغَكَ السَّلَامَ وَ الصَّلَوَةَ فَيَقُولُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): فَلَانُ الصَّلَوَةَ وَ السَّلَامَ وَ كَذَلِكَ يُبَلِّغُونَهُ زِيَارَاتِ الزَّائِرِينَ وَ سَلَامِ الْمُسْلِمِينَ.

وَ فِيهِ نَقْلٌ مِنْ خُلَاصَةِ الْأَخْبَارِ فِي بَابِ أَحَدٍ وَ ثَلَاثِينَ مِنْهُ قِصَّةٌ غَرِيبَةٌ نَاقِلًا إِيَّاهَا عَنْ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ السَّنَدِ نِعْمَةَ اللَّهِ الْجَزَائِرِيِّ فِي إِمْرَاهِ فَاحِشِهِ زَنْتَ بِابْنَتِهَا فَزَاهَا إِبْنُهَا بَعِيدَ مَوْتِهَا فِي هَيْئَةٍ حَسَنَةٍ وَ مَقَامٍ رَفِيعٍ فَسَمَّيْنَاهَا عَنْ سَبَبِهِ فَقَالَتْ أُعْطِيَتْ هَيْدَةَ الْمَرْتَبَةِ مِنْ بَرَكَةِ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اللَّعْنِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَ قَدْ كُنْتُ أَقْرَأُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ الْخَمِيسِ وَ الْجُمُعَةِ بَعِيدَ الصَّلَوَةِ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأُولَى وَ الْآخِرِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ».

ص: ٦٨

و في المكارم قال ابو عبيد الله (عليه السلام): قَالَ إِذَا أَنْسَاكَ الشَّيْطَانُ شَيْئًا فَضَعْ يَدَكَ عَلَى جِدِّهِتِكَ وَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ وَالْأَمْرَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَذَكِّرَنِي مَا أَنْسَانِيهِ الشَّيْطَانُ (١).

أَيْضاً فِيهِ وَفِي الْكَافِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعِدْهُ اللَّهُ مِنْ رَحْمَتِهِ (٢).

أَيْضاً

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): فِي حَدِيثٍ مَنْ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَ أْبْعِدْهُ اللَّهُ (٣).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): الْبَخِيلُ كُلُّ الْبَخِيلِ الَّذِي إِذَا ذَكَرْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ لَمْ يُصَلِّ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): الْبَخِيلُ كُلُّ الْبَخِيلِ الَّذِي إِذَا ذَكَرْتُ عَنْدَهُ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ (٤).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): أَجْفَى النَّاسِ رَجُلٌ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ (٥).

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الطَّيْبَقَرِيِّ (عليه السلام) عَنْ آبَائِهِ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ يَدْخُلِ السُّرُورَ عَلَيْهِمْ (٦).

وَ فِي الْكَافِي إِنَّ الدُّعَاءَ (مطلقاً) مَحْجُوبٌ لَنْ يُسْتَجَابَ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (٧).

وَ فِيهِ إِنَّ الدُّعَاءَ إِذَا صُدِّرَتْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَ حُتِمَتْ بِهَا لَنْ يَرُدَّ أَبَدًا.

وَ فِيهِ إِنَّ الدَّاعِيَ إِذَا تَوَسَّلَ فِي دُعَائِهِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَقْسَمَ اللَّهُ بِحَقِّهِمْ يُسْتَجَابَ دُعَائُهُ لَأَمْحَالَهُ (٨).

ص: ٦٩

- ١- ١. مكارم الأخلاق / ٣٥٧ - بحار الأنوار ٩٢/٣٣٩، ح ١.
- ٢- ٢. امالي شيخ صدوق (رحمت الله) ١٩/٥٨٠، ح ١٩.
- ٣- ٣. بحار الأنوار ٧١/٧٤، ح ٦٣.
- ٤- ٤. الإرشاد ٢/١٦٩ - بحار الأنوار ٩١/٦١، ح ٤٧.
- ٥- ٥. بحار الأنوار ٩١/٧١، ح ٦٤ با كمى تفاوت.
- ٦- ٦. وسائل الشيعه ٧/٢٠٣، ح ٩١١٥ - امالي شيخ صدوق (رحمت الله) ٥/٣٧٩ مجلس ٦٠، ح ٥ - بحار الأنوار ٢٦/٢٧٧، ح ١.
- ٧- ٧. بحار الأنوار ٢٧/٢٦٠، ح ١٥ - الكافي ٢/٤٩١، ح ١.
- ٨- ٨. بحار الأنوار ٩٠/٣١١، ح ١١ - الكافي ٢/٤٩٣، ح ١٠.

و فِيهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

و فِيهِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدَعَ الْوَسْطَ (١).

و فِي خَيْرِ آخِرِ قَالِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ مَقْبُولَةٌ وَ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَقْبَلَ بَعْضَ الدُّعَاءِ وَ يَرُدَّ بَعْضًا (٢).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): قَالَ إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَابْدَأْ قَبْلَ مَسْأَلَتِكَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) ثُمَّ سَأَلْ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِيَ إِحْدَاهُمَا وَ يَمْنَعُ الْأُخْرَى (٣).

بدان که در جلد اول کتاب حيوه القلوب و شرح صلوه و ثالی دارد که: خواص الصلوه عليهم فامور منها ما فى تفسير قوله تعالى «وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ» (٤) مِنْ أَنَّهُ كَانَ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِمْ أَنَّ فِرْعَوْنَ كَانَ يُكَلِّفُهُمْ عَلَى الْبِنَاءِ وَ الطِّينِ وَ يَخَافُ أَنْ يَهْرَبُوا عَنِ الْعَمَلِ فَأَمَرَ بِتَفْسِيدِهِمْ وَ كَانُوا يَنْقُلُونَ ذَلِكَ الطِّينَ عَلَى السَّلَالِيمِ إِلَى السُّطُوحِ فَرَبَّمَا سَقَطَ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ فَمَاتَ أَوْ زَمَنَ وَ لَا يَحْفَلُونَ بِهِمْ إِلَى أَنْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قُلْ لَهُمْ لَا يَبْتَدُونَ عَمَلًا إِلَّا بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ فَيُخَفِّفُ عَلَيْهِمْ.

وَ مِنْهَا فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ مِنَ الذَّبْحِ وَ يَنْشَتُونَ فِي مَحَلِّ غَامِضٍ بِصَلَوَاتِهِمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ كَذَلِكَ نَسَأْتُهُمْ سَلِمْنَ مِنَ الْإِفْتِرَاشِ بِصَلَوَاتِهِمْ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا شَرَحَ دَادَةَ خَوَاهِدِ شَد.

ص: ٧٠

١-١. بحار الأنوار ٩٠/٣١٦ - الكافي ٢/٤٩٤، ح ١٥.

٢-٢. امالى شيخ طوسى (رحمت الله) / ١٧٢، ح ٢٩٠ - وسائل الشيعه ٧/٩٦، ح ٨٨٣٦.

٣-٣. بحار الأنوار ٩٠/٣١٣، ح ١٨.

٤-٤. بقره/٤٩.

وَفِي حَرَامِيعِ الْأَخْيَارِ « قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) الصَّدَقَةُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِالْأَلْفِ حَسَنَةٌ وَ يُحِطُّ بِهَا أَلْفُ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ بِهَا أَلْفُ دَرَجَةٍ وَ إِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: لَيْلَتَهُ الْجُمُعَةِ يَزْهَرُ نُورُهُ فِي السَّمَوَاتِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ فِي السَّمَوَاتِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ يَسْتَعْفِرُ لَهُ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِقَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ» (١).

وَ فِيهِ أَيْضًا « قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ شَهِيدًا وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (٢).

أَيْضًا « رَوَى عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِي يَذْكُرُنِي ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ إِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ رَمَلٍ عَالِجٍ» (٣).

وَ فِيهِ أَيْضًا « مَا مِنْ أَحَدٍ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً وَ أَسْمَعَ حَافِظِيهِ إِلَّا أَنْ لَا يَكْتُبَا ذَنْبًا لَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (٤).

وَ عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُبَشِّرَ لَهُ بِالْجَنَّةِ.

أَيْضًا فِيهِ وَ فِي الْكَافِي « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ مَنْ قَالَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ ثَلَاثُونَ مِنْهَا لِلدُّنْيَا وَ سَبْعُونَ مِنْهَا لِلْآخِرَةِ» (٥).

عقوبت ترک صلوات در نماز

مرحوم اردبیلی / در کتاب حدیقه الشیعه می نویسد که شیخ طوسی / صلوات را در تشهد از ارکان شمرده است.

ص: ٧١

١- ١. جامع الأخبار / ٦٣.

٢- ٢. جامع الأخبار / ٥٩.

٣- ٣. همان.

٤- ٤. بحار الأنوار / ٩١/٦٤.

٥- ٥. جامع الأخبار / ٦٣.

و از حضرت صادق (علیه السلام) مروی است که هر که نماز کند و صلوات را عمداً ترک کند نماز او صحیح نیست.

و مرقوم است ابن حجر که یکی از متعصبان اهل سنت است در باب دهم از کتاب صواعقش از شافعی این شعر را نقل کرده:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ

فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ

مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ (۱)

فی الأمالی و البحار عن الرضا (علیه السلام) قَالَ النَّظْرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظْرُ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَمْ النَّظْرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) فَقَالَ بَلِ النَّظْرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) عِبَادَةٌ أَوْ النَّظْرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) قَالَ بَلِ النَّظْرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) عِبَادَةٌ مِمَّا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهَ وَ لَمْ يَتَلَوْثُوا بِالْمَعَاصِي (۲).

«ترجمه»: در أمالی و بحار الأنوار از حضرت رضا (علیه آلاف التحية و الثناء) روایت شده است که نظر کردن بر ذریت و فرزندان ما عبادت است، به آن حضرت عرض کردم: یا بن رسول الله نظر کردن به ائمه از شما عبادت است یا نظر کردن بر جمیع ذریه پیغمبر؟ چه امام باشد چه امام نباشد؟ حضرت فرمودند: بلکه نظر کردن به جمیع ذریه پیغمبر عبادت است. لیکن در صورتی که از صراط پیغمبر بیرون نروند و خود را به معاصی آلوده نکرده باشند.

در بحار و غیره از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده هر که بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» نمیرد تا این که آن حضرت را ملاقات نماید (۳).

ص: ۷۲

۱-۱. این دو بیت شعر خیلی معروف و مشهور است و از جمله کسانی که این را نقل کرده است احمد بن حنبل در مسندش ۶/۳۲۳ است.

۲-۲. بحار الأنوار ۹۳/۲۱۸ باب ۲۷، ح ۲ - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ۲۹۴/، مجلس ۴۹، ح ۳.

۳-۳. بحار الأنوار ۸۳/۷۷، ح ۱۱.

و در کتاب اثنی عشریه در تعقیبات نماز ظهر دارد کسی که بعد از نماز ظهر یکصد مرتبه صلوات بفرستد خداوند در دنیا سه چیز به او مرحمت می فرماید؛ اول «لا- يُغْرَمُ وَ إِنْ كَانَ غُرِمَ أَذَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ» دوم «وَ يُحْفَظَ إِيْمَانَهُ مِنَ الزَّوَالِ» سوم «وَ لَا يُسْئَلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ نِعْمِهِ» (۱).

«ترجمه»: اول «گرفتار غرامت و جریمه نمی شود و اگر گرفتار شود خدای تعالی از طرف او پرداخت خواهد کرد» دوم «ایمان او از زوال حفظ می شود» سوم «در قیامت از نعمت های خداوند از او سؤال نمی شود».

فِي جَامِعِ الْبُرْنَطِيِّ عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِيمَا بَيْنَ الظُّهْرِينَ عَدَلَ سَبْعِينَ رَكْعَةً» (۲).

و أَيْضاً عَنْهُ عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) «مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ ذَنْبٌ سَنَةً» (۳).

و أَيْضاً حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: بهترین اعمال روز جمعه آن است که بعد از نماز عصر یکصد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» (۴).

و در کتاب تنبیه الغافلین مرقوم است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر که در روزهای جمعه چهار مرتبه بر من صلوات فرستد خدا گناه چهار ساله او را بیاورد.

و در جلد نوزدهم بحار الأنوار نقل شده است که هر کس در روزهای جمعه یکصد مرتبه صلوات فرستد خدا گناه هشتاد سال او را بیاورد و هر گاه کسی در روزهای جمعه هزار مرتبه صلوات فرستد نخواهد مُرد تا جای خود را در بهشت ببیند و ثواب او را خدا می داند که در این جا گنجایش ذکر او نیست.

ص: ۷۳

۱- ۱. تحرير المواعظ العددیه / ۲۴۳.

۲- ۲. بحار الأنوار ۸۷/۶۶ باب ۷ - مستدرک الوسائل ۶/۹۷ باب ۴۰، ح ۶۵۲۰ - مصباح کفعمی (رحمت الله) / ۴۲۲.

۳- ۳. بحار الأنوار ۸۶/۳۶۴ باب ۴، ح ۵۳ - مصباح کفعمی (رحمت الله) / ۴۲۲.

۴- ۴. بحار الأنوار ۸۷/۹۱ با کمی تفاوت.

در کتاب مفتاح الفيوضات از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) برابر است با هزار حسنه و هزار گناه را برطرف می کند و هزار درجه مقام او را بالا می برد و کسی که در شب جمعه بر آن حضرت و آل آن حضرت (علیهم السلام) صلوات فرستد نور او در آسمان ها تا روز قیامت روشنی می دهد و ملائکه آسمان ها برای او با ملائکه ای که موکل هستند به قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) تا روز قیامت استغفار می کنند.

مرقوم است از کتاب اعلام الدین از حضرت صادق (علیه السلام) هر که بعد از نماز ظهر جمعه سه مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» از بلاها تا جمعه دیگر امان باشد (۱).

همچنین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده در روز قیامت خداوند روزها را مبعوث گرداند و روز جمعه بایستد بر در بهشت و شفاعت کند کسانی را که در روز جمعه بسیار صلوات فرستاده اند.

و در کتاب کافی و جمال الصالحین در باب فضیلت روز جمعه می نویسد: افضل اعمال شب و روز جمعه صلوات فرستادن است و چون عصر پنجشنبه می شود ملائکه از آسمان نازل شوند به عدد مورچه ها با قلم های طلا و لوح های نقره و تا شب شنبه کار آن ها این است، هر کس صلوات بفرستد می نویسند و هر که اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را بشنود و صلوات نفرستد راه بهشت بر او خطا شود.

از حضرت امام صادق (علیه السلام) منقول است صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) با هفتاد حجّ برابر است.

و در مصباح کفعمی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده و ابن بابویه هم در ثواب الأعمال مرقوم داشته است هر که بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه این

ص: ۷۴

صلوات را بخواند ثواب او برابر است با ثواب عمل ثقلین در آن روز و حضرت صادق علیه السلامی فرمایند که خداوند از برای او یکصد هزار حسنه می نویسد و از او یکصد هزار گناه محو می کند و و یکصد هزار درجه مقامش را بالا می برد و خدا تمام حوائج او را برمی آورد.

جناب عمده العلماء و المحدثین آقای حاج شیخ عباس قمی هم در کتاب منازل الآخرة این صلوات و شرحش را از مرحوم کلینی نقل می فرمایند به اضافه این که از میان دیده های خواننده این صلوات در قیامت نوری ساطع است و بالا می رود و آن صلوات این است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» (۱).

سید بن طاوس در جمال الأسبوع در فصل چهل و پنجم در نماز روز جمعه از ائمه (علیهم السلام) روایت فرموده برای ایمن بودن از شرور و بلاها تا جمعه دیگر بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را هفت مرتبه بخواند و رکعت دوم به همین طریق و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوُهَا الْبَرَكَةُ وَ عَمَّارُهَا الْمَلَائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَ أَيْبَانَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» «لم تضره بلية و لم تصبه فتنة الى يوم الجمعة الاخرى و جمع الله عزوجل بينه و بين محمد و ابراهيم (عليهما السلام) و على آلهما».

وارد است اگر کسی حاجتی داشته باشد چهارده هزار مرتبه صلوات فرستد و هدیه کند برای ارواح مقدسه چهارده معصوم (علیهم السلام) خداوند حاجت او را روا می فرماید.

حجّه الاسلام فاضل نهاوندی هم در کتاب گلزار اکبری این ختم مجرب را مرقوم فرموده که بعداً ذکر خواهد شد.

ص: ۷۵

خواندن این صلوات ثواب بسیار دارد که گنجایش شرح آن نیست: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الْبَرَكَاتُ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ مَا دَامَتِ الرَّحْمَةُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ رُوحِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ وَصَلِّ عَلَيَّ جَسَدِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ وَصَلِّ عَلَيَّ قَبْرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُبُورِ وَصَلِّ عَلَيَّ تُرْبِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي التُّرَابِ وَصَلِّ عَلَيَّ صُورِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الصُّورِ وَصَلِّ عَلَيَّ نُورِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَنْوَارِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و في الأمالي الصدوق: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُؤَالَ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ» (١).

وَ فِيهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): إِنَّ لِعَلِيِّ وَ شِيعَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَقَامًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ (٢).

و في الكافي وَ جامع الأخبار عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ قَالَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ ثَلَاثُونَ مِنْهَا لِلدُّنْيَا وَ سَبْعُونَ مِنْهَا لِلْآخِرَةِ (٣).

و في الأمالي عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم): وَ مَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ ثَقَّلَ اللَّهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ الْمَوَازِينُ (٤).

وَ فِيهِ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَعِدْهُ مِنِّي (٥).

ص: ٧٦

١- ١. بحار الأنوار ٢٧/٥٥ باب ١، ح ٩- أمالي شيخ صدوق (رحمت الله) / ٤٧٣، مجلس ٧٢، ح ٧- بشاره المصطفى (صلى الله عليه و اله و سلم) / ١٥٠ و ١٧٥.

٢- ٢. أمالي شيخ صدوق (رحمت الله) / ٦٥٨، مجلس ٩٤، ح ١٠.

٣- ٣. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ١٥٨- جامع الأخبار.

٤- ٤. أمالي شيخ صدوق (رحمت الله) / ٩٥.

٥- ٥. أمالي شيخ صدوق (رحمت الله) / ٩٨.

و في جامع الأخبار قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ شَهِيداً وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (١).

أَيْضاً فِيهِ وَ فِي اللَّتَالِي قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أُمَّتِي يَذْكُرُنِي ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ إِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ رَمَلٍ عَالِجٍ (٢).

أَيْضاً عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم): قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُبَشِّرَ لَهُ بِالْجَنَّةِ (٣).

أَيْضاً قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَا مِنْ أَحَدٍ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً وَ سَمِعَ حَافِظِيهِ إِلَّا أَنْ لَا يَكْتُوبَ ذَنْبُهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

وَ فِي الْبَحَارِ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم): أَنَّ الشَّيْطَانَ اثْنَانِ شَيْطَانُ الْجَنِّ وَ يَبْعُدُ بِلا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ شَيْطَانُ الْإِنْسِ وَ يَبْعُدُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ النَّبِيِّ وَ آلِهِ مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ هَيْدِهِ الدُّنْيَا بِقِيْرَاطٍ وَصَلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَنْطَارٍ (٤).

«ترجمه»: پیامبر اکرم (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: شیاطین دو گروه هستند. شیاطین جنی که با ذکر « لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ » رانده می شوند و شیاطین انسی که صلوات بر محمد و آل محمد دور می شوند. و کسی که به وزن قیراطی (یک چهاردهم مثقال) به فرزندانم کمک کند من در روز قیامت به وزن قنطاری (پنجاه هزار مثقال) به او کمک می کنم. در نتیجه اگر کسی به سادات کمک کند هفتصد هزار برابر پاداش دارد ولی کمک به دیگران را خداوند در قرآن ده برابر پاداش می دهد.

ص: ٧٧

١-١. جامع الأخبار / ٥٩.

٢-٢. جامع الأخبار / ٥٩.

٣-٣. جامع الأخبار / ٦٠.

٤-٤. بحار الأنوار ٩٢/١٣٦، ح ٤.

أَيْضاً فِيهِ: «ثَلَاثَةٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَ زِينَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الصَّلَاةُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ يَأْسُهُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ وِلَايَةُ الْإِمَامِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»: (١).

در جلد نوزدهم بحار الأنوار حدیثی نقل شده است؛ «قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): مَنْ لَمْ يَقْمِدْ عَلَيَّ مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْتَبْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا» (٢).

در نورالعيون هم دارد صلوات مرقومه را، «وَقَالَ (عليه السلام): الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّشْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّكْبِيرَ» (٣).

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ رِيحُهَا يُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسَ مِائَةِ عَامٍ» (٤).

و فِي الْكَافِي «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ يَدْخُلِ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (٥).

و أَيْضاً فِيهِ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ خُطِيَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ» (٦).

«وَقَالَ (عليه السلام): أَنْقَلُ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ» (٧).

ص: ٧٨

-
- ١- ١. بحار الأنوار ٧٢/١٠٧، ح ٦. «ترجمه»: (٣ چیز افتخار مؤمن و زیور او در دنیا و آخرت است. نماز در آخر شب، چشم نداشتن به آنچه مردم دارند، ولایت و دوستی او نسبت به امام از خاندان حضرت محمد مصطفی (صلى الله عليه و اله و سلم)).
 - ٢- ٢. بحار الأنوار ٩١/٤٧، ح ٢.
 - ٣- ٣. وسائل الشیعه ٧/١٩٤، ح ٩٠٩٤- بحار الأنوار ٩١/٤٧، باب ٢٩، ح ٢- امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ٧٣، مجلس ١٧، ح ٤- جامع الأخبار / ٦٠- عیون اخبار الرضا (عليه السلام) ١/٢٩٤، ح ٥٢.
 - ٤- ٤. بحار الأنوار ٩١/٤٨، ح ٤- امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ٣٧٩.
 - ٥- ٥. بحار الأنوار ٩١/٤٩.
 - ٦- ٦. ثواب الأعمال ص ٢٠٦- الکافی ٢/٤٩٥، ح ٢٠.
 - ٧- ٧. بحار الأنوار ٩١/٤٩، ح ٩- وسائل الشیعه ٧/١٩٧، ح ٩١٠٢.

و فيه أيضاً «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (١).

و في الأعمش «عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) فِي كُلِّ الْمَوَاطِنِ وَ عِنْدَ الْعُطَاسِ وَ الرِّيَّاحِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ وَاجِبَةٌ» (٢).

قال مولانا أمير المؤمنين (عليه السلام): صِلُّوا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَ دُعَائِكُمْ لَهُ وَ حِفْظِكُمْ إِيَّاهُ (صلى الله عليه و اله و سلم).

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ (عليه السلام): أُعْطِيَ السَّمْعَ أَرْبَعَةَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ حُورَ الْعِينِ فَإِذَا فَرَّغَ الْعَبْدُ مِنْ صِلَاةِ اللَّهِ فَلْيَصِلْ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَ لِيَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ يَسْأَلِ اللَّهَ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) رَفَعَتْ دَعْوَتُهُ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ قَالَتِ الْجَنَّةُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ وَ مَنْ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ أَجِرْ عَبْدَكَ مِمَّا اسْتَجَارَكَ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ قَالَتِ الْجَنَّةُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ (٣).

راوی از حضرت امیر (عليه السلام) سؤال می کند چگونه شد که مهر زن ها پانصد درهم شد؟

اثني عشر او فيه «وَقَالَ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيَّ نَفْسِي أَنْ لَا يُكَبِّرَهُ مُؤْمِنٌ مِائَةَ تَكْبِيرِهِ وَ لَا يُسَبِّحُهُ مِائَةَ تَسْبِيحِهِ وَ لَا يُهَلِّلُهُ مِائَةَ تَهْلِيلِهِ وَ لَا يُصَلِّي عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقُولَ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ إِلَّا زَوَّجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ ثُمَّ مَهْرُ النِّسَاءِ خَمْسَ مِائَةِ دِرْهَمٍ فَلَمْ يُزَوِّجْهُ فَقَدْ عَقَّدَ وَاسْتَحَقَّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يُزَوِّجَهُ حُورَاءً» (٤).

ص: ٧٩

١-١. بحار الأنوار ٩١/٥٠، ح ١٢- وسائل الشيعة ٧/٣٨١، ح ٩٦٣٥.

٢-٢. بحار الأنوار ٧٣/٥٤، ح ٩ و ٩١/٥٠، ح ٣٠.

٣-٣. بحار الأنوار ٩١/٥٠، ح ١٤- وسائل الشيعة ٦/٤٦٦، ح ٨٤٦١.

٤-٤. بحار الأنوار ٩١/٥٢، ح ١٨- وسائل الشيعة ٢١/٢٤٤، ح ٢٧٠٠١ - عيون اخبار الرضا (عليه السلام) ٢/٨٤، ح ٢٦.

وَ فِي الْبِحَارِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَوَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ (۱).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): «الْبَخِيلُ حَقًّا مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ» (۲).

راوی از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) سؤال می کند: چگونه صلوات بفرستم؟ قَالَ (علیه السلام): «تَقُولُونَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقُلْتُ مَا ثَوَابُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَ آلِهِ (عليهم السلام) بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ؟ قَالَ (علیه السلام): الْخُرُوجُ مِنَ الدُّنُوبِ وَاللَّهُ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (۳).

أَيْضًا فِي الْبِحَارِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): لَا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَى بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَ آلِهِ: وَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ الدُّعَاءُ لِوَالِدَيْهِ (۴).

حضرت محمد (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: نوزادان خود را به هنگام گریه نزنید! به درستی که گریه آنها در چهارماه اول شهادت به وحدانیت خداوند است و چهارماه دوم صلوات بر محمد و آل محمد است و چهارماه سوم دعا برای پدر و مادرش می باشد.

صلوات ملائکه بر صلوات فرستنده

پیغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل مرا خبر داد که یا رسول الله هر که از امت تو صلوات بفرستد بر تو و اهل بیت تو درهای آسمان ها بر روی او باز شود و ملائکه هفتاد مرتبه بر او صلوات بفرستند و خداوند گناهان او را بیامرزد و گناهان

ص: ۸۰

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۵۴، ح ۲۳ و ۱۲/۴، ح ۹- وسائل الشیعه ۷/۱۹۴، ح ۹۰۹۵- علل الشرایع ۱/۳۴، ح ۳.

۲- ۲. معانی الأخبار / ۲۴۶، ح ۸- بحار الأنوار ۷۰/۳۰۶، ح ۲۸ و ۹۱/۵۴، ح ۲۶- وسائل الشیعه ۷/۲۰۴، ح ۹۱۱۹.

۳- ۳. معانی الأخبار ۱/ ۳۶۷، ح ۱- بحار الأنوار ۹۱/۵۵، ح ۲۷- وسائل الشیعه ۷/۱۹۶، ح ۹۱۰۰.

۴- ۴. علل الشرایع ۱/۸۱، ح ۱- بحار الأنوار ۵۷/۳۸۱، ح ۱۰۰ و ۹۱/۵۵، ح ۲۸ و ۱۰۱/۱۰۳، ح ۹۵.

او ریخته شود مثل ریختن برگ از درختان، «و يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: لَبَّيْكَ يَا عَبْدِي وَ سَعْدَيْكَ وَ يَقُولُ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي أَنْتُمْ تَصِيَلُونَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ صَلَاةً وَ أَنَا أُصَلِّي عَلَيْهِ سَبْعَ مِائَةٍ صَلَاةً وَ إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُتَّبَعْ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي كَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ السَّمَاءِ سَبْعُونَ حِجَابًا وَ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لَا لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدَيْكَ يَا مَلَائِكَتِي لَا تُصَيِّرُوا دُعَاءَهُ إِلَّا أَنْ يُلْحِقَ بِنَبِيِّ عِثْرَتِهِ فَلَا يَزَالُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُلْحِقَ بِي أَهْلَ بَيْتِي» (۱).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ ثَقُلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ جُنْتُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ حَتَّى أُثْقَلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ (۲).

أَيْضًا فِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم) فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) صَلَّى لَوْ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ الْعَبْدُ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ صَلَّى لَوْ مَلَائِكَتِهِ وَ لَا يَزُغَبُ عَنْ هَذَا إِلَّا جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِيَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ (۳).

«ترجمه»: حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: چون نام مبارک پیغمبر را شنیدید صلوات بفرستید زیرا هر کس یک صلوات بفرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات فرستند و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه برای این بنده صلوات فرستند برای آنکه خداوند و فرشتگان برای او صلوات می فرستند. و هر کس در این فضیلت رغبت نکند پس او نادان مغرور است و خدا و رسولش و خاندانش از او بیزارند.

أَيْضًا فِي الْبَحَارِ «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ الصَّلَاةُ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) أَمْحَقُ لِلْحَطَايَا مِنَ الْمَاءِ لِلنَّارِ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ النَّبِيِّ وَ آلِهِ: أَفْضَلُ مِنْ مَهَجِ الْأَنْفُسِ أَوْ قَالَ ضَرْبِ الشُّيُوفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۴).

ص: ۸۱

- ۱- ۱. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ۸۵، ح ۱۸ - بحار الأنوار ۹۱/۵۶، ح ۳۰.
- ۲- ۲. ثواب الاعمال / ۱۵۵ - جامع الأخبار / ۶۱ - بحار الأنوار ۷/۳۰۴، ح ۷۲ و ۹۱/۶۵ - وسائل الشیعه ۷/۱۹۵، ح ۹۰۹۷.
- ۳- ۳. الکافی ۲/۴۹۲ - ثواب الاعمال / ۱۵۴ - جامع الأخبار / ۶۱ - مکارم الأخلاق / ۳۱۲ - بحار الأنوار ۱۷/۳۰، ح ۱۱ و ۹۱/۵۷، ح ۳۲ و ۹۱/۶۵ - وسائل الشیعه ۷/۱۹۳، ح ۹۰۹۰.
- ۴- ۴. ثواب الاعمال / ۱۵۴ - بحار الأنوار ۹۱/۵۷، ح ۳۳.

«ترجمه»: از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده است فرستادن صلوات بر رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) گناهان را بهتر از آبی که آتش را نابود می سازد از بین می برد و سلام کردن بر آن حضرت از آزاد کردن بنده بالاتر است و دوست داشتن حضرت از قربانی کردن جان ها بالاتر است یا فرمودند از شمشیر زدن در راه خدا بالاتر است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: أَنْ لَا أَعْلَمُكَ شَيْئًا يَقِي اللَّهَ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قُلْ بَعِيدَ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ يَقِي اللَّهَ بِهِمَا وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ (١). أَيْضاً قَالَ (عليه السلام) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ (٢).

أَيْضاً فِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْمُغِيرَةِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ رِجْلَيْهِ أَوْ يُكَلِّمَ أَحَدًا «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيَّ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (٣).

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ فَصَلَّى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ سَبْعِينَ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثِينَ فِي الْآخِرَةِ (٤).

أَيْضاً فِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و اله و سلم): ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ (٥).

أَيْضاً فِيهِ وَ فِي الْكَافِي عَنِ الرَّضَا (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و اله و سلم): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ فَصَلَّى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً مِنْهَا لِلدُّنْيَا ثَلَاثُونَ حَاجَةً وَ ثَلَاثِينَ لِلْآخِرَةِ (٦).

ص: ٨٢

١- ١. ثواب الاعمال / ١٥٥ - جامع الأخبار / ٦١ - بحار الأنوار ٨٣/١٣٥، ح ١٦ و ٩١/٥٨، ح ٣٦ - وسائل الشیعة ٦/٤٧٩، ح ٨٤٩١

٢- ٢. ثواب الاعمال / ١٥٥ - مکارم الأخلاق / ٣١٢ - بحار الأنوار ٩١/٥٨، ح ٣٧ - وسائل الشیعة ٧/١٩٥، ح ٩٠٩٨.

٣- ٣. احزاب / ٥٦.

٤- ٤. ثواب الاعمال / ١٥٦ - جامع الأخبار / ٦٢ - بحار الأنوار ٨٣/٩٥ و ٩١/٥٨، ح ٣٨.

٥- ٥. صحیفه سجادیه / ٤٢.

٦- ٦. جامع الأخبار / ٥٩.

أَيْضاً فِي الْبِحَارِ وَ الْكَافِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مِائَةً مَرَّةً وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةً مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ لَا يُعَذِّبُهُ اللَّهُ فِي النَّارِ أَبَدًا (١).

أَيْضاً قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً فَتَحَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابًا مِنَ الْعَافِيَةِ وَقَالَ (عليه السلام) مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً لَمْ يَبْقَ مِنْ ذُنُوبِهِ ذَرَّةٌ (٢).

وَرُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) قَالَ: أَوْلَى النَّاسِ بِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلَوةً فِي دَارِ الدُّنْيَا (٣).

وَأَيْضاً قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم) فِي الْوَصِيَّةِ: يَا عَلِيُّ! مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ أَوْ كُلَّ لَيْلَةٍ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَ لَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ (٤).

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) قَالَ:

مَنْ ذَكَرَنِي فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِيَ وَمَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ تُصَلِّ بِهِ الرَّحْمَةُ فَقَدْ شَقِيَ وَمَنْ أَدْرَكَ أَبَوَاهُ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يَبِرَّ فَقَدْ شَقِيَ (٥).

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ وَ آلِهِ مِائَةً مَرَّةً فِي كُلِّ يَوْمٍ أَسَدَّهَا سَبْعُونَ مَلَكًا يُبَلِّغُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) مِنْ قَبْلِ صَاحِبِهِ (٦).

أَيْضاً فِي الْبِحَارِ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ شَهِيداً وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (٧).

ص: ٨٣

- ١- ١. جامع الأخبار / ٥٨ - بحار الأنوار ٩١/٦٣، ح ٥٢ - مستدرک الوسائل ٥/٣٥١، ح ٦٠٦٤.
- ٢- ٢. جامع الأخبار / ٥٩ - بحار الأنوار ٩١/٦٣، ح ١٤ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٣، ح ٦٠٢١ و ٦٠٢٢.
- ٣- ٣. بحار الأنوار ٩١/٦٣ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٤، ح ٦٠٢٣.
- ٤- ٤. بحار الأنوار ٩١/٦٣ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٤، ح ٦٠٢٤.
- ٥- ٥. بحار الأنوار ٩١/٦٣ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٤، ح ٦٠٦٨.
- ٦- ٦. بحار الأنوار ٩١/٦٣ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٤.
- ٧- ٧. بحار الأنوار ٩١/٦٤ - جامع الأخبار / ٦٠ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٥، ح ٦٠٢٧.

وَقَالَ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ خَطِيئَتَهُ ثَمَانِينَ سَنَةً (١). وَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رَأْسَهُ نُورًا وَعَلَى يَمِينِهِ نُورًا وَعَلَى شِمَالِهِ نُورًا وَعَلَى فَوْقِهِ نُورًا وَعَلَى تَحْتِهِ نُورًا وَفِي جَمِيعِ أَعْضَائِهِ نُورًا (٢).

وَقَالَ (صلى الله عليه و اله و سلم): لَنْ يَلِجَ النَّارَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ (٣).

وَقَالَ (عليه السلام): الصَّلَاةُ عَلَيَّ نُورٌ الصِّرَاطِ وَمَنْ كَانَ لَهُ عَلَى الصِّرَاطِ مِنَ النُّورِ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ (٤).

وَقَالَ (صلى الله عليه و اله و سلم): صَلَّوْا تَكُمُ عَلَيَّ جَوَازُ دُعَائِكُمْ وَمَرْضَاةُ لِرَبِّكُمْ وَزَكَاةُ لِأَعْمَالِكُمْ (٥).

رُويَ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم): مِمَّا مِنْ دُعَاءِ الْإِبْنَةِ وَبَيْنَ السَّمَاءِ حِجَابٌ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ حَرَقَ الْحِجَابَ فَدَخَلَ الدُّعَاءُ وَإِذَا لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لَمْ يُرْفَعْ الدُّعَاءُ (٦).

وَأَيْضًا فِي الْبِحَارِ قَالَ: أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ يُضَاعَفُ فِيهِ الْأَعْمَالُ وَاسْأَلُوا اللَّهَ لِي الدَّرَجَةَ الْوَسِيلَةَ قَالَ هِيَ دَرَجَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ لَا يَنْأَلُهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا (٧).

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام): أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ وَمَا زِدْتُ أَفْضَلَ (٨).

وَفِي الْكَافِي وَالْبِحَارِ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ آبَائِهِ :: قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و اله و سلم) وَفِي الدُّعَاءِ عَلَيَّ رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و اله و سلم) رُفِعَ الدُّعَاءُ (٩).

ص: ٨٤

- ١-١. بحار الأنوار ٩١/٦٤ - جامع الأخبار / ٦٠.
- ٢-٢. بحار الأنوار ٩١/٦٤ - جامع الأخبار / ٦٠، ح ٢٠٢٩.
- ٣-٣. بحار الأنوار ٩١/٦٤ - جامع الأخبار / ٦٠، ح ٦٠٣٠.
- ٤-٤. بحار الأنوار ٩١/٦٤ - جامع الأخبار / ٦٠.
- ٥-٥. جامع الأخبار / ٦٠.
- ٦-٦. بحار الأنوار ٢٧/٢٥٨، ح ٧ و ٢٧/٢٦٠، ح ١٤ و ٩١/٦٤ - جامع الأخبار / ٦٠ - مستدرک الوسائل ٥/٢٢٥، ح ٥٧٤٨.
- ٧-٧. بحار الأنوار ٩١/٦٥، ح ١٤ - جامع الأخبار / ٦٠.
- ٨-٨. بحار الأنوار ٨٣/٧٨، ح ٣ و ٩١/٦٦ - جامع الأخبار / ٦٣.
- ٩-٩. بحار الأنوار ٩١/٦٨ - جمال الأسبوع / ٢٤٢ - مستدرک الوسائل ٥/٢٢٥، ح ٥٧٥٠.

وَفِي جَمَالِ الْأَسْبُوعِ وَ الْبَحَارِ أَيْضًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) مَلَكًا يُقَالُ لَهُ ظَهْلِيلُ إِذَا صَلَّى عَلَيْهِ أَحَدُكُمْ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ قَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فُلَانٌ سَلَّمَ عَلَيْكَ وَ صَلَّى عَلَيْكَ قَالَ فَرُدُّ النَّبِيَّ بِالسَّلَامِ (١). أَيْضًا فِيهِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَى مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَسْمَاءَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي إِذَا مِتُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَيْسَ أَحَدٌ يُصَلِّي عَلَيَّ صِلَاةً إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى عَلَيْكَ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ بِكَذَا وَ كَذَا وَ إِنَّ رَبِّي كَفَّلَ لِي أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْعَبْدُ بِكُلِّ وَاحِدِهِ عَشْرًا (٢).

رَوَى أَنَّهُ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) كَيْفَ هُوَ فَتَعَالَى (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) هَذَا مِنْ عِلْمِ الْمَكْنُونِ وَ لَوْلَا أَنَّكُمْ سَأَلْتُمُونِي مَا أَخْبَرْتُكُمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَكَلَّ بِي مَلَائِكَةً فَلَا أُذْكَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَيُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْمَلَكَانِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ آمِينَ وَ لَا أُذْكَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَلَا يُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا قَالَ لَهُ الْمَلَكَانِ لَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ آمِينَ (٣).

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ سَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَهُ سَمْعَ الْعِبَادِ

فَأَعْطَاهُ اللَّهُ فَذَلِكَ الْمَلَكُ قَائِمٌ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِلَّا قَالَ الْمَلَكُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ ثُمَّ يَقُولُ الْمَلَكُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ فُلَانًا يُقْرِئُكَ السَّلَامَ فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (٤).

عَنْ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ وَ آلِهِ: مَرَّةً وَاحِدَةً بَيْنِي وَ إِخْلَاصٍ مِنْ قَلْبِهِ فَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ تُلْتَوْنَ لِلدُّنْيَا وَ سَبْعُونَ لِلْآخِرَةِ (٥). وَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حُبًّا لِي وَ شَوْقًا إِلَيَّ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَهُ تِلْكَ

ص: ٨٥

١-١. بحار الأنوار ٩١/٦٨ - جمال الأسبوع / ٢٤٣ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٠، ح ٦٠١٤.

٢-٢. بحار الأنوار ٩١/٦٨ - جمال الأسبوع / ٢٢٤ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٠.

٣-٣. بحار الأنوار ٩١/٦٨، ح ٥٧ - عوالي اللئالی ٢/٣٨، ح ٩٧ - مستدرک الوسائل ٥/٣٥٢، ح ٦٠٦٧.

٤-٤. بحار الأنوار ٩١/٧٠، ح ٦١ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣٢، ح ٦٠١٨ - وسائل الشیعة ١٢/٧١، ح ١٥٦٧٠ - امالی شیخ طوسی (رحمت الله) / ٦٧٨، ح ١٤٣٧.

٥-٥. بحار الأنوار ٩١/٧٠، ح ٦٣ - الدعوات / ٨٩، ح ٢٢٥ - مستدرک الوسائل ٥/٣٣١، ح ٦٠١٥.

اللَّيْلَةَ وَ ذَلِكَ الْيَوْمَ (۱). وَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): أَكْثَرُوا الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَوَةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ (۲). وَ أَيْضاً فِي الْبَحَارِ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) قَالَ: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ (۳).

قَالَ أَبُو عَيدٍ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و اله و سلم) أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَقَالَ انْقُصُوا مِنْ ذِكْرِي بِمِقْدَارِ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَقَوْلُ الرَّجُلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِي الصَّلَوَةِ مِثْلُ قَوْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ (۴).

فِي الْكَافِي وَ الْبَحَارِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ وَ لَمْ يُصَيِّمُوا عَلَيَّ نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَشْرَةً وَ وَبَالاً عَلَيْهِمْ (۵).

عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) عَنْ آبَائِهِ: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَيِّمِ عَلَيَّ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَسْلَخَ قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ (۶).

در کافی و جمال الأسبوع و بحار الأنوار از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق (علیهما السلام) مروی است هر که در روز جمعه از شارب خود بزند و ناخن بگیرد و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ سَيِّدِي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» به هر مویی و ناخنی، آزادی رقبه نوشته شود (۷)، و جز به مرض موت ناخوش نشود (۸).

ص: ۸۶

- ۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۷۰، ح ۶۳- الدَّعَوَات ۸۹/، ح ۲۲۶- مستدرک الوسائل ۵/۳۳۱.
- ۲- ۲. بحار الأنوار ۷۹/۶۴- الدَّعَوَات ۲۱۶/، ح ۵۸۱- مستدرک الوسائل ۵/۳۳۲، ح ۶۰۱۷.
- ۳- ۳. بحار الأنوار ۹۱/۷۱، ح ۶۵- منیه المريد / ۳۴۷.
- ۴- ۴. بحار الأنوار ۸۲/۹۶، ح ۹ و ۹۱/۷۲- مستدرک الوسائل ۵/۳۲۹، ح ۶۰۱۲.
- ۵- ۵. الکافی ۲/۴۹۷، ح ۵- مکارم الأخلاق / ۲۷۵- عدّه الدّاعی / ۲۴۶- وسائل الشّیعه ۷/۱۵۲، ۸۹۸۰- بحار الأنوار ۹۰/۱۶۱ ح ۴۲.
- ۶- ۶. بحار الأنوار ۷۱/۷۶ و ۹۱/۷۲، ح ۶۷- مستدرک الوسائل ۷/۴۸۰، ح ۸۷۰۳.
- ۷- ۷. رقبه: بنده، غلام، (فرهنگ لغت معین) یعنی به اندازه ی هر مو و ناخنی ثواب آزاد کردن یک غلام و بنده به او می دهند.
- ۸- ۸. بحار الأنوار ۷۳/۱۱۰ و ۸۶/۳۴۵.

در کتاب جمال الأسبوع روایت شده در روز پنجشنبه مستحب است یکصد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ» از برای او شرح و فضیلت بسیار است (۱).

در کتاب نصایح الشیعه مرحوم حجه الاسلام آقا شیخ علی یزدی حائری ز و جامع الأخبار مرقوم است حضرت رسالت (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل (علیه السلام) نزد من آمد و عرض کرد: صلوات نمی فرستد برای تو احدی مگر این که صلوات می فرستند بر او هفتاد هزار ملک و کسی که صلوات فرستند بر او هفتاد هزار ملک «كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» یعنی از اهل بهشت می باشد (۲).

خلق ملک از حروف صلوات

و نیز در هر دو کتاب مرقوم است حضرت رسالت (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند هر کس صلوات فرستند بر من و آل من (علیهم صلوات الله) از جهت عظمت حق من، خلق می فرماید خدای تعالی از کلمات صلوات او ملکی را که یک بال او در مشرق و یکی در مغرب و دو پای او در هفتم زمین فرو رفته و گردن او در زیر عرش است. پس می فرماید: خدای متعال ای ملک! صلوات بفرست بر بنده من مثل این که صلوات فرستاد بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) پس آن ملک بر آن مصلی تا روز قیامت صلوات می فرستد.

و نیز در کتاب نصایح الشیعه مرقوم است از کتاب روضه العلماء، هر که بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد خداوند خلق می فرماید به عدد هر حرفی از صلوات سیصد و شصت هزار ملک، که از برای هر ملکی سیصد و شصت هزار سر و در هر سری سیصد و شصت هزار صورت و در هر صورتی سیصد و شصت هزار دهان است و در هر دهانی سیصد و شصت هزار زبان و از برای هر زبانی سیصد و شصت هزار

ص: ۸۷

۱- ۱. بحار الأنوار ۸۶/۲۸۸، ح ۳ و ۸۷/۳۴۰، ح ۵۷.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۶۴ - جامع الأخبار ۶۰/ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۵، ح ۶۰۳۲.

لغت که مشابه دیگری نباشد و با آن زبان ها حمد و ثنا گوید و ثواب آن در نامه عمل آن بنده ای که صلوات فرستاده نوشته خواهد شد تا روز قیامت و قریب به این خبر هم قبلاً از کتاب لئالی ذکر شد.

و در کتاب بحرالغوم که از تألیفات مرحوم آقا شیخ علی حائری است مرقوم است از کتاب انوار الهدایه «قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): خَلَقَ اللَّهُ عَمُوداً تَحْتَ الْعَرْشِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْعَرْشَ بِمِائَتِي أَلْفِ سَنَةٍ» خلاصه آن می فرماید که خداوند قبل از آن که عرش را خلق فرماید عمودی خلق فرمودند ، سر آن عمود را در زیر عرش قرار داد و پایین آن را در زیر زمین هفتم «عَلَى رَأْسِهَا سَبْعَةُ مِائَةِ أَلْفِ عَصِيدٍ عَلَى كُلِّ عَصِيدٍ سَبْعَةُ مِائَةِ أَلْفِ مَلَكٍ» یعنی پس قرار داده است بر سر آن عمود، هفتصد هزار شاخه و بر هر شاخه هفتصد هزار ملک «لِكُلِّ مَلَكٍ سَبْعَةُ مِائَةِ أَلْفِ فَمِ وَفِي كُلِّ فَمِ سَبْعَةُ مِائَةِ أَلْفِ لِسَانٍ وَفِي كُلِّ لِسَانٍ يَسْتَعْفِرُ اللَّهُ تَعَالَى سَبْعَةَ مِائَةِ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ يُمَجِّدُونَهُ سَبْعَةَ مِائَةِ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ يُهَلِّلُونَهُ سَبْعَةَ مِائَةِ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ يُكَبِّرُونَهُ سَبْعَةَ مِائَةِ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ يُحَمِّدُونَهُ سَبْعَةَ مِائَةِ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ إِذْ قَالَ الْعَبْدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى كُلُّ مَلَكٍ عَلَيْهِ سَبْعَةَ مِائَةِ أَلْفِ مَرَّةٍ ثُمَّ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ صَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ أَنْتَ أَمَرْتَنَا بِالصَّلَاةِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ وَ التَّمْجِيدِ وَ الإِسْتِغْفَارِ وَ نَحْنُ قَدْ فَعَلْنَا مَا أَمَرْتَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى صَلُّوا وَ حَمِدُوا وَ تَهَلَّلُوا وَ كَبَّرُوا وَ مَجَّدُوا وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ وَ لِيُؤَدِّيَهُ إِلَى آخِرِ الْأَبَدِ وَ إِلَى يَوْمِ التَّعَابِنِ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ لَا عَذَابِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» .

خلاصه بعضی از معنی کلام آن حضرت می فرماید: هر گاه بنده مؤمنی بر من صلوات فرستد این ملائکه با این کیفیت که مرقوم شد بر او هفتصد هزار مرتبه صلوات می فرستند و عرض می کنند: پروردگارا! فلان، پسر فلان یک مرتبه بیشتر بر پیغمبر تو صلوات نفرستاده و ما را امر فرمودی صلوات و تمجید و تهلیل و تکبیر و تحمید کنید و از برای او طلب مغفرت کنید تا آخر دنیا بلکه تا روز

قیامت تا این که وارد بهشت شود بی حساب و بدون عذاب. «اللَّهُمَّ اَعْتَقْنَا مِنَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ وَ زَوِّجْنَا مِنَ الْحُورِ الْعِينِ».

در کتاب نور العیون و تحفه الطوسیّه مرقوم است حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) به مردی که صلوات بر آن حضرت فرستد به این نحو که مرقوم می شود، فرمودند: زود است که وارد شوی بر صراط و صورت تو نورانی تر از ماه شب چهارده باشد و آن صلوات این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا یَبْقَیَ مِنْ صَلَاتِکَ شَیْءٌ وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا یَبْقَیَ مِنْ رَحْمَتِکَ شَیْءٌ وَ بَارِكْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا یَبْقَیَ مِنْ الْبَرَکَاتِ شَیْءٌ وَ سَلِّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا یَبْقَیَ مِنْ السَّلَامِ شَیْءٌ».

مرقوم است چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) را در آتش انداختند زنبور عسل دهان خود را آب می کرد و اطراف آتش می رفت که بر آتش بریزد بدین واسطه آب دهان او شیرین شد.

چنان چه در امالی و لوالجی یا ثوالجی دارد که به جهت ذکر صلوات آب دهان او شیرین شد که گذشت واقعه آن در کتاب معانی الأخبار از ابو حمزه ثمالی و در ثواب الأعمال از امام موسی کاظم (علیه السلام) روایت شده است.

و در تفسیر علی بن ابراهیم است در خصوص آیه مبارکه صلوات، که صلوات از حضرت رحمت و از ملائکه تزکیه و از مردم دعا و اقرار نمودن به فضل آن حضرت است.

و از ابن عباس روایت است چون این آیه نازل شد رخسار مبارک آن حضرت برافروخته گشت از غایت مسرت و فرمودند: آیتی بر من نازل شده است که در نزد من محبوب تر است از دنیا و هر آن چه در دنیا است.

در کتاب شرح صلوات، در حکمت صلوات فرستادن ملائکه بر آن حضرت مرقوم است چنان چه آدمیان در عرصه هدف سهام بلیات می باشند، ملائکه نیز پیوسته از نوازل قضا و قدر ترسان و از واقعه ابلیس هراسان می شوند. خداوند برای امنیّت خاطر، ایشان را امر به صلوات فرستادن بر حبیب خود فرمودند تا که از بلیات محفوظ مانند و اگر به عقوبتی مبتلا شدند به واسطه آن، از بلیه نجات یابند.

سبب نور صورت حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام)

و در بعضی کتب مرقوم است چون خداوند حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) را خلق فرمودند ملائکه بر صورت آدم نگاه کرده و صدای صلوات آن ها بلند می شد. چون آدم سبب او را پرسید ملائکه گفتند: نوری از جبین شما می تابد که چون نظر ما بر آن نور می افتد بی اختیار زبان ما به نغمه صلوات مترنم می گردد.

پس چون حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) متولد شدند خطاب به ملائکه رسید آن نوری که در جبین حضرت آدم می دیدید، این نور است که الحال ظاهر شده یعنی نور محمد بن عبدالله (علیه السلام) و چنان چه آن وقت به مراسم تحنّاتش مشغول بودید حال هم به ذکر صلواتش قیام نمائید تا از بلیات محفوظ بمانید به برکت آن حضرت. حکمت صلوات مؤمنین از حدّ بیان بیرون است از جمله آن ها، این است که صلوات ثمن شفاعت است و هر کس ثمن بیشتر تسلیم نمود با جواز زیادتی مثنی سزاوارتر می شود و هر چه انسان بیشتر صلوات بر آن حضرت فرستاد رابطه او با آن حضرت زیادتر می شود این است که آن حضرت فرمودند سزاوارترین مردم به من در روز قیامت آن کس است که بر من بیشتر صلوات فرستد و نشانه محبّت و دوستی با محمد و آل محمد (علیهم السلام) بسیار صلوات فرستادن است زیرا که علامت محبّت و دوستی آن است که انسان زیاد یاد کند هر که را که دوست می دارد.

و مرقوم است که عامّه و خاصّه روایت کرده اند: مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) سؤال کرد که قیامت چه وقت خواهد بود؟ آن حضرت فرمودند که چه چیز مهیّا کرده ای برای آن روز و چه عملی به جای آورده ای؟ عرض کرد: نماز و روزه و صدقه و غیره آماده کرده ام و اما آنقدر هست که خدا و حبیب او حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و اله و سلم) را بسیار دوست می دارم. آن حضرت فرمودند: تو با آن کسی خواهی بود که او را دوست می داری و این بشارتی است عظیم برای تهی دستان متاع اعمال و عبادات.

مخفی مباد هر گاه خبری یا عبارتی در این اوراق تکرار نشده به واسطه تعدّد

مدارک آن ها است. در کتاب عیون و خصال صدوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده است در جمیع مواطن در وقت عطسه و در وقت وزیدن بادهای صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) واجب است (۱).

و از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات نفرستد دین برای او نخواهد بود و آن چه برای تارک صلوات در وقت ذکر نام مبارک آن حضرت مقرر است چند چیز است، اول آن که داغ شقاوت بر پیشانی او نهند و نشانه بدبختی در احوالش ثبت کنند.

چنانچه شیخ احمد بن فهد حلّی در کتاب عدّه الدّاعی از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده که شقی ترین مردم کسی است که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد. و ابن بابویه هم از جابر بن عبدالله روایت نموده است به همین قسم و به طریق عامّه از ابن مالک روایت شده رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل (علیه السلام) دعا کرد و گفت که شقی و بدبخت باد کسی که اسم تو را بشنود و صلوات بر تو نفرستد.

موسی بن اسماعیل از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) روایت کرده است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بر خاک مالیده باد بینی کسی که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد (۲).

و ابن بابویه و شیخ مفید از حضرت سید الساجدین (علیه السلام) روایت کرده اند پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بخیل کامل آن کسی است که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد (۳). و عامّه همین حدیث را از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و ابوذر روایت کرده اند و چون کسی صلوات فرستاد خداوند متعال مطابق اخبار ده صلوات بر او می فرستد و کسی که از چنین فیضی به جهت ترک صلوات خود را محروم دارد بخیل ترین بخیلان است.

ص: ۹۱

۱- ۱. بحار الأنوار ۵۴/۷۳، ح ۹ - الخصال ۲/۶۰۷، ح ۹.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۷۲، ح ۶۷ - مستدرک الوسائل ۷/۴۸۰، ح ۸۷۰۳.

۳- ۳. بحار الأنوار ۹۱/۶۱، ح ۴۷.

دیگر آن که در خبر دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که اس-م مرا بشنود و بر من صل-وات نفرست-د بر من جف-ا کرده است.

در کتاب کافی و مکارم الأخلاق و عدّه الدّاعی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر مجلسی که منعقد شود و اهل آن مجلس یاد خدا نکنند و بر من صلوات نفرستند، آن مجلس بر ایشان حسرت و وبال خواهد بود (۱). و به طریق عامّه از جابر روایت شده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و بر من صلوات نفرستند، با بوی بدی متفرّق خواهند شد. در کتاب کافی و ابوسعید خُدری هم در جای دیگر منقول دارد که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: اهل مجلسی که بر من صلوات نفرستند در قیامت حسرت برای آن ها خواهد بود اگر چه داخل بهشت شوند. و شیخ طوسی^۲ از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده و در کتاب کشف الغطاء هم در باب دعای صلوات مرقوم است. همچنین تحفه الطّوسیه هم دارد که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که فراموش کند صلوات فرستادن بر من را، از راه بهشت بیرون افتاده است (۲).

و ابن بابویه^۳ از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است: هر که دعا کند و نام مبارک آن حضرت را در دعا مذکور نکند آن دعا به راه بهشت نخواهد رفت. و در اخبار عامّه از ابن مسعود روایت شده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: روز قیامت به قومی از امت من فرمان رسد که داخل بهشت شوند ایشان راه را گم کرده و متحیر مانند بعضی از صحابه عرض کردند: یا رسول الله! سبب این گمراهی چیست؟ فرمودند: آن ها نام مرا شنیده اند و بر من صلوات نفرستاده اند.

در کافی از ابن بابویه^۴ منقول است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که اسم مرا بشنود و بر من صلوات نفرستد داخل در آتش خواهد شد و خداوند او را دور خواهد گردانید.

ص: ۹۲

۱- ۱. الکافی ۲/۴۹۷، ح ۵ - مکارم الأخلاق / ۲۷۵.

۲- ۲. ثواب الأعمال / ۲۰۶ - مستدرک الوسائل ۵/۳۵۲، ح ۶۰۶۵.

و از کتاب عوالی اللئالی نقل شده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: خداوند دو ملک را بر من موکل فرموده است چون بنده اسم مرا بشنود و بر من صلوات فرستد آن دو ملک به او می گویند: خدا تو را بیامرزد و خدا و ملائکه می گویند: آمین و اگر صلوات نفرستند آن دو ملک می گویند: خدا تو را نیامرزد و خدای تعالی و ملائکه می گویند: آمین. همچنین در کتب عامه مذکور است از حضرت صادق (علیه السلام) و در کتاب تحفه الطوسیّه هم دارد و در کتاب منیه المرید که از تألیفات شیخ سعید زین الدین شهید ثانی ۱ است از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده: مردی در بصره کتابت حدیث می نمود، چون به نام مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسید از روی عمد صلوات نوشتن را ترک می کرد، اندک زمانی آکله (۱) در انگشتانش افتاد و جدا شد.

و مرقوم است کاتب دیگری چون در کتابت به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسید می نوشت «صلی الله علیه و اله و سلم» بعد از فوت او را در خواب دیدند. احوالش را از او سؤال کردند، جواب داد: گناهان مرا با صلواتی که بعد از اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نوشته بودم «صلی الله علیه و اله و سلم» سنجیدند، ثواب صلوات زیادتر بود، مرا بخشیدند. و یکی از علمای عامه نقل نموده: شیخ حسن فانی را بعد از وفات در خواب دیدم که به آب طلا- یا چیزی شبیه به آن بر انگشت او چیزی نوشته بود، پرسیدم: این نوشته چیست که بر انگشتان تو می باشد؟ فرمودند: چون در کتابت به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم می نوشتم: «صلی الله علیه و اله و سلم» بدین جهت بر انگشتان من، این را نوشته اند.

و در امالی سرخسی و تحفه الطوسیّه مرقوم است یکی از علماء عامه نقل نموده که یکی از کُتاب جزوه ای در حدیث برای من نوشته بود و در هر جا که به اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) رسیده بود نوشته بود «صلی الله علیه و اله و سلم» کثیراً کثیراً کثیراً، من سبب آن مبالغه را از وی پرسیدم، گفت: هر وقت که من حدیث

ص: ۹۳

می نوشتم چون به اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدم در گفتن و نوشتن صلوات تکاهل می نمودم تا این که شبی آن حضرت را در خواب دیدم سلام کردم روی مبارک را از من گردانیدند تا سه مرتبه، مرتبه چهارم عرض کردم: چرا روی مبارک را از من می گردانید؟ فرمودند: به جهت این که چون ذکر من می کنی صلوات نمی گویی و نمی نویسی. از آن وقت تا به حال به این نحو که می بینی کتابت می کنم و صلوات می نویسم، در کشف الغطاء هم در کتاب دعا مرقوم است.

در فصل سوّم از کتاب مرقوم از ابن بابویه^۱ از ابو حمزه ثمالی روایت

می کند که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه صلوات بفرستم؟ فرمودند: می گویی «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ». عرض کردم: چه خواهد بود ثواب کسی که به این نحو صلوات بر آن حضرت فرستد؟ فرمودند: به خدا قسم که از گناهان بیرون می آید مثل روزی که از مادر متولد شده است^(۱).

ابن بابویه از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات فرستد و بر آل من نفرستد، بوی بهشت به او نخواهد رسید^(۲).

بشارت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)

و أَيْضاً ابن بابویه و سید بن طاووس^۳ به اسانید مختلفه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: یا علی! می خواهی تو را بشارت دهم؟ عرض کردند: بلی. فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و مرا خبر داد و گفت: هر که از امت تو بر شما و آل شما صلوات فرستد درهای

ص: ۹۴

۱- ۱. معانی الأخبار ۱/۳۶۵، ح ۱ - وسائل الشیعه ۷/۱۹۷، ح ۹۱۰۰ - بحار الأنوار ۹۱/۵۵، ح ۲۷.

۲- ۲. امالی شیخ طوسی (رحمت الله) ص ۴۲۴، ح ۹۴۸ - وسائل الشیعه ۷/۲۰۳، ح ۹۱۱۶ - بحار الأنوار ۹۱/۴۸، ح ۴.

آسمان برای او گشوده شود و ملائکه هفتاد صلوات برای او می فرستند و تمام گناهان او ریخته شود مثل برگ از درخت و خداوند به او خطاب فرماید: «لَيْتِكَ يَا عَبْدِي وَسَيِّدَيْكَ» پس به ملائکه می فرماید که ای ملائکه من، شما بر او هفتاد صلوات فرستادید و من بر او هفتصد صلوات می فرستم الی آخر (۱).

خلاصه در صلوات فوائد کثیره است چون خداوند در آیه صلوات خبر داده که خودش بر آن حضرت صلوات فرستاده پس صلوات فرستادن بر آن حضرت که خدا بر او صلوات می فرستد موجب حصول فیض ربّانی و وصول به منازل جاودانی خواهد شد، به واسطه امتثال و اطاعت امر الهی که در آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ...» وارد شده است و معلوم است که اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) موجب فیروزی و رستگاری است «كما قال الله تعالى: وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (۲).

دیگر مشرف شدن به صلوات و سلام الهی است چنان که در کتاب جامع الأخبار روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل مرا ملاقات نمود و بشارت داد مرا به این که خداوند می فرماید هر که بر تو صلوات فرستد بر او صلوات می فرستم و هر که بر تو سلام کند من بر او سلام می کنم و من برای این بشارت سجده شکر به جای آوردم.

و کلینی^۱ به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من صلوات فرستد خدا و ملائکه بر او یکصد صلوات می فرستند.

و نیز کشف الغطاء هم در کافی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که چون اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) مذکور شد بسیار بر ایشان صلوات بفرستید، زیرا هر که بر آن حضرت یک صلوات بفرستد خداوند هزار مرتبه در هزار هزار از ملائکه بر او صلوات می فرستد و چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی ماند مگر آن که بر آن بنده صلوات

ص: ۹۵

۱- ۱. امالی شیخ صدوق (رحمت الله)، مجلس ۸۵، ح ۱۱ - بحار الأنوار ۹۱/۵۶، ح ۳۰ - مستدرک الوسائل ۵/۳۵۴، ح ۶۰۷۱.

۲- ۲. احزاب/۷۱.

می فرستند به واسطه این که خدا و ملائکه بر او صلوات می فرستند، پس هر که رغبت در آن ننماید جاهل و مغرور است و خدا و رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت آن حضرت: از او بیزارند(۱).

و در ثواب الأعمال و جمال الأسبوع و مکارم الأخلاق و در کافی مرحوم کلینی^۲ روایت نموده: حضرت صادق(علیه السلام) به اسحاق بن فرخ فرمودند: هر که یک صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) خداوند هزار مرتبه در هزار هزار از ملائکه بر او صلوات می فرستد آیا نشنیده ای قول حق تعالی را که می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»(۲)»(۳).

در مُسند احمد حنبل و چند کتاب دیگر از کتب عامه، مذکور است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بر من یک صلوات فرستد خداوند بر او ده صلوات فرستد و ده گناه او را بیامرزد و مقام او را ده درجه بالا و بلند گرداند(۴).

خلاصه پس ملائکه به حکم (يُصَلِّونَ) که در آیه مبارکه صلوات است، پیوسته به فرستادن صلوات مشغول اند و چون کسی دائماً مشغول صلوات باشد به ملائکه شباهت پیدا می کند در ذکر صلوات و ملائکه بر او صلوات می فرستند و برای او استغفار می کنند و اخبار دالّ بر آن بسیار است.

بشارت جبرئیل به پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

در کتاب جامع الأخبار از عبدالله بن عوف روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: جبرئیل آمد نزد من و مرا بشارت داد به این که خداوند می فرماید: هر بنده ای که بر تو صلوات فرستد هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند و

ص: ۹۶

۱- ۱. الکافی ۲/۴۹۲- ثواب الأعمال / ۱۵۴- مکارم الأخلاق / ۳۱۲- بحار الأنوار ۹۱/۶۵ ، ح ۳۰- وسائل الشیعه ۷/۱۹۳ ، ح ۹۰۹۰ .

۲- ۲. احزاب/ ۴۳ .

۳- ۳. الکافی ۲/۴۹۳ ، ح ۱۳- وسائل الشیعه ۷/۲۰۰ ، ح ۹۱۰۹ .

۴- ۴. بحار الأنوار ۹۱/۶۴ .

هر که هفتاد هزار ملک بر او صلوات فرستند، از اهل بهشت خواهد آمد(۱).

همچنین در کتاب شرح صلوات از کتاب عیون المجالس که آن نیز از کتب عامّه است روایت کرده و آقای آقا شیخ نور الدین واعظ خراسانی^۲ هم در کتابچه فوائد الصلوات خود از کتاب جامع الأخبار، که منادی از عالم غیب ندا کند خداوند بر این بنده ده بار صلوات فرستاد و چون این ندا به اهل آسمان اول رسد هزار بار بر آن افزایشند و همچنین تا این که نزدیک سدره المنتهی می رسد، به هفت هزار خواهد رسید. پس خداوند به ملائکه خطاب نماید شما از عهده صلوات بنده من بیرون نتوانید آمد آن را به من واگذارید تا آن که من جزای او را بدهم و جزای او این است که گناهان او را بیامزم.

صلوات سبب حصول قرب به خدا می گردد:

چنان چه ابن بابویه^۳ در کتاب علل الشرایع به سند خود از امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده است که خداوند حضرت ابراهیم (علیه السلام) را خلیل خود گردانید برای آن که بر حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) صلوات بسیار می فرستاد(۲). و در کتاب تحفه الطوسیّه از ابوالفرج بغدادی و در کتاب شرح صلوات هم از کتاب روضه العلماء هر دو نقل می کنند که خداوند به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) وحی نمود که می خواهی من به تو نزدیک تر باشم از کلام تو به زبان تو و از روح تو به بدن تو؟ حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) عرض کرد: بلی. خطاب رسید: چون طالب این سعادت هستی بسیار بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات بفرست، زیرا که صلوات بر وی رحمت و نور هدایت است.

ص: ۹۷

۱- ۱. جامع الأخبار / ۶۰ - بحار الأنوار ۹۱/۶۴ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۵، ح ۶۰۳۲.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۵۴، ح ۲۳.

و نیز مرقوم است از کتاب شفاء الأسقام که از کتب عامه است خداوند به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) وحی فرمودند: من در وقت سخن گفتن با تو ده هزار گوش در تو آفریدم تا کلام مرا بتوانی بشنوی و ده هزار زبان به تو ارزانی داشتم تا جواب مرا بتوانی داد و با این همه کیفیت وقتی به من نزدیک تر و محبوب تری که بر حیب من صلوات بفرستی.

دیگر آن که صلوات موجب حصول رضای خدا است:

چنان چه سید بن طاووس^۲ در کتاب جمال الأسبوع از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: صلوات فرستادن شما بر من باعث روا شدن حوائج شماست و خدا را از شما راضی می گرداند و اعمال شما را پاکیزه می کند.

دیگر موجب حصول قُرب به حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) می گردد:

چنان چه ترمذی در صحیح خود از ابن مسعود از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند و در کتاب جامع الأخبار و مکارم الأخلاق هم دارد از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند که سزاوارترین مردم در روز قیامت کسی است که در دار دنیا به من بیشتر صلوات فرستد.

اول کسی که در روز قیامت حله ی بهشتی می پوشد

و از بعضی از کتب عامه مذکور است که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در روز قیامت اول کسی که حله بهشتی پوشد من و پدرم ابراهیم خواهیم بود که در طرف راست و چپ عرش بر کرسی نشسته باشیم و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مقابل من بایستد و تمام امت در عقب سر من بایستند با تفاوت درجات و هر کسی که در عقب هر نماز فریضه ده مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد او را در نزد من جا می دهند و مرا ببیند و من او را بینم و روی او مانند ماه شب چهارده تابان باشد.

دیگر آن که موجب حصول شفاعت آن حضرت است:

چنان چه در کتاب جامع الأخبار است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) فرمودند: یا علی! هر که در هر روز یا در هر شب بر من صلوات فرستد شفاعت من برای او واجب می شود، هر چند که از اهل گناهان کبیره باشد. چنان چه روایت شده است شخصی از آن جناب پرسید: صلوات فرستادن امت ارسال تحفه ای است به نزد شما آیا از جانب شما هم تحفه ای برای ایشان خواهد بود؟ آن حضرت فرمودند: امروز صلوات امت بر من تحفه ای است از ایشان و فردا تحفه من در بهشت برای ایشان خواهد بود.

عَلَّتْ اَشْرَفِيَّتْ پيغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر پیغمبران ماقبل

و در کتاب ارشاد القلوب در سؤال یهودی از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در اشرفیت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از سایر پیغمبران (علیهم السلام) که طولانی است، محلّ شاهد این که آخر خبر دارد حضرت فرمودند: هر که بعد از وفات آن حضرت هم صلوات بر آن حضرت بفرستد آن جناب بر آن مطلع می شود و صلوات و سلام او را جواب می دهد (۱).

و در کتاب جامع الأخبار مرقوم است رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: خداوند ملکی را موکل گردانید که در قبر من داخل شود مثل این که یکی از شماها هدیه از برای کسی می برید آن ملک می گوید: فلان کس بر تو صلوات فرستاده است و اسم او را با اسم قبیله اش می گوید و آن را در صفحه سفیدی در نزد من ثابت می گرداند.

در کتاب عدّه الدّاعی از جابر روایت کرده است از حضرت صادق (علیه السلام) و در کتاب جمال الأسبوع هم قریب به این نحو از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند: ملکی از خدا سؤال نمود که به او عطا فرماید شنیدن صدای بندگان را، خداوند به او

ص: ۹۹

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۶۹، ح ۵۹ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۲، ح ۶۰۲۰.

عطا فرمودند و آن ملک تا قیامت بر پا خواهد بود و هر مؤمنی بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد آن ملک می گوید: و علیک السّلام پس خدمت حضرت عرض می کند رسول الله فلان کس بر تو سلام فرستاد آن حضرت می فرماید و علیه السّلام(۱).

و در سنن ابی داود که از کتب عامّه است روایت شده پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بر من صلوات بفرستید که صلوات شما به من می رسد در هر کجا که باشد.

و خاصّه و عامّه در بسیاری از کتب خود روایت کرده اند که آن حضرت فرمودند: هر که در نزد قبر من بر من صلوات فرستد من می شنوم و هر که دور باشد و صلوات فرستد به من می رسد.

و در کتاب روضه العلماء که از کتب عامّه است مذکور است: هر بنده ای که یک بار بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد، خدای تعالی فرشته ای را می فرستد که زودتر از چشم بر هم زدن آن ذکر صلوات را به روضه مطهره آن حضرت می برد و در مقابل روضه ایستاده عرض می کند: یا رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) فلان بن فلان صلواتی فرستاده است. آن حضرت فرماید ده درود از من به او برسان و به او بگوی که اگر به جای این ده درود من یکی می بود، تو را به بهشت می رسانید و با من بودی مانند سبّابه و وسطی و شفاعت من به تو می رسید اکنون که ده درود است بین که مرتبه تو چه خواهد بود؟ پس همان ملک به سوی آسمان بالا رود و در نزدیک عرش می ایستد و عرض می کند: خداوندا! فلان یا فلانه بر حیب تو یک بار صلوات فرستاد خطاب رسد که ده درود از من به او برسان و بگو که اگر از این ده یکی بود هرگز آتش دوزخ به تو نمی رسید و اکنون که ده است بین که مقام تو چقدر خواهد بود. پس حق تعالی به آن ملک فرماید که این صلوات را در علّیین برای بنده من ذخیره کن.

ص: ۱۰۰

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۷۰، ح ۶۱، امالی شیخ طوسی (رحمت الله) ۶۷۸/، ح ۱۴۳۷ - عدّه الدّاعی ۱۶۵/ - وسائل الشّیعه ۱۲/۷۱ ح ۱۵۶۷۰- مستدرک الوسائل ۵/۳۳۲، ح ۶۱۰۸.

در بعضی از کتب عامّه مسطور است خداوند گروهی از ملائکه را آفریده و آن‌ها را در هوا باز داشته، قلم‌هایی از نور و صفحه‌هایی از نور در دست ایشان است و شغل آن‌ها این است که هر کس صلوات فرستاد بر آن حضرت و اهل بیت ایشان (علیهم السلام)، آن‌ها در آن صفحه‌ها می‌نویسند.

و نیز مذکور است آن ملکی که صلوات مؤمنان را بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می‌رساند، چهار بال دارد یکی به مشرق است و یکی به مغرب و یکی در زیر عرش و یکی در روضه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، چون آن ملک صلوات آن بنده را به عرض حضرت رساند آن حضرت می‌فرماید: آن نزد من امانت است و در روز قیامت به آن بنده خواهم رسانید. أَيْضاً مَرْقُومٌ اسْتِ چُونِ مَلَائِكَةٍ نَامِ بِنْدَةٍ اِی رَا بَر صَفْحَةِ صَلَوَاتِ نَوِیْسِنْدِ خِدَاوَنْدِ اَمْرٍ فَرْمَایِدِ کِه اَنْ رَا دَر خَزَانِهْ غِیْبِ سِپَارَنْدِ و قَوْلِ دِیْگَرِ اَنْ کِه اَوْ دَر نَزْدِ پِیْغَمْبَرِ (صَلِی اَللّٰهْ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاَسْلَمَ) اسْتِ تَا رَوْزِ قِیَامَتِ ، چُونِ اَنْ بِنْدِهْ گِرَفْتَارِ شُودِ اَنْ حَضْرَتِ اَنْ صَحِیْفَهْ رَا بِیْرُونِ مِی آوَرْدِ و اَوْ رَا بِهْ وَاَسْطَهْ صَلَوَاتِ فَرْسْتَادَنْ نِجَاتِ مِی دِهْدِ .

صلواتی که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در کفّه میزان می‌گذارند

چنانچه در کتب مرقوم است من جمله در تحفه الطوسیّه از کتاب روضه العلماء و مجمع اللطایف از عبدالله نقل می‌کند و در کشف الغطاء هم دارد و در نور العیون هم نیز مرقوم است که در روز قیامت بنده ای از این امت را به نزد میزان می‌آوردند و اعمال او را می‌سنجند، کفّه حسنات او سبک و کفّه سیئات او سنگین است، امر می‌شود تا او را به دوزخ برند، آن بنده از ملائکه می‌پرسد، درباره من چه حکمی صادر گردیده؟ ملائکه می‌گویند: امر شد که تو را به جهنم ببرند. آن مرد گریان می‌شود و می‌گوید: مرا بگذارید تا زمانی بر حال خود گریه کنم، ملائکه می‌گویند: در این جا گریه فائده ای ندارد، می‌خواستی در دنیا این کار را بکنی. آن بنده گوید هرگز این گمان را به خدای خود نداشتم مرا که از امت

پیغمبر آخرالزمان محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) هستم با یهود و نصاری در یک جا جمع کند! ملائکه گویند: پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در سایه عرش بر کرسی نشسته، حضرتش را بخوان تا به فریاد تو رسد. آن بنده فریاد زند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَغْنِنِي» آن حضرت چون صدای او را بشنود کنار دوزخ آید و به ملائکه امر نماید: این بنده را به من واگذارید تا یک مرتبه دیگر اعمال او را در میزان گذارم خطاب رسد: ملائکه واگذارید تا بار دیگر حیب من، اعمال او را بسنجد، چون نامه او را بسنجد گناهان او سنگینی کند آن حضرت صحیفه ای بیرون می آورد که در او از نور چیزی نوشته شده است و آن را در کفّه حسنات او گذارد. فی الحال حسنات او سنگین می شود پس خطاب رسد: بنده مرا به بهشت برید، چون آن بنده بر در بهشت رسد آن حضرت را ملاقات نماید، عرض کند: شما که هستید و آن نوشته چه بود که حسنات مرا سنگین کرد؟ آن حضرت می فرماید: من هستم پیغمبر تو که به من استغاثه نمودی و آن نوشته صلواتی بود که در دار دنیا بر من فرستادی.

در نور العیون مرقوم است شخصی بود بسیار زاهد و با کسی مراوده

نمی کرد. روزی پای منبر واعظی آمد، مردم به او گفتند: خیلی عجیب است! امروز شما در جامعه حاضر شده اید سبب آن چیست، او گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را در خواب دیدم به من فرمودند: برو به مجلس وعظ فلان واعظ که بر من بسیار صلوات می فرستد و من از او خوشنودم.

همچنین در آن کتاب مرقوم است و نیز در تحفه الطوسیّه هم از کتاب تحفه الصّیلموات ملا محمد حسین کاشفی نقل می کند: مردی از اهل مرو گفت: من در صلوات فرستادن کاهلی می کردم. شبی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را در خواب دیدم به من هیچ التفاتی نفرمودند من عرض کردم که یا رسول الله (صلی الله علیه و اله و سلم) سبب بی مرحمتی شما چیست، فرمودند تو را نمی شناسم به تو چه التفاتی کنم، عرض کردم: من یکی از امتان شمایم و از علماء شنیده ام که پیغمبران اُمت خود را بهتر

می شناسند و آن ها را دوست می دارند! فرمودند: معرفت من به امّت به قدر فرستادن صلوات ایشان بر من است و چون تو مرا به صلوات یاد نمی کنی، من چگونه تو را بشناسم و به چه وجه از تو خوشنود باشم.

من از خواب بیدار شدم و بر خود لازم گردانیدم که هر روز یکصد مرتبه صلوات بفرستم و خداوند هم توفیق او را به من داد. بعد از مدّتی باز آن حضرت را در خواب دیدم و به من التفات بسیار نمودند و فرمودند: اکنون تو را می شناسم و از تو خوشنود هستم و روز قیامت شفیع تو خواهم بود.

و ابن بابویه^۲ در کتاب امالی و در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) از حضرت رضا (علیه السلام)

روایت شده: صلوات فرستادن در نزد خدا با تسبیح و تهلیل و تکبیر معادل است (۱).

و در کتاب علل الشرایع از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: هر که خدا را یاد کند ده حسنه برای او نوشته شود و هر که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را یاد کند ده حسنه برای او نوشته شود، زیرا که خداوند آن حضرت را قرین خود گردانیده و یاد آن حضرت عبادت است.

چنان که در کتاب اختصاص از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده است: یاد خدا کردن عبادت و یاد کردن من نیز عبادت است و یاد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عبادت است و یاد کردن امامان از اولاد امیرالمؤمنین (علیهم السلام) نیز عبادت است (۲).

و در کتاب جامع الأخبار به دو روایت از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است که هر کسی یک بار بر من صلوات فرستد، از گناهان او ذره ای باقی نماند (۳).

در ثواب الأعمال روایت است هر که یک بار بر من صلوات فرستد و آن را به دو ملکی که حافظ اویند بشنوند (امانت بگذارد) آن دو ملک تا سه روز هیچ گناه بر او نمی نویسند.

ص: ۱۰۳

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۴۸، ح ۲ - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ۷۳/، ح ۴ - عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۲۹۴، ح ۵۲ - وسائل الشیعه ۷/۱۹۴، ح ۹۰۹۴ - جامع الأخبار ۶۰/.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۶۹، ح ۵۸ - مستدرک الوسائل ۵/۲۸۳، ح ۵۸۶۱.

۳- ۳. بحار الأنوار ۹۱/۶۳.

و در ثواب الأعمال و جامع الأخبار از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت شده: صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در محو کردن گناهان شدیدتر است از فرو نشاندن آب آتش را و سلام کردن بر آن حضرت افضل است از بنده آزاد کردن در راه خدا و دوستی آن حضرت از شهید شدن در راه خدا، یا از شمشیر زدن در راه خدا بهتر است.

و در کتاب دعوات راوندی از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است کسی که هر روز از روی شوق و محبت بر من سه مرتبه صلوات فرستد، بر خدا لازم است تا گناهان آن شب و روز او را بیامرزد و به همین نحو نیز در کتب عامه مذکور است.

و در کتاب جامع الأخبار و جلد نوزدهم بحار الأنوار علامه مجلسی؛ از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است که هر کسی در روز جمعه یکصد مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند گناه هشتاد ساله او را بیامرزد.

و نیز مرقوم است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خدا به او ثواب هفتاد و دو شهید عطا فرماید و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد.

و در بعضی از کتب عامه مذکور است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که مرا یاد کند و بر من صلوات فرستد، خداوند جمیع گناهان او را بیامرزد اگر چه به عدد ریگ عالیج باشد و عالیج نام موضعی است که ریگ در آن جا از سایر مواضع بیشتر است.

در اخبار دارد هر که دعا نکند و از خدا چیزی سؤال نکند، خدا بر او خشم می فرماید.

در کتاب مکارم الأخلاق از سدید صیرفی روایت کرده است که گفت: از امام محمد باقر (علیه السلام) پرسیدم که کدام عبادت افضل است؟ فرمودند: هیچ چیز در نزد خدا از آن محبوب تر نیست که از او سؤال نمایند و چیزی طلب نمایند و هیچ کس در نزد خدا مبعوض تر نیست از آن کس که از عبادت خدا استکبار نماید و از خدا چیزی سؤال نکند.

در کافی کلینی و ابن بابویه از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده اند: مردی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و عرض کرد: من ثلث دعای خود را به جهت شما قرار می دهم، فرمودند: خوب می کنی. عرض کرد: نصف آن را برای شما قرار می دهم، فرمودند: بسیار خوب. عرض کرد: همه آن را برای شما قرار دادم، فرمودند: خداوند امور دنیا و آخرت تو را کفایت خواهد فرمودند.

راوی می گوید: من خدمت امام (علیه السلام) عرض کردم: چگونه دعای خود را برای آن حضرت قرار می دهید؟ فرمودند: از خدا چیزی سؤال نمی کند مگر آن که به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) ابتدا می کند.

در صحیح ترمذی که از کتب عامه است به همین نحو روایت کرده به زیادتی آن که خداوند تمام گناهان او را خواهد آمرزید.

صلوات سبب استجاب دعا

و در کتاب کفایه الأثر فی فضل الائمه الاثنی عشر از ابوذر و در کتاب ثواب الأعمال از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و شیخ طوسی؛ در جمال الأسبوع و در کافی از هشام بن سالم روایت کرده که امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: دعا محجوب و ممنوع است تا این که بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) صلوات فرستاده شود (۱).

و شیخ طوسی؛ در کتاب امالی ذکر کرده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: صلوات فرستادن شما بر من موجب اجابت دعای شما می شود و اعمال شما را پاکیزه می گرداند.

و در کتاب دعوات راوندی از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند: هر که یک مرتبه از روی اخلاص و نیت قلبی بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد خداوند یکصد حاجت او را بر آورد. (سی حاجت در دنیا و هفتاد حاجت در آخرت) (۲).

ص: ۱۰۵

۱- ۱. کافی ۲/۴۹۱، ح ۱ - مکارم الأخلاق / ۲۷۴.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۷۰، ح ۶۳ - مستدرک الوسائل ۵/۳۲۱، ح ۶۱۰۵.

در کتاب نوادر راوندی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر کس یکصد مرتبه بر من صلوات فرستد، خدا یکصد حاجت او را بر آورد و از این قبیل اخبار در کتب فریقین بسیار است که از حد بیرون است.

دیگر از فوائد صلوات وفا کردن به میثاق و عهدی است که در روز الست از خلق گرفته شده؛ چنان چه از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) منقول است: هر که بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد معنی او این است که من بر میثاق باقی هستم در وقتی که خداوند فرمودند: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (۱) و خلائق قبول نمودند و الحال وفا نمودم (۲).

دیگر آن که موجب رفع نفاق است؛ چنان چه ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بلند کنید آوازهای خود را در صلوات فرستادن بر من زیرا که او نفاق را بر طرف می کند. در کافی هم نیز مذکور است (۳).

دیگر موجب صلوات فرستادن جمیع خلائق است بر صلوات فرستنده بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)؛ چنان چه در فوائد قبل از کافی و ثواب الأعمال و جمال الأسبوع و مکارم الأخلاق نقل شده است.

و حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: چون اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) مذکور گردد بسیار صلوات بر آن حضرت بفرستید، زیرا که هر که بر آن حضرت یک صلوات فرستد خداوند هزار صلوات بر او فرستد و هزار هزار صف از ملائکه، و چیزی از مخلوقات خدا باقی نمی ماند مگر آن که برای آن بنده صلوات می فرستند، برای این که خدا و ملائکه بر او صلوات می فرستند، الی آخر (۴).

ص: ۱۰۶

۱- ۱. اعراف/ ۱۷۲.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۵۴، ح ۲۵ - معانی الأخبار / ۱۱۶ - مختصر البصائر / ۳۹۶، ح ۴۵۱.

۳- ۳. بحار الأنوار ۹۱/۵۹، ح ۴۱ - الکافی ۲/ ۴۹۳، ح ۱۳ - ثواب الأعمال / ۱۵۹ - مکارم الأخلاق / ۳۱۲ - وسائل الشیعه ۷/۲۰۰، ح ۹۱۰۸.

۴- ۴. بحار الأنوار ۹۱/۵۷، ح ۳۲ - الکافی ۲/ ۴۹۲، ح ۶ - ثواب الأعمال / ۱۵۴ - مکارم الأخلاق / ۳۱۲ - جمال الأسبوع / ۲۳۶ - وسائل الشیعه ۷/۱۹۳، ح ۹۰۹۰.

ذکر صلوات بهترین اعمال

دیگر آن که صلوات بهترین اعمال است در قیامت؛ چنان چه در دعوات راوندی از ابن عباس روایت کرده است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در عالم رؤیا حضرات حمزه و جعفر طیار^۷ را دیدم که در پیش روی ایشان طبقی بود از کُنار^(۱) و ساعتی از آن خوردند. پس آن کُنار، انگور شد و قدری از آن خوردند. آن انگور، رطب شد و قدری هم از آن خوردند. پس من به نزد ایشان رفتم و از آن ها سؤال کردم: کدام عمل را بهتر یافتید؟ گفتند: بهترین اعمال را فرستادن صلوات بر شما یافتیم و تشنه ها را آب دادن و دوستی علی بن ابیطالب «صلوات الله و سلامه علیه»^(۲).

دیگر موجب پاکیزه شدن اعمال است؛ چنان که در کتب فریقین به طرق بسیار از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت است صلوات فرستادن شما بر من موجب پاکیزه شدن اعمال شما است.

دیگر موجب حصول عافیت است؛ چنان چه در جامع الأخبار از رسول مختار (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت است هر کس یک مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند دری از عافیت بر وی گشاید^(۳).

و ابن بابویه^۴ در کتاب امالی مرقوم می دارد: حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بعد از شهادت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) خطبه ای خواندند و در اثناء خطبه فرمودند: مردم با اقرار به شهادتین داخل بهشت خواهید شد و به صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، رحمت را خواهید یافت، پس بسیار صلوات بفرستید بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به درستی که خدا و ملائکه بر آن حضرت صلوات می فرستند^(۴).

ص: ۱۰۷

۱-۱. کُنار: میوه ای باشد سرخ شبیه به عَنَاب لیکن از عَنَاب بزرگ تر است و در هندوستان بسیار می باشد و شیرین و نازک یافت می شود، به عربی آن را سدر می گویند.

۲-۲. بحار الأنوار ۹۱/۷۰ - مائه منقبه ابن شاذان - الدّعوات راوندی / ۹۰، ح ۲۲۷ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۱، ح ۶۰۱۶.

۳-۳. بحار الأنوار ۹۱/۶۳ - جامع الأخبار / ۵۹ - وسائل الشیعه ۵/۳۳۳، ح ۶۰۲۱.

۴-۴. بحار الأنوار ۹۱/۴۸، ح ۳ - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ۳۲۱ - مستدرک الوسائل ۵/۳۴۱، ح ۶۰۴۷.

دیگر آن که موجب قبولی طاعات است؛ چنان چه در کتب فریقین مذکور است به طرق متعدده که اگر بنده ای در روز قیامت بیاید با جمیع حسنات اهل دنیا و با آن ها صلوات نباشد آن حسنات قبول نخواهد شد.

صلوات سبب منع غیبت

دیگر سبب خلاصی از غیبت است؛ چنان چه مرقوم است در نورالعیون و کتاب آثار که روزی یکی از اولیاء به حضرت الیاس و خضر (علی نبینا و آله و علیهما السلام) شکایت کرد که مردم غیبت بسیار می کنند و آن از گناهان کبیره است و هر چند آن ها را منع می کنم ترک نمی کنند حضرت الیاس (علی نبینا و آله و علیه السلام) فرمودند: چاره این

کار آن است که چون کسی به مجلس تو وارد شود به او بگو بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» خداوند ملکی را بر اهل آن مجلس موکل می گرداند که هر گاه کسی شروع در غیبت کند، آن ملک او را از آن باز دارد و از خدا سؤال نماید تا آن قوم را از غیبت کردن نگاه دارد پس حضرت فرمودند: چون کسی در وقت بیرون رفتن از مجلس بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» خداوند ملکی را می فرستد تا این که نگذارد اهل آن مجلس غیبت او را نمایند.

صلوات سبب رفع فقر

دیگر آن که صلوات سبب توانگری و غناست؛ چنان چه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت است که فرمودند: بسیار یاد کردن خدا و بر من صلوات فرستادن موجب برطرف شدن فقر می شود و رفع احتیاج او می شود و مرقوم است از طرف عامه که از سهل بن سعد بن سعد روایت کرده اند که مردی خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) آمد و از فقر شکایت نمود، آن حضرت فرمودند: چون داخل خانه شوی سلام کن خواه کسی

در خانه باشد یا نباشد و بر من صلوات و سلام بفرست و بعد از آن سوره «اخلاص» را بخوان. آن مرد چنان کرد در اندک زمانی توانگر گردید.

و مرقوم است از کتاب حکایات الصالحین و در کتاب نورالعیون هم می نویسد و در باب هفتم لثالی الأخبار هم مرقوم است و عین عبارت این است:

«رُویَ أَنَّ فَقِيرًا شَكَا إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) مِنْ شِدَّةِ الْفَقْرِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم) إِنَّ أَرَدْتَ أَنْ يُغْنِيَنَّكَ اللَّهُ صَيْلٌ عَلَيَّ وَ عَلَى آلِي حَتَّى أَرْسِلَ اللَّهُ إِلَيْكَ رِزْقَكَ مِنَ السَّمَاءِ فَاشْتَغَلْ بِهَا فَمَا مَضَى إِلَّا أَيَّامًا مَرَّ عَلَى مَحْزُوبِهِ فَوَقَعَ رِجْلُهُ عَلَى لُبْنِهِ فَتَحَرَّكَتْ مِنْ مَكَانِهَا فَرَأَى كُوزًا مِمَّا وَ أَمِنَ الدَّهْبُ تَحْتَهُ فَقَالَ فِي نَفْسِهِ إِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و اله و سلم) قَالَ: يَأْتِيكَ رِزْقُكَ مِنَ السَّمَاءِ وَ هُوَ صَادِقٌ وَ هَذَا لَيْسَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَرَكَهُ وَ جَاءَ إِلَى بَيْتِهِ وَ حَكَى الْقِصَّةَ لِرِوَجْتِهِ» (۱).

خلاصه ترجمه خبر، چون مرد فقیر قصه را برای زوجه خود بیان کرد. همسایه ای یهودی داشت بالای بام بود کلام او را شنید، فردای آن روز حرکت کرد و رفت در آن خرابه در همان موضع و آن کوزه را برداشت آمد در خانه خود چون سر کوزه را باز کرد دید پُر از عقرب است. یهودی گفت: این همسایه ما محمدیست (صلى الله عليه و اله و سلم) و این تدبیر را کرده تا ما را هلاک نماید که من به خیال زر بروم و آن کوزه را بیاورم در خانه خود، حال من هم می روم در خانه او می ریزم آمد بالای بام و کوزه را سرازیر کرد در خانه او دید که تمام اشرفی است و صدای اشرفی ها که ریخت روی زمین بلند شد مرد فقیر دوید و نزد زوجه خود و گفت دیدی که پیغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: صلوات بفرست روزی تو از آسمان نازل می شود، حال ببین صدق کلام آن حضرت را چگونه از آسمان اشرفی برای ما ریخته می شود. یهودی از سر این مطلب تعجب کرد. آمد در خانه او و گفت: حقیقت چیست؟ من چون کلام تو را شنیدم که از برای زوجه خود نقل نمودی که چنین

ص: ۱۰۹

کوزه ای در خرابه دیدم، من به طمع افتادم، رفتم آن را در خانه آوردم اما دیدم پُر از عقرب است خیال کردم که تو عمداً این کار را کرده ای من هم آن ها را سرازیر در خانه تو کردم دیدم اشرفی شد سرّ او چیست؟ آن مرد فقیر قضیه را برای آن یهودی بیان کرد و او مسلمان شد.

صلوات سبب به یاد آمدن فراموش شده ای

دیگر از فوائد صلوات سبب یاد آمدن فراموش شده است؛ چنان چه ابن بابویه رحمته الله در کتاب *علل الشرایع و عیون روایت کرده از جمله سؤالاتی که حضرت خضر (علی نبینا و آله و علیه السلام)* از حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نمود این بود، سبب چیست که شخص چیزی را که در خاطرش بوده است گاهی فراموش می کند و گاه باز به خاطرش می آید آن حضرت فرمودند: دل مرد در حقه ای است بر روی آن حقه طبقی است و چون مرد در آن وقت بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) صلوات فرستد صلوات تام، آن طبق از آن حقه برداشته می شود و قلب روشن می گردد و آن چیز به خاطرش می آید و اگر صلوات نفرستد یا این که ناقص فرستد آن طبق بر آن محکم می شود و دل تاریک می گردد و آن مرد او را فراموش می کند (۱).

در بعضی از کتب عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده که فرمودند: چون فراموش کنید چیزی را بر من صلوات بفرستید که موجب یاد آمدن آن چیز خواهد بود.

دیگر صلوات سبب حصول نور است در قیامت برای او؛ چنان چه در کتاب *جامع الأخبار* از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده است که فرمودند: هر که یک مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند در روز قیامت نوری در سر او و نوری در اطراف او و همچنین در زیر قدم او و نوری در جمیع اعضاء او خلق می کند (۲).

ص: ۱۱۰

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۵۱، ح ۱۵.

۲- ۲. بحار الأنوار ۹۱/۶۴ - جامع الأخبار / ۶۰ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۵، ح ۶۰۲۹.

و در بعضی کتب مذکور است که صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صیقل آئینه دل هاست و هر دلی که به زنگار ترک صلوات، مبتلا شد، توفیق صلوات پیدا نمی کند.

و از یکی مشایخ مرقوم است که من شبی با پدرم مقابله کتاب حدیث می کردیم در هر جا که به اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می رسیدیم صلوات می فرستادیم و جمع کثیری از همسایگان ما دیده بودند که از آن محلی که ما کتاب مقابله می کردیم، عمودی از نور مرتفع گردیده و به آسمان پیوسته است و اطراف و جوانب محلّه به آن روشن گردیده است.

در کتاب قرب الأسناد مرقوم است بهترین چیزها برای سنگین شدن حسنات در میزان، صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت (علیهم السلام) است در روز قیامت (۱). و در کتاب کافی همین خبر مذکور است با زیادی این که مردی هست که در روز قیامت اعمالش را در میزان می گذارند که قبلاً ذکر شد طرف میزان گناهان او زیادتی می کند، پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) صلواتی را که بر آن حضرت فرستاده در کفّه حسنات او می گذارند، آن کفّه سنگین می شود.

این حدیث به این زیادی در عدّه الدّاعی و ثواب الأعمال و امالی شیخ صدوق مذکور است: رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) خطبه ای برای ماه مبارک رمضان خوانده و فرمودند: هر که بر من در این ماه مبارک رمضان بسیار صلوات بفرستد خدای متعال میزان اعمال او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد سنگین می گرداند و فرمودند: هر که هر روز بر من هزار مرتبه صلوات فرستد تا جای خود را در بهشت ببیند و هر که بر من بسیار صلوات فرستد از تلخی مرگ ایمن باشد.

و در دعوات راوندی مرقوم است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بسیار بر من صلوات بفرستید زیرا که صلوات فرستادن بر من، برای صلوات فرستنده، نور در قبر و صراط و بهشت است (۲).

ص: ۱۱۱

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۵۶، ح ۳۱ - ثواب الأعمال / ۱۵۵ - جامع الأخبار / ۶۱ - وسائل الشیعه ۷/۱۹۵، ح ۹۰۹۷ با کمی تفاوت

۲- ۲. الدعوات / ۲۱۶، ح ۵۸۱ - بحار الأنوار ۹۱/۷۰، ح ۱۴ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۲، ح ۶۰۱۷.

و در کتاب ثواب الصلوة مرقوم است که در بعضی از کتب به نظر رسیده در شب معراج چون پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به آسمان چهارم رسیدند فرشته ای را دیدند که لوحی در مقابل اوست و در او نظر می کند و گریه می کند چون ملتفت آن حضرت نشد، تعظیم و تکریم به آن جناب نمود جبرئیل (علیه السلام) بال خود را بر او زد، آن ملک متوجه شد، دوید و رکاب آن حضرت را بوسید و عرض کرد: یا رسول الله! مرا معذور دارید که چندان نور از این لوح بالا می رفت که من شما را ندیدم آن حضرت فرمودند: در این لوح چه نوشته است؟ عرض کرد: در آن نوشته است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ». پس آن ملک عرض کرد: من دو رکعت نماز در بیست هزار سال به جا آورده ام به امر خدا که قبلاً شرح او از کتاب لئالی ذکر شد، عرض کرد: پنج هزار سال آن را در قیام و پنج هزار سال در رکوع و پنج هزار سال در سجود و پنج هزار سال آن را در تشهد بوده ام و ثواب آن را به شما می دهم که تقصیر مرا عفو فرماید آن حضرت فرمودند: من احتیاج به طاعت تو ندارم عرض کرد: به امت شما بخشیدم آن حضرت فرمودند: امت من هم احتیاج به آن ندارند، به عزت خدا سوگند هر یک از گناهکاران ایشان که یک مرتبه بر من صلوات بفرستند ثواب او از این بیست هزار سال طاعت تو بیشتر است.

و مرقوم است که شیخ کلینی^۲ و دیگران از ائمه اطهار (علیهم السلام) روایت کرده اند: هر گاه ثواب عملی به شما برسد که به ما نسبت دهند و شما آن عمل را به امید آن که به آن ثواب برسید به جا آورید آن ثواب به شما خواهد رسید هر چند آن چیز که به شما رسیده است از ما نباشد.

مرقوم است مرحوم ملاً محمد حسین کاشفی سبزواری^۲ در بعضی از رسائل خود فوائد چندی برای صلوات ذکر نموده است من جمله:

صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) موجب حصول رضای خداوند و موجب اثبات محبت بن-ده است با خدا و دوستی با پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نشانه دوستی با خدا می باشد و بدین جهت خداوند دوست حبيب خود را دوست می دارد پس به واسطه صلوات هم دوستی بنده به حق ثابت می شود و هم به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و هر چه بیشتر صلوات فرستد ، مقامات آن حضرت را ملاحظه نماید و معرفت او زیادتر می شود . و نیز مرقوم است و در تحفه الطوسیّه هم از کتاب شفاء الأسقام از شیخ شبلی نقل می کند که گفت: من همسایه ای داشتم از دنیا رفت چون او را در خواب دیدم از او پرسیدم : خدا با تو چه کرد؟ گفت: ای شیخ! هول های بزرگ دیدم من جمله در وقت سؤال نکیرین زبان من گره خورد ناگاه شخص نیکو رویی پیدا شد و مرا تلقین کرد و من جواب آن ها را دادم از آن شخص پرسیدم: تو کیستی که مرا نجات دادی؟ گفت: من خلق شده ام از صلواتی که تو بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرستادی و مأمورم به این که در هر کجا درمانده شوی به فریاد تو برسم.

صلوات سبب ایمن بودن از حسرت روز قیامت

چنان چه از سفیان ثوری کسی پرسید: روز حسرت کدام است که خداوند می فرماید: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ» (۱) یعنی بترسان ایشان را از روز حسرت؟ سفیان جواب داد: آن روز قیامت است و حسرت، همه خلق را فرو خواهد گرفت زیرا خوبان حسرت می خورند که چرا بیشتر عمل نیک نکردند و بدان حسرت می خورند که چرا عمل نیک به جای نیاوردند آن شخص گفت: ای شیخ! کسی هست که در روز قیامت حسرتی نداشته باشد؟ گفت: بله، هر کسی که در دار دنیا بسیار صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرستاده باشد در آن روز حسرتی برای او نخواهد بود زیرا که مقامی پیدا می کند فوق مقام ها، پس حسرت برای چنین کسی نخواهد بود .

ص: ۱۱۳

سلام بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و جواب آن حضرت

خلاصه از اخبار معلوم می شود که راه خلاص از عذاب و حصول نجات منحصر است به آن حضرت و آل آن جناب: و هر که رابطه خود را با محمد و آل محمد (علیهم السلام) قطع نمود البته هلاک شود و از آیه مبارکه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (۱)

معلوم می شود که صلوات غیر از سلام است و مؤمنین به هر دو مأمورند چنان چه اخباری که در خصوص فرستادن سلام وارد شده است یکی این است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: خدا را فرشته هایی است که در زمین سیاحت می کنند و سلام امت را به من می رسانند و فرمودند: هر که بر من سلام کند، من جواب سلام او را می دهم. و نیز فرمودند: هیچ بنده ای نیست که بر من سلام کند بعد از شهادت من، مگر آن که جبرئیل (علیه السلام) به نزد من می آید و می گوید که فلان بن فلان بر شما سلام داده است و من می گویم: (و علیه السّلام و رحمه الله و برکاته) (۲).

و عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند که فرمودند: هر کلامی که به ذکر خدا و درود بر من شروع نشود آن کلام ابر است و از خیر مقطوع خواهد بود.

در کتاب ثواب الأعمال حضرت امام موسی بن جعفر ۷ روایت کرده: هر که بعد از نماز جعفر طیار و نماز مغرب قبل از آنکه پاها را بگرداند و با کسی تکلم نماید، بگوید «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ» خداوند یکصد حاجت او را بر آورد، هفتاد در دنیا و سی در آخرت (۳).

ص: ۱۱۴

۱- ۱. احزاب/۵۶.

۲- ۲. عدّه الدّاعی / ۱۶۵ - وسائل الشّیعه ۱۲/۷۱، ح ۱۵۶۷۰ - بحار الأنوار ۹۱/۷۰، ح ۶۱ - امالی شیخ طوسی (رحمت الله) / ۶۷۸، ح ۱۴۳۷ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۲، ح ۶۰۱۸.

۳- ۳. ثواب الأعمال / ۱۵۶ - بحار الأنوار ۹۱/۵۸، ح ۳۸.

و در جامع الأخبار مذکور است ، جناب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: یا علی! هر که بر من صلوات فرستد در هر روز یا در هر شب، شفاعت من از برای او واجب می شود هر چند از اهل گناهان بزرگ باشد(۱).

ثواب صلوات از روی شوق

و از دعوات راوندی نقل شده که حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند:

هر که در هر روز از روی دوستی و شوق بر من سه مرتبه صلوات بفرستد و هر شب سه مرتبه، بر خدا لازم می شود که گناهان آن روز و آن شب او را بیامرزد(۲).

و در جامع الأخبار از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است: کسی که در هر روز یکصد مرتبه صلوات فرستد هفتاد ملک مبادرت می نمایند تا هر یک آن را بر حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) برسانند قبل از آن که دیگری برساند(۳).

و مرقوم است از کتاب مفتاح حصین که از کتب عامه است از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده که فرمودند هر که در هر صبح ده مرتبه و هر شام ده مرتبه بر من صلوات فرستد من او را دریابم در وقتی که محتاج باشد.

و در مصباح المتهجد شیخ طوسی فرموده مستحب است که بعد از عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات بفرستید.

و ابن بابویه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که هیچ عملی در روز جمعه بالاتر از فرستادن صلوات نیست(۴).

ص: ۱۱۵

۱- ۱. جامع الأخبار / ۵۹ - بحار الأنوار ۹۱/۶۳ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۴ ، ح ۶۰۲۴ .

۲- ۲. الدعوات / ۸۹ ، ح ۲۲۶ - بحار الأنوار ۹۱/۷۰ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۱ .

۳- ۳. بحار الأنوار ۹۱/۶۳ .

۴- ۴. جامع الأخبار / ۶۳ - بحار الأنوار ۹۱/۶۶ .

و مرقوم است شهید ثانی^۲ در بعضی از رسائل خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت کرده که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بسیار بر من صلوات بفرستید در شب نورانی و روز نورانی یعنی شب جمعه و روز جمعه راوی عرض کرد: صلوات بسیار چقدر است؟ فرمودند: تا یکصد مرتبه و اگر زیادتر شد، بهتر است.

و در کتاب فقه الرضا (علیه السلام) مذکور است: بسیار صلوات فرستید در شب و روز جمعه و اگر بتوانی که هزار مرتبه صلوات فرستی افضل و بهتر است.

نواب صلوات در روز جمعه

و نیز از فقه الرضا (علیه السلام) مذکور است: هر که در روز جمعه یکصد مرتبه صلوات بفرستد و یکصد مرتبه استغفار کند و یکصد مرتبه « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » بخواند البته گناهان او آمرزیده شود. و مرقوم است شیخ شهید^۲ در رساله ای از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده که فرمودند: در روز جمعه بسیار بر من صلوات بفرستید که هر کس صلواتش بر من بیشتر باشد، منزله او به من نزدیک تر است. و در کتاب دعائم الاسلام از حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده: در روز جمعه بسیار بر من صلوات بفرستید، زیرا در آن روز عملها مضاعف می شود.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: چون صبح روز جمعه طالع شود خداوند گروهی از ملائکه را می فرستد که صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) را تا شب بنویسند. و از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت شده: عملها در روز جمعه مضاعف می گردد، پس در آن روز صلوات و صدقه و دعای بسیار را قرار دهید و اخبار در خصوص صلوات در روز جمعه از کتب علماء شیعه و عامه بسیار است.

عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند که فرمودند هر که گلی بیوید و بر من صلوات نفرستد بر من جفا کرده است. و نیز مرقوم است و در کتاب کافی هم در باب صلوات از عبدالله بن دهقان روایت شده که گفت: رفتم خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) و آن حضرت فرمودند:

مراد از این آیه که می فرماید «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (۱) یعنی یاد کنید اسم پروردگار خود را و یاد کنید محمد و آل محمد (علیهم السلام) را و صلوات بفرستید که اول کتاب در خصوص ربّ بیاناتی ذکر شد (۲).

و فی کتاب المبین عن فصل الخطاب قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءُ الزَّكَاةِ كَمَا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (صلی الله علیه و اله و سلم) مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ وَ مَنْ صَامَ وَ لَمْ يُؤَدِّهَا فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا وَ مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ (صلی الله علیه و اله و سلم) وَ تَرَكَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَدَأَ بِهَا فَقَالَ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۳).

«ترجمه»: از شرایط درستی روزه، دادن زکات فطریه است. همچنان که تمامیت نماز به صلوات فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) می باشد، چه اگر کسی روزه بگیرد و عمدتاً فطریه ندهد روزه اش بی فایده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَ آلَهُ: فِي صَلَاتِهِ يُشَلِّكُ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ (۴).

در ثواب الأعمال از عبد السلام بن نعیم روایت کرده که به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: داخل خانه کعبه شدم و به غیر از صلوات فرستادن کار دیگری

ص: ۱۱۷

۱-۱. اعلی/۱۵.

۲-۲. الکافی ۲/۴۹۴، ح ۱۸ - وسائل الشیعه ۷/۲۰۱، ح ۹۱۱۰.

۳-۳. من لا یحضره الفقیه ۲/۱۸۳، ح ۲۰۸۵ - وسائل الشیعه ۶/۴۰۷، ح ۸۲۹۸ - زکاه الفطره.

۴-۴. الکافی ۲/۴۹۵، ح ۱۹ - امالی شیخ صدوق (رحمت الله) ۵۸۰/، مجلس ۸۵، ح ۱۹ - وسائل الشیعه ۶/۴۰۸، ح ۸۲۹۹ - بحار الأنوار ۹۱/۴۹، ح ۷.

انجام ندادم ، حضرت فرمودند: هیچ کس از کعبه بیرون نیامده که عملش از عمل تو بهتر بوده باشد و در کتاب کافی و عده الدّاعی هم خیر مرقوم را دارد(۱).

مواضع تأکید صلوات

خلاصه مواضع بسیاری است که فرستادن صلوات در آن مواضع، در اخبار تأکیدش بیشتر است: هر کجا که اسم مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بُرده شود و در ابتداء هر کلامی که صاحب اهمّیت باشد و در ابتداء وضو و بر در مسجد و در تعقیب نمازها و در قبل و بعد دعاء و در خطبه جمعه و عیدین و در هر روز و شب و عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه و در ماه رجب و روز مبعث و ماه شعبان و ماه رمضان هر روز و در وقت بوئیدن گل ها و در وقت عطسه زدن و در هنگام ذکر خدا و اراده سفر و هنگام سوار شدن و در تلبیه گفتن و حین دخول به مسجد الحرام و نزد حجرالأسود و در صفا و مروه و هنگام طواف و روز عرفه و وقوف به مشعر الحرام و در وقت ذبح قربانی و در راه مدینه و نظر کردن به قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و در ابتداء درس و حدیث و موعظه و حین بیرون رفتن از مجلسی و حین مصافحه و در ابتداء مکاتبات و در وقت فتوی نوشتن و حین طعام خوردن و وقت فراغت از آن و حین ورود در بازار و وقت بیع و شری (خرید و فروش) و در وقت تعجب نمودن از چیزی و در وقت صدقه دادن و مواضع دیگر که این جا گنجایش ذکر ندارد.

بدان که در صلوات فرستادن فوائد بسیاری است که از حدّ بیرون است ولیکن بعضی را در این رساله عرض می کنم.

اوّل از فوائد صلوات امثال امر الهی است و موافقت با حق تعالی و ملائکه است که « یُصَلِّونَ عَلَی النَّبِیِّ » ملائکه بر او صلوات می فرستند و سبب حصول قرب به حقّ و موجب رضای خدای تعالی است و همچنین موجب قرب به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و

ص: ۱۱۸

نائل شدن به شفاعت آن حضرت می باشد و ایشان برای او دعا می کنند و حضرت صورت صلوات فرستنده را می بوسند و این صلوات بر صحیفه نورانی برای او نوشته می شود و سبب کفاره گناهان و باعث اجابت دعا و رفع حجاب از دعا می شود همچنین موجب وسعت رزق است و سبب وفا نمودن به عهد است در روز الست، و موجب رفع نفاق است و سبب طیب رائحه است و سبب نجات از غیبت است و سبب دفع قرض و مقروض نشدن است و سبب یاد آمدن فراموشی شده است و سبب درک نمودن مقام شهدا است و سبب نور است در قیامت و صراط و سبب سنگینی میزان است و سبب خلاصی از آتش جهنم است و سبب هدایت یافتن است و سبب نورانیت در قبر است و موجب دفع عطش در قیامت و موجب آشامیدن شراب سلسبیل و سبب نجات از احوال دنیا و آخرت است و سبب دیدن مقام خویشتن است در بهشت بعد از مردن و سبب ایمنی از تلخی مرگ و سبب برتری عبادت اوست از ملائکه و موجب صلوات فرستادن جمیع خلق است برای او و بهترین اعمال در آخرت است و موجب ادراک رحمت و قبولی طاعات است که شرح آن نوشته شد، چنانچه گذشت کیفیت آن و قریب به همان کیفیت از برای خود حقیر واقع شد که در اواخر کتاب شرح او را می نگارم.

خلاصه هر کدام از این فوایدی که ذکر شد اخبار مطابق آن ها را با مدارک معتبره در اوراق قبل نوشته شد، ملاحظه فرمایید و ملتسم دعا هستم شاید بعد هم باز از فوائد صلوات ذکر نمایم.

بدان آدابی که صلوات فرستنده باید مراعات نماید از این قرار است:

اولاً باید ملاحظه نماید این آیه مبارکه را که می فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً...» (۱) قرار ندهید خواندن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را مثل خواندن یکی از شماها دیگری را، یعنی اسم مبارک آن حضرت را به تعظیم بر زبان ها جاری ننمائید. از این جا معلوم می شود که باید صلوات فرستنده آداب ظاهری و باطنی را ملتفت باشد، تا بتواند با وضو باشد و با توجه ملتفت مقام محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بوده باشد و صلوات را مایه شهرت خود قرار ندهد و به جهت صلوات ممت بر مردم نگذارد و از جمیع اغراض دور باشد و در جمیع محافل و مجالس صلوات بفرستد مطابق خبری که در کتاب دعائم از کتاب کشف الغطاء آمده است .

و در کافی از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر قومی که جمع شوند در مجلسی و خدا را یاد نکنند و بر من صلوات نفرستند آن مجلس برای آن ها گریبانگیر خواهد بود. دیگر آن که همّش امتثال خدا و توسّل و تقرّب به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) باشد و آن حضرت را حاضر بداند.

سبب یازده مرتبه صلوات فرستادن

چنان چه در اول کتاب بیان شد و دارد که چون بعضی از نیکان می خواستند صلوات بفرستند از یازده مرتبه کمتر صلوات نمی فرستادند به جهت حدیثی که در کتاب مصباح القلوب مذکور است و در کتاب لئالی هم ذکر می کند و قبلاً هم نوشته شد، که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در شب معراج ملکی را دید که موکّبل بر قطرات باران بود، حضرت از او سؤال نمودند که چه حسابی را از عهده بر نمی آیی؟ عرض کرد: چون عدد صلوات به یازده مرتبه رسید من از حساب ثواب آن عاجزم، الی آخر.

ص: ۱۲۰

بدان در کتاب منهج الواعظین که از تألیفات سلطان الواعظین مرحوم حاج سید محمّد حسین کاشانی اصفهانی می باشد مرقوم است «رَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ (عليهما السلام) عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): نَوُّوا بُيُوتَكُمْ قَالُوا

يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) بِمَا نَوَّزَ بُيُوتَنَا؟ قَالَ (صلى الله عليه و اله و سلم): بِكَثْرَةِ صَلَوَاتِكُمْ» الخ.

وَ فِيهِ عَيْنُ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَلَكًا تَحْتَ الْعَرْشِ عَلَى رَأْسِهِ زَوَائِهَ قَدْ أَحَاطَتْ بِالْعَرْشِ مَا مِنْ شَعْرَةٍ عَلَى رَأْسِهِ إِلَّا مَكْتُوبًا عَلَيْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم) فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم) ضَايَقَتْ شَعْرَهُ إِلَّا اسْتَعْفَرَتْ لِصَاحِبِهَا.

أَيْضًا فِيهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): مَنْ جَعَلَ عِبَادَتَهُ الصَّلَاةَ عَلَيَّ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَاجَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و نیز مرقوم است در منهج روزی پیغمبر (صلى الله عليه و اله و سلم) در مسجد ایستاده بودند، عربی رسید و دست کسی را گرفته با شتری می آورد، عرض کرد: یا رسول الله! این شتر از برای من است و این مرد دزدیده، مرد گفت: دروغ می گوید گفت: شاهد دارم و رفت چهار نفر گواه آورد و شهادت دادند. آن مرد عرض کرد: یا رسول الله! از خود شتر سؤال فرمایید پیغمبر اکرم (صلى الله عليه و اله و سلم) فرمودند: ای حیوان! صاحب تو کدام یک اند؟

شتر به زبان فصیح عرض کرد: من از برای این مرد هستم و او با شاهدان دروغ می گویند، حضرت فرمودند: ای عرب! چه طاعت کرده ای که خداوند این شتر را گویا فرمودند و بر تو گواهی داد؟ عرض کرد: بعد از هر نماز فریضه ام ده مرتبه بر شما صلوات می فرستم حضرت فرمودند: امروز به برکت صلوات از دست بریدن نجات یافتی و فردا از آتش دوزخ آزاد می گردی

خلاصه مقام محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) را خدا می داند، این است که هر کس بر آن ها صلوات فرستاد و متوسّل به آن ها شد، نجات یافت.

سؤال جابر از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) در مقام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

چنان چه در کتاب اختصاص از حضرت باقر (علیه السلام) روایت شده است جابر انصاری گفت: عرض کردم خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) چه می فرمایید در شأن علی بن ابیطالب (علیه السلام)؟ فرمودند: او نفّس من است. عرض کردم: چه می فرمایید در شأن حسن و حسین (علیهما السلام)؟ فرمودند: هر دو روح من هستند، فاطمه (علیها السلام) مادر ایشان دختر من است، هر که او را دلگیر نماید مرا دلگیر نموده و هر که او را شاد کند، مرا شاد کرده، ای جابر! هر گاه خواهی دعا کنی و دعای تو مستجاب شود خدا را بخوان به اسماء ایشان زیرا که هیچ اسمی در نزد حق تعالی محبوب تر از اسماء ایشان نیست و توبه حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) به واسطه توسّل به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) به درجه قبول رسید و آن ها را شفیع قرار داد و همچنین حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) در طوفان به توسّل به آن انوار مقدّس، خلاصی یافت.

توسل حضرت ابراهیم به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام)

در کتاب معانی الأخبار از مفضّل روایت کرده است گفت: از حضرت صادق (علیه السلام) سؤال نمودم از آیه شریفه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (۱) آن کلمات چه بود که خداوند ابراهیم را به آن ها امتحان فرمود؟ حضرت فرمودند: همان کلمات بود که حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) فرا گرفت و توبه اش به سبب آن ها قبول شد و آن کلمات این بود که گفت: خدایا به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) توبه مرا قبول فرما و خداوند توبه او را قبول فرمودند. عرض کردم آن چه بود که ابراهیم (علیه السلام) آن را تمام کرد؟ فرمودند: تمام کردن آن ها را تا به قائم (عج) [\(۲\)](#).

ص: ۱۲۲

۱- ۱. بقره/۱۲۴.

۲- ۲. معانی الأخبار/ ۱۲۶، ح ۱ - بحار الأنوار ۱۱/۱۷۷، ح ۲۴ و ۱۲/۶۶، ح ۱۲.

و قبل از این ذکر شد که امامزاده حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) فرمودند: خدا ابراهیم را خلیل خود گردانید به جهت این که بسیار بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) صلوات می فرستاد، جهات دیگر هم دارد که این جا گنجایش بیان آن را ندارد.

وحی الهی به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)

مذکور است که خداوند به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) وحی فرمودند: ای موسی! وقتی به من نزدیک تر خواهی بود که بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات بفرستی.

در بیان آیه «وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (۱) یعنی ای گروه بنی اسرائیل! به یاد بیاورید آن وقتی را که نجات دادیم ما، شما را از آل فرعون که عذاب می کردند شما را به عذاب سخت و می کشتند پسران شما را و زنده می گذاردند زنان شما را و این از جانب پروردگار شما امتحان عظیم بود.

مذکور است از جمله عذاب آن قوم این بود که بنی اسرائیل را برای عمل بنیایی می بردند و خوف داشتند از این که مبادا فرار کنند به این سبب پاهای آن ها را در قید (زنجیر) می گذاردند و به ایشان می گفتند: گل برداشته بر نردبان بالا روند و بسا بود که می افتادند و هلاک می شدند تا این که خداوند به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) وحی فرمودند: به ایشان بگو قبل از شروع در عمل بر محمد و آل طیبین آن حضرت (علیهم السلام) صلوات فرستند تا این که بر ایشان سبک و آسان گردد و چنان کردند و بر ایشان آسان شد و امر می فرمودند به کسانی که در اول عمل فراموش می کردند صلوات را و می افتادند که صلوات را بخوانند، چون می خواندند خوب می شدند و شفا پیدا می کردند.

ص: ۱۲۳

سبب کشتن پسران قوم بنی اسرائیل این بود که به فرعون گفته بودند در میان بنی اسرائیل مولودی پیدا خواهد پیدا شد ، که هلاکت تو به دست اوست . فرعون امر کرد پسران آن ها را کشتند و به زنان حيله ای کنند تا حامله نشوند و چون حمل برمی داشتند و اولادی از آن ها متولد می شد فرزند خود را می بردند و در غارها و کوه ها پنهان می کردند و ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) می فرستادند ، خداوند ملکی را می فرستاد آن طفل را تربیت نماید و از انگشت او شیر جاری می کرد که او را بمکد و از انگشت دیگر او طعام ملائیم جاری می ساخت و از فرزندان بنی اسرائیل آن چه سالم ماندند، بیشتر بودند از آن چه کشته شدند و زنان بنی اسرائیل را کنیزان خود قرار می دادند، پس بنی اسرائیل به نزد حضرت موسی «علی نبینا و آله و علیه السلام» آمدند و گفتند: این گروه بر دختران و خواهران قرعه می اندازند موسی آن زنان را امر نمود که چون مردی از آن قوم قصد شما نمود بر محمد و آل طاهرین آن حضرت (علیهم السلام) صلوات بفرستید آن ها صلوات می فرستادند چون کسی قصد آن ها را می نمود خداوند دفع شر آن ها را می فرمودند یا به مرضی مبتلا می شدند یا از خیال آن زن منصرف می شدند و زیاده بر این طالبان رجوع نمایند به تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و جلد اول کتاب حیوه القلوب علامه مجلسی .

توسل یهود به حضرت محمد بن عبدالله (علیه السلام)

و نیز در تفسیر امام عسکری (علیه السلام) روایتی است که خلاصه آن این است:

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: خداوند خبر داد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را به این که یهود قبل از ظهور آن حضرت به ایشان ایمان داشتند و بر دشمنان به واسطه توسل به ایشان و صلوات فرستادن بر آن حضرت و آل آن حضرت : غلبه می کردند و فرمودند: خداوند یهود را امر فرمودند در ایام حضرت موسی «علی نبینا و آله و علیه السلام» و بعد از آن، چون به مصیبتی گرفتار شوید خدای را به محمد و آل محمد (علیهم السلام) بخوانید و از ایشان نصرت بخواهید و چنین کردند تا آن که ده سال قبل از ظهور

آن حضرت قبیله اسد و غطفان با جمعی دیگر از مشرکان قصد یهود مدینه را نمودند و مشرکین سه هزار نفر بودند و یهود سیصد نفر. خدا را به حقّ محمّد و آل ایشان (علیهم السلام) قسم دادند و بر مشرکین غالب شدند مشرکان استمداد کردند به قدر سی هزار نفر دیگر آمدند و یهود در قریه محصور بودند و مشرکین آب و طعام را از ایشان منع نمودند و آب های جاری که داخل قریه ایشان می شد همه را قطع کردند و نگذاشتند کسی طعام برای آن ها ببرد، یهودیان امان خواستند، آن ها قبول نکردند و گفتند ما همه شما را خواهیم کشت و اموال شما را غارت خواهیم نمود جمعی از عقلای ایشان گفتند: مگر حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام) شما را امر نفرمودند به این که بر محمّد و آل آن حضرت (علیهم السلام) پناه ببرید و آن ها را در بلاها به نزد خدا شفیع قرار دهید گفتند: بلی، پس آن گروه عرض کردند: الهی به جاه محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل طیبین آن حضرت (علیهم السلام) تو را قسم می دهیم که به ما آب مرحمت فرما، خداوند باران فرستاد که حوض ها و نهرها و ظرف های آن ها پر از آب شد چون به بام ها برآمدند دیدند که باران اذیت بسیار به لشکر دشمن رسانیده، زیرا که در فصل تابستان بود و بعضی از ایشان متفرّق شده و می گفتند: اگر آب پیدا کردید طعام را چه خواهید کرد؟ یهود گفتند: آن کس که ما را به سبب محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) سیراب کرد، قادر است که ما را طعام نیز دهد.

پس قافله ای رسید به امر حق تعالی به قدر دو هزار شتر و استر و تمام آن ها طعام بار داشتند از گندم و غیره و خداوند خواب را بر آن لشکر غالب کرد که هیچ ندیدند تا آن که آن قافله وارد قلعه یهود شد و متاع را به آن ها فروختند و رفتند. پس آن ها از خواب بیدار شدند یهود فریاد کردند: خداوند به برکت محمّد و آل آن حضرت (علیهم السلام) طعام برای ما فرستاد و اگر دست از ما برندارید خدا را به محمّد و آل ایشان (علیهم السلام) می خوانیم تا شما را هلاک نماید قبول نکردند یهود خدا را به حقّ محمّد و آل ایشان (علیهم السلام) قسم دادند و طلب نصرت نموده و بیرون آمدند و بر آن سی هزار نفر حمله کردند و جمعی از آن ها را دستگیر نمودند.

پس چون حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) ظاهر شدند، یهود بر آن حضرت حسد بردند که چرا از عرب است و تکذیب آن حضرت نمودند پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: این بود یاری کردن خدا یهودیان را به سبب آن که محمد و آل آن حضرت (علیهم السلام) را یاد کردند، پس شما ای امت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) نیز یاد کنید محمد و آل آن حضرت (علیهم السلام) را در نزد هر شدت تا این که خدا یاری کند شما را به واسطه ملائکه بر شیاطینی که قصد شما می کنند.

جنگ ملائکه با ابلیس

به درستی که با هر یک از شما ملکی هست در طرف چپ که گناهان را می نویسد و دو شیطان نیز با هر کسی هست که ابلیس آن ها را فرستاده که او را فریب نمایند پس چون یکی از شما وسوسه در دل خود بیابد خدا را یاد کند و بگوید «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ» آن دو شیطان پنهان می شوند و به نزد ابلیس می روند و می گویند که امروز این شخص ما را خسته کرده است، جمعی را به مدد ما بفرست ابلیس جمعی را به مدد ایشان می فرستد تا این که هزار نفر در نزد او جمع می شوند و قصد او می کنند پس اگر آن بنده خدا را یاد کند و بر محمد و آل آن حضرت (علیهم السلام) صلوات فرستد آن ها راه به او نخواهند یافت و نزد ابلیس می روند و می گویند: خودت بیا بلکه بر او غالب شوی و او را گمراه نمایی، پس ابلیس با تمام لشکر خود می آید و خداوند به ملائکه می فرماید: ابلیس قصد فلان بنده را نموده است با لشکرش، شما بروید و با او مقاتله نمائید پس در مقابل هر شیطانی یکصد هزار ملک می آید که بر اسب های آتشی سوارند و در دست ایشان شمشیرها و نیزه های آتشین و تمام حربه های آن ها از آتش می باشد و آن شیاطین را دور می کنند و بعضی را می کشند و ابلیس را اسیر می کنند و بر او حربه می زنند و او فریاد می زند: الهی

چه شد وعده تو که مرا مهلت دادی تا وقت معلوم؟ خطاب می شود به ملائکه که من او را وعده داده ام که او را نکشم، وعده نداده ام که عذاب را بر او مسلط نکنم و دردی به او نرسانم، او را بزنیید و ملائکه آن قَدر بر او ضربت می زنند که تمام اعضایش مجروح می شود و جراحات های او خوب نمی شود مگر به شنیدن آواز مشرکان که به کفر تکلم نمایند، پس اگر آن بنده بر ذکر خدا و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) باقی بماند سالم است و هر گاه یاد خدا و صلوات را ترک نمود و معصیت خداوند کرد، جراحات ابلیس خوب می شود و بر آن بنده مسلط می شود و او را اسیر می کند.

پس رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: اگر می خواهید که ابلیس با بدن مجروح بماند مداومت نمائید بر طاعت خدا و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) و اگر غیر از این کنید اسیر ابلیس خواهید بود و بر گردن های شما سوار خواهد گردید (۱).

واقعه ذبح گاو توسط بنی اسرائیل

در تفسیر امام (علیه السلام) مذکور است و در نورالعیون هم می نویسد در تفسیر آیه مبارکه «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً» (۲) در میان بنی اسرائیل کسی را کشتند و قاتل او معلوم نشد و از جانب خداوند مأمور شدند به این که گاوی را بکشند که صاحب صفات مخصوصه باشد و چنین گاوی را پیدا نکردند مگر در نزد جوانی از بنی اسرائیل که خداوند در خواب به او نموده بود از جانب پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمه طاهرين (علیهم السلام) که به او گفته بودند چون تو دوست ما هستی، می خواهیم جزایی به تو عطا فرمائیم چون آمدند و خواستند گاو را از تو بخرند مفروش مگر به امر مادرت و اگر چنین کردی خداوند مادر تو را ملهم (بر دل افتادن) خواهد گردانید به امری چند که باعث توانگری شما گردد.

ص: ۱۲۷

۱- ۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۳۹۳، ح ۲۶۹ - البرهان فی تفسیر القرآن ۱/۲۷۳ - بحار الأنوار ۹۱/۱۰، ح ۱۱.

۲- ۲. بقره/۶۷.

پس آن جوان از دیدن آن خواب شاد شد و چون صبح شد، بنی اسرائیل آمدند تا آن گاو را بخرند و گفتند: به چند می فروشی؟ گفت: به دو دینار ولیکن باید به اذن مادرم باشد. گفتند: ما به یک دینار می خریم، چون به مادرش گفتند، گفت: به چهار دینار. گفتند: به دو دینار می خریم. خلاصه آن چه ایشان راضی می شدند، مادر مضاعف می کرد تا این که رسید قیمت آن گاو به این که پوست او را پُر از طلا نمایند. او را خریدند و کشتند و استخوان بیخ دم او را بر آن کشته زدند و گفتند: خدایا به جاه محمد و آل طیبین آن حضرت (علیهم السلام) این مُرده را زنده گردان که ما را خیر دهد قاتل او کیست؟ ناگاه به امر خدا آن مُرده زنده شد و به حضرت عرض کرد: ای موسی! این دو پسر عموی من بر من حسد بردند به جهت دختر عموی من و مرا کشته و در این جا انداختند تا دیه مرا از ایشان بگیرند.

پس حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) آن قاتل را کشت، آن وقت پوست گاو را پر از طلا نمودند که پنج هزار اشرفی شد و چون زررها را تسلیم آن جوان نمودند، پس خداوند وحی فرمودند به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) که بگو به بنی اسرائیل: هر که از شما می خواهد که من در دنیا زندگانی او را نیکو کنم و در بهشت او را جای دهم، عمل کند آن چه این جوان انجام می داده به درستی که این جوان از حضرت موسی شنیده بود خواص ذکر محمد و آل محمد (علیهم السلام) را، و کسی که پیوسته بر ایشان صلوات فرستد از انس و جنّ و ملائکه مقامش زیادتر است و به این سبب مال زیادی از برای او میسر شد و دشمنان او مقهور شدند.

پس آن جوان به حضرت عرض کرد: من چگونه حفظ کنم این مال را و چه کنم با حسد حاسدان؟ حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) فرمودند: برای حفظ مال هم صلوات بسیار بفرست بر محمد و آل طاهرین آن جناب (علیهم السلام) تا خدا اموات را حفظ فرماید و هر دزدی و حاسدی و ظالمی را که خواستند به تو اذیت نمایند خداوند شرّ این ها را از تو دفع فرماید. آن وقت آن جوان که زنده شده بود عرض کرد: الهی تو

را به حقّ محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) قسم می‌دهم که ما را باقی‌بداری در دنیا تا با دختر عموی خود آسوده‌زندگانمان نمایم و دشمنان مرا خوار گردانی.

خطاب خدای حقّ تعالی به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام) رسید: چون این جوان متوسّل شد به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) و آن‌ها را شفیع قرار داد یکصد و سی سال به او عمر دادم که با زوجه خود سالم زندگانی نماید، چون این مدّت گذشت هر دو را با هم از دنیا می‌برم و در بهشت جای می‌دهم. ای موسی! اگر قاتل این جوان هم متوسّل به محمّد و آل آن حضرت (علیهم السلام) شده بود و از من سؤال می‌کرد و توبه کرده بود هر آینه توبه او را قبول می‌کردم و او را رسوا نمی‌کردم و خاطر بنی اسرائیل را از او منصرف می‌کردم از پیدا کردن قاتل و اگر بعد از رسوایی هم توبه می‌کرد و متوسّل به آن انوار مقدّسه می‌شد عمل او را از خاطره‌های مردم می‌بردم و در دل اولیاء مقتول می‌انداختم که از قصاص او بگذرند ولیکن محبّت و ولایت این بزرگواران و توسّل به ایشان فضیلتی است که به هر که می‌خواهم به مرحمت خود عطا می‌کنم و از هر که می‌خواهم به عدالت خود و به سبب بدی‌های او منع می‌نمایم و من خداوند عزیز حکیم هستم.

پس قوم بنی اسرائیل خدمت حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام) عرض کردند: مال خود را جمع نموده تمام را به بهای گاو دادیم. پس دعا کن که خداوند روزی ما را وسعت دهد. حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام) فرمودند: وای بر شما! مگر نشنیدید دعای آن جوان را و آن مقتول زنده شده را و ندیدید که چه فائده‌ها بر دعای ایشان مترتب شد به جهت توسّل به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) پس شما هم به آن بزرگواران متوسّل شوید تا خداوند احتیاج شما را رفع فرماید و روزی شما را فزّاح گرداند. پس ایشان عرض کردند: الهی به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و آل طیبین ایشان (علیهم السلام) که دفع فقر و پریشانی از ما بفرما، خطاب رسید به حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام): بگو به ایشان که بروند در فلان خرابه و فلان موضع را بشکافند که در آن جا

ده هزار هزار دینار است بردارند و در بین خود قسمت نمایند تا اموال آن ها زیاد شود، چون متوسل شدند به انوار مقدس محمد و آل طیبین آن حضرت (علیه السلام) و معتقد گردیدند به زیادتی فضل و کرامت ایشان بر تمام مخلوقات. و تمام خبر را طالبین به تفسیر امام عسکری (علیه السلام) رجوع فرمایند (۱).

و فصل ششم از جلد اول حیوه القلوب مرحوم علامه مجلسی و از کتاب ریاض الأزهار که از کتب عامه است و تحفه الطوسیّه و نور العیون مرقوم است خداوند به ملکی امر فرمودند فلان شهر را خراب کن چون آن ملک به آن شهر آمد و گریه کودکان و صدای حیوانات را شنید بر آن ها دلش سوخت و در خرابی آن شهر تأملی نمود خداوند بر او غضب کرد و بال های او را در هم شکست و از صعود بر افلاک محروم ماند.

روزی جبرئیل (علیه السلام) او را گریان و نالان دید که بر روی خاک افتاده دلش سوخت، نجات او را از حق تعالی طلب نمود، خطاب رسید: به او بگو بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرستد تا به برکت آن حضرت بال های او صحیح شود.

آن ملک شروع کرد به صلوات فرستادن پر و بالش صحیح شد و به مقام قبلی بازگشت و قریب به این مضمون قبلاً ذکر شد.

حکایت تاجر بلخی و موی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

مرقوم است در نور العیون و در تحفه الطوسیّه هم از کتاب شفاء الأسقام نقل می کند که تاجری در بلخ دو پسر داشت و از جمله میراث او سه تار از موی مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بود. چون از دنیا رفت آن دو برادر خواستند میراث پدر را قسمت نمایند هر کدام یک موی برداشتند و برادر بزرگ گفت که یک موی دیگر را دو نیم می کنیم و هر کدام نصف او را برمی داریم. برادر کوچک

ص: ۱۳۰

۱- ۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۲۷۳، ح ۱۴۰ - البرهان فی تفسیر القرآن ۱/۲۳۶، ح ۵۰۷ - بحار الأنوار ۱۳/۲۵۹، ح ۱.

گفت: قطع نمودن موی مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بی ادبی است. من از ترکه پدر چیزی نمی خواهم هر چه پدر مال دارد مال تو باشد و من این موی را برمی دارم و آن را نصف نکنیم، برادر بزرگ قبول کرد و موی ها را به برادر داد و تمام ترکه پدر را تصرف نمود و آن برادر آن موی ها را در حقه ای گذارد و پیوسته او را بیرون آورده و می بوسید و صلوات بر آن حضرت (صلی الله علیه و اله و سلم) می فرستاد.

چون از دنیا رفت یکی از اولیاء بلخ، پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را در خواب دید که حضرت به او فرمودند: به مردم بگو هر کسی حاجتی داشته باشد برود بر سر قبر او دعا کند، حاجتش روا خواهد شد. عرض کرد: یا رسول الله! سبب این کرامت چیست؟ فرمودند: احترام موی مرا نگاه داشت و بسیار بر من صلوات فرستاد، لهذا قبر او محل استجاب دعا شد.

و مرحوم ملا حسین کاشفی (رحمت الله) در یکی از تألیفات خود ذکر کرده است: وقتی با اهل و عیال سفری می رفتم ناگاه جمعی به ما رسیدند و بسیار خائف بودند، به من گفتند: در این راه سارقین هستند و ما به زحمت از این راه عبور نمودیم و شما منفرد با عیال کجا می روید! خوب است مراجعت کنید خوف عظیم به من دست داد، خواب دیدم کسی به من می گوید: این صلوات را بخوان و خوف نداشته باش تا عبور کنی و صلوات این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا أَمَرْتَنِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَ آلِهِ كَمَا يُنْبَغِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِمْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ بِعَدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ كَمَا تُحِبُّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ» و من ابداً این کلمات را در کتابی ندیده بودم و از کسی نشنیده بودم، چون بیدار شدم این کلمات بر زبان من جاری بود و می خواندم و اشخاصی هم که با من بودند می خواندند و روانه راه شدم، به اندک ساعتی به دزدان رسیدیم. ما آن ها را می دیدیم و سخن آن ها را می شنیدیم و آن ها ما را ندیدند و سالم گذشتیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) و به مقصد رسیدیم.

در کتاب ازهار هم که از کتب عامّه است حکایاتی به همین مضامین مذکور است که دیگر در این وجیزه گنجایش ندارد.

خلاصه امثال این حکایات و روایات و کرامات و توسّلات کسانی که متوسّل به این خاندان شده اند و نجات یافته اند از حدّ و حصر بیرون است بلکه می توان گفت: اغلب مردم هر کدام به مقدار خود ابتلایی پیدا کرده اند و به واسطه توسّل به پیغمبر و ائمه طاهرین (علیهم السلام) شدائد عظیمه از آن ها دفع شده و به مقاصد و مطالب بزرگ رسیده اند.

چنان چه خود این عبد عاصی مؤلّف این کلمات با برکات از زمان تکلیف تا کنون که پنجاه سال متجاوز است متوسّل به این خانواده شده ام و مشغول ذکر فضائل و مصائب این انوار مقدّس می باشم در هر زمانی از زمان ها مکرّر از این قبیل ابتلائات و توسّلات به ایشان برایم اتفاق افتاده است چه در بیابان و چه در دریا و چه در شب و چه در روز از ظالم و سارق و غیره که بسیار است و تمام آن ها به برکت محمّد و آل آن جناب (علیهم السلام) و توسّل به آن انوار مقدّس رفع شده که بعضی از آن ها را به مناسبت در بعضی از تألیفات خود ذکر کرده ام که از جمله آن ها کتاب «وقایع الظهور» و «تسلية الفقراء» و «مصائب المعصومین (علیهم السلام)» است.

خواب مؤلّف از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم)

من جمله از چیزهایی که راجع به منامات (خوابها) است چون در قبل راجع به خواب هایی در خصوص صلوات مرقوم شد همان خوابی که راجع به صلوات است در این اواخر عمر که مشغول نوشتن این کتاب بودم و مهیّا شدم که آن چه در نظرم دارم از اخبار ثواب صلوات تا بتوانم در محافل و منابر به عرض برادرهای دینی خود برسانم، شاید آن ها مشغول ذکر صلوات شوند که «الدُّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ» و به واسطه اعمال و اذکار و دعای آن ها من هم آمرزیده شوم ان شاء الله، خلاصه با

خود خیال می کردم آیا این عمل من در نزد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) محبوب است در اعلاء کلمه صلوات یا نه و این وقعه در ثلث آخر شب جمعه دوازدهم شهر جمادی الأولى سال یک هزار و سیصد و پنجاه واقع شد.

خواب دیدم که در روضه مطهره پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) مقابل قبر مطهر ایستاده و مشغول زیارت آن حضرت هستم. دیدم آن حضرت ظاهر شدند و مرا در آغوش خود گرفتند و سر من در سینه مبارک، آن حضرت را می بوسیدم و عبارات زیارت آن جناب را می خواندم. تمام توجه من به آن حضرت بود و با خود می گفتم: این خود پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) است چرا توجه من به قبر ایشان باشد و مشغول زیارت بودم و به آن حضرت توجه داشتم و آن حضرت عبارات زیارت را تعلیم من می فرمودند: این قسم بخوان.

من عرض کردم: یا رسول الله! پس اعمال سابق من که مگه آمدم و به زیارت شما مشرف شدم درست نبوده و غلط خوانده ام زیرا که من این قسم زیارت نخواندم که شما می فرمایید بخوانم؟ آن حضرت فرمودند: حال همین قسمی که من می گویم بخوان اعمال و زیارت سابق تو هم قبول خواهد شد. پس آن چه آن حضرت فرمودند من می گفتم و به سینه مبارک آن حضرت نگاه می کردم و از شوق سینه آن حضرت را می بوسیدم و همین قسم دست آن حضرت در گردن من بود و مرا در سینه مبارک خود قرار داده بودند و اظهار مرحمت می فرمودند تا این که از خواب بیدار شدم. «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ وَ شَفَاعَتَهُ وَ التَّوْفِيقَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ جَمِيعِ السَّاعِيَاتِ بِحُكْمِ الصَّلَوَاتِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ صِلَوْا تُكَّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

کرامه: این عبد آثم جانی کاتب خط طبع این دُرّ ثمین حاج میرزا ابوالفضل خواجهی اصفهانی در هنگامی که مشغول کتابت این کتاب بودم روزی برای واقعه ای، دستم ابتلاء به رعشه (لرزش) پیدا کرد به قسمی که دیگر به هیچ وجه قادر بر نوشتن نبودم و حاج معظم مؤلف هم نشسته متحیر از جهت تعجیلی که

در نوشتن داشتند چون ایشان از آن مجلس تشریف بردند، حقیر با خود گفتم متوسّل شوم به ذکر صلوات برای شفای دستم پس از روی خلوص چند مرتبه صلوات فرستادم و قلم را به دست گرفته، شروع به نوشتن نمودم. از برکت توسّل به این ذکر شریف رعشه به کلی رفع شد.

کرامتی دیگر از توسّل به این ذکر شریف دیدم در طریق مکه معظمه، راجع به تشرّف به مدینه منوره که مقتضی کتب نیست.

خلاصه در اخبار اهل بیت اطهار(علیهم السلام) وارد شده که حمله عرش الهی که مقرب ترین ملائکه اند تا متوسّل به آن انوار مقدّس نشدند و صلوات بر ایشان نفرستادند نتوانستند عرش را بلند نمایند، چون ایشانند مظهر اسم اعظم الهی و اسماء حسّناى اویند.

و در کتاب اختصاص از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده که فرمودند: هر گاه بر شما شدیدی واقع شد استعانت جوئید به ما، در نزد خدا و این است معنی قول حق تعالی که می فرماید «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^(۱).

و در تفسیر عیاشی از امام محمّد باقر(علیه السلام) روایت کرده است فرمودند: به خدا قسم ما هستیم اسماء حسّنی که قبول نمی کند خدا چیزی را از احدی مگر به شناختن ما، پس خدا را به واسطه ما بخوانید^(۲).

حکایت حضرت سلمان(علیه السلام) و مشرکین

در کتاب عدّه الدّاعی از سلمان فارسی(علیه السلام) روایت کرده است خداوند می فرماید: ای بندگان من! بدانید که گرامی ترین خلق بر من و فاضل ترین ایشان در نزد من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است و آل طیبین و طاهرین آن حضرت(علیهم السلام)، تا این که

ص: ۱۳۴

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۵، ح ۷ - مستدرک الوسائل ۵/۲۲۹، ح ۵۷۶۰.

۲- ۲. تفسیر عیاشی ۲/۴۲، ح ۱۱۹ - بحار الأنوار ۹۱/۶، ح ۷ - مستدرک الوسائل ۵/۲۲۹، ح ۵۷۶۰.

حاجت او را برآورم، پس گروهی از مشرکین در مقام استهزاء به حضرت سلمان علیه السلام گفتند: چرا از خدا سؤال نمی کنی به حق ایشان که تو را غنی ترین اهل مدینه گردانند؟! حضرت سلمان علیه السلام گفتند: من از خدا خواسته ام به حق ایشان که به من عطا فرماید زبان ذاکر و گوینده ای که حمد و ثنای ایشان را به جا بیاورم و دل شکر نماینده، که شاکر باشم و بدنی که بر بلاها صابر باشد و خداوند دعای مرا مستجاب فرموده و آن ها را به من عطا نموده و آن ها از تمام ملک دنیا بهتر از صد هزار هزار مرتبه است.

و شیخ طوسی از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده: هر که خدا را به واسطه ما بخواند رستگار می شود و هر که غیر از آن نمود هلاک می گردد.

نجات یافتن گنهکار از جهنم

و شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی ۴ به اسانید خود از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که بنده معصیت کار در جهنم هفتاد خریف خواهد ماند و هر خریفی هفتاد سال است. پس از خدا سؤال می کند و قسم می دهد به حق محمد و آل محمد (علیهم السلام) که بر او رحم نماید، آن وقت خطاب می رسد به جبرئیل (علیه السلام) که برو و او را بیرون آور، عرض می کند: الهی چگونه داخل آتش شوم؟

خطاب می رسد: که من آتش را برای تو سرد می کنم، عرض می کند: این بنده در کجاست؟ می فرماید: در چاهی است از سَجین، پس او را بیرون می آورد. پس خطاب به بنده می رسد: به عزت و جلال خودم سوگند که بر خودم لازم کرده ام که هر کسی از من سؤال نماید به حق محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت او (علیهم السلام)، بیامرزم گناهان او را و امروز تو را آمرزیدم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالتَّشْيِعِ الْمَعْصِيَةِ وَمِنْ ذُرِّيَةِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي سَيِّئَاتِي وَتَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَفْعَلَ ذِكْرَكَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

حکایت بیرون آمدن مرغ سبز از دهان

در کتاب جامع الأخبار از رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده هر که بگوید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» مرغ سبزی از دهان او بیرون می آید که دو بال دارد، مُکَلَّل (آراسته شده) به مروارید و یاقوت و چون آن دو بال را بگشاید به مشرق و مغرب می رسد و از آن مرغ صدایی شنیده می شود مثل صدای زنبور عسل، پس خداوند به او می فرماید: مرا مدح کردی و پیغمبرم را مدح نمودی الحال ساکت شو. آن مرغ عرض می کند: چگونه ساکت شوم و حال آن که گوینده «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را نیامرزیدی! خطاب می رسد: من او را آمرزیدم (۱).

در کتاب جماع الأسبوع از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده چون بنده بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ عَلَيَّ أَهْلِيَّتِي» هر دعایی که بکند مستجاب می شود.

و أَيْضاً از عبدالرحمن بن کثیر روایت کرده به امام (علیه السلام) عرض کردم: ما چه بگوئیم در وقت صلوات فرستادن؟ فرمودند: بگوئید «اللَّهُمَّ إِنَّا نُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَ كَمَا أَنْتَ صَيَّلَيْتَ عَلَيْهِ» سپس فرمودند: ما نیز همین طور صلوات می فرستیم (۲).

آمدن علماء خدمت امام رضا (علیه السلام) به امر مأمون (لعنه الله عليه)

ابن بابویه^۷ در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) روایت کرده مأمون علیه العنه وقتی جمعی از علمای مخالفین را جمع کرد برای آن که با حضرت رضا (علیه السلام) احتجاج نمایند، در تفصیل عترت طاهره، آن حضرت به آیات قرآن اثبات آن امر را نمود و بعد از آن که شش آیه برای اثبات این مطلب ذکر نموده بود، آیه هفتم این آیه را خواند

ص: ۱۳۶

۱- ۱. جامع الأخبار / ۵۱ - بحار الأنوار ۹۰/۲۰۸، ح ۱۲ - مستدرک الوسائل ۵/۳۶۲، ح ۶۰۹۱.

۲- ۲. جمال الأسبوع / ۲۳۴ - بحار الأنوار ۹۱/۷۱، ح ۶۶ - مستدرک الوسائل ۵/۳۴۵، ح ۶۰۵۴.

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ» الخ (۱)؛ فرمودند: آیا در میان شما کسی هست که این آیه را انکار نماید؟ همه گفتند: نه یابن رسول الله! اجماع امت بر این مطلب محقق است. عرض کردند: آیا در نزد شما چیزی هست از قرآن که از این واضح تر باشد در شأن آل محمد (علیهم السلام)؟ فرمودند: بلی خبر دهید مرا از قول حق تعالی که می فرماید: «يس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۲) که

مراد از یس کیست؟ تمام گفتند: محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است. فرمودند: خداوند به محمد و آل محمد (علیهم السلام) فضیلتی کرامت فرموده است که احدی به کُنه آن نمی رسد و آن این است که در قرآن بر انبیاء سلام فرستاده و بر غیر ایشان سلام نکرده چنان چه فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (۳) «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (۴) «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» (۵) «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» (۶) «وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ» (۷) و فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوحٍ وَ سَلَامٌ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ» و فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» (۸) یعنی آل محمد (علیهم السلام) (۹).

در کتاب جمال الأسبوع از حضرت صادق (علیه السلام) مذکور است که آن حضرت فرموده هر که بگوید «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ» خداوند به آن گوینده

ص: ۱۳۷

-
- ۱-۱. احزاب / ۵۶.
 - ۲-۲. یس / ۱ الی ۴.
 - ۳-۳. صافات / ۷۹.
 - ۴-۴. صافات / ۱۰۹.
 - ۵-۵. صافات / ۱۲۰.
 - ۶-۶. صافات / ۱۳۰.
 - ۷-۷. صافات / ۱۸۱.
 - ۸-۸. صافات / ۱۳۰.
 - ۹-۹. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۱/۳۳۶، ح ۱ - بحار الأنوار ۱۶/۸۷، ح ۹ و ۹۱/۵۱، ح ۱۶.

می فرماید: «صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ» (۱). و مرقوم است از کتاب کشف الغمّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت نموده هر که بگوید «جَزَى اللَّهُ عَنَّا مُحَمَّدًا مَا هُوَ أَهْلُهُ» هفتاد کاتب را تا مدت هزار روز در تعب می اندازد (۲).

نماز پر فضیلت شب جمعه

سید بن طاوس^۱ در جمال الأسبوع به سند خود از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت می کند: هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت پنجاه مرتبه سوره «اخلاص» را بخواند و بعد از نماز بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ وَ آلِهِ» خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و مثل آن است که گویا دوازده هزار ختم قرآن خوانده باشد و خداوند او را از گرسنگی و تشنگی روز قیامت نگاه دارد و تمام اندوه و غم او را برطرف سازد و او را از ابلیس و لشکرش نگاهداری نماید و هیچ گناهی بر او ننویسد و سکرات مرگ را بر او آسان گرداند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و خدا عذاب قبر را از او بردارد و هر چه از خدا سؤال نماید به او عطا فرماید و دعای او را مستجاب فرماید و ملک الموت روح او را قبض نکند تا این که رضوان ریحان بهشتی در نزد او آورد (۳).

در جمال الأسبوع از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است: هر که در شب جمعه دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از نماز، هزار مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ آلِهِ» خداوند شفاعت هزار پیغمبر به او عطا فرماید و ثواب ده حج و ده عمره برای او بنویسد و قصری در بهشت به او عطا فرماید که از بزرگترین شهرهای دنیا، وسیع تر باشد (۴).

ص: ۱۳۸

۱- ۱. جمال الأسبوع / ۲۳۵ - بحار الأنوار ۹۱/۷۱ - مستدرک الوسائل ۵/۳۳۰، ح ۶۰۱۳.

۲- ۲. کشف الغمّه ۲/۱۶۳.

۳- ۳. بحار الأنوار ۸۶/۳۲۷ باب ۳، ح ۳۸.

۴- ۴. جمال الأسبوع / ۱۱۹ - بحار الأنوار ۸۶/۳۲۰، ح ۲۸ - مستدرک الوسائل ۶/۸۲، ح ۶۴۸۶.

در جمال الأسبوع و مصباح المتهجد از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) منقول است هر که در شب جمعه یا روز جمعه یا شب پنجشنبه یا روز پنجشنبه یا شب و روز دوشنبه چهار رکعت نماز بخواند به دو سلام و در هر رکعت هفت مرتبه سوره «توحید» و یک مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ جِبْرَائِيلَ» خداوند به او عطا فرماید هفتاد هزار قصر که در هر قصری هفتاد هزار خانه باشد و در هر خانه، هفتاد هزار جاریه (خدمتگزار زن جوان) باشد(۱).

و صاحب بحار و جامع بزنی نقل فرموده اند که بعد از نماز جمعه باید این صلوات را خواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا تَبْقَى صِلَاوَةٌ وَ يَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا تَبْقَى بَرَكَهٌ اللَّهُمَّ وَ سَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى سَلَامٌ اللَّهُمَّ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا تَبْقَى رَحْمَةٌ»(۲).

و بزنی گفته: این صلوات از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر کس به این قسم صلوات بر پیغمبر خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) بفرستد، گناهانش محو می شود و بر دشمنان فائق آید و اسباب خیر برای او فراهم شود و به حوائج خود برسد و روزی او زیاد شود و در بهشت از رفقاء حضرت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) خواهد بود(۳).

عنایت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به مختصر

و در شرح صلوات از تاج المذکورین از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: هر مؤمنی که درود بفرستد بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) در وقت موت و حال احتضار نور پاک پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به بالین او حاضر شود و لب مبارک را بر لب او

ص: ۱۳۹

۱- ۱. جمال الأسبوع/ ۱۳۶ - بحار الأنوار ۸۶/۳۲۶، ح ۳۴ - مستدرک الوسائل ۶/۳۶۱، ح ۶۹۹۷- وسائل الشیعه ۷/۳۹۲، ح ۹۶۶۷

۲- ۲. بحار الأنوار ۸۷/۶۷.

۳- ۳. همان.

گذارد و لب او را ببوسد. چنان حالتی بر آن محتضر پیدا شود که گویا جام آبی به او دهند که از عسل شیرین تر و از یخ سردتر باشد، چون او را در قبر گذارند و نکیرین داخل قبر شوند بوی عطری از او به مشام آن ها می رسد و می گویند: این بوی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) است و مراجعت می کنند.

و مأثور است مرد فقیری بوده، یکصد مرتبه با توجه تمام صلوات فرستاده و خوابید. در خواب دید پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را، آن حضرت فرمودند: می روی نزد وزیر سلطان و می گویی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: به علامت و نشان این که به زیارت من آمدی و در سر قبر من یکصد مرتبه صلوات فرستادی، یکصد دینار به من بده. چون بیدار شد آمد نزد وزیر و خواب را گفت، وزیر یکصد دینار به او داد و دویست دینار هم به جهت بشارت قبولی اعمال خود به واسطه فرستادن صلوات به او داد.

مرقوم است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: از حضرت روح الامین شنیدم در پشت کوه دریایی است و در آن دریا ماهیانی هستند که بر آن حضرت صلوات می فرستند و عبادت آن ها همین است.

و نیز مرقوم است اگر ماهی در دریا بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) صلوات بفرستد هرگز گرفتار صیاد نخواهد شد.

در کتاب شرح صلوات از روضه الأحباب نقل می کند قریب به این مضمون که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که از امت من ده مرتبه بر من صلوات بفرستد، داخل بهشت نمی شوم تا این که هفتاد نفر از قبیله او را داخل بهشت نمایم.

صلوات عصر جمعه و فضیلت آن

الحاصل دیگر صلواتی است که بعد از عصر روز جمعه باید خواند و آن صلوات، این است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ عَلَيَّ أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» و این صلوات در اکثر کتب مذکور است. چنانچه در جمال الأسبوع به دو سند از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده و در یکی از این دو سند چنین روایت شده که بعد از نماز عصر روز جمعه، هفت مرتبه بخواند (۱).

و در روایت دیگر به این نحو است هر که بعد از عصر روز جمعه ده مرتبه این صلوات را بخواند قبل از آن که از وضع نماز بیرون رود، ملائکه تا همان وقت و ساعت جمعه دیگر بر او صلوات می فرستند (۲).

و شیخ صدوق از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده: هر که این کلمات را بعد از عصر روز جمعه بگوید خداوند می نویسد برای او یکصد هزار حسنه و محو می فرماید از او یکصد هزار سیئه و یکصد هزار حاجت او را برمی آورد و تفاوتی که در میان آن اخبار هست این است که در بعضی روایات لفظ علیه نیست (۳).

و در سرائر از جامع بزنی نقل کرده که ابوبصیر گفت از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم فرمودند: صلوات فرستادن بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) مساوی است با هفتاد حج و هر که بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند به اندازه ثواب اعمال جن و انس به او می دهند و کفعمی نیز همین حدیث را از جامع بزنی نقل نموده و در فقه الرضا (علیه السلام) مذکور است که هفت مرتبه باید خواند و همچنین روایت شیخ صدوق در کافی و علاء الدین می باشد.

ص: ۱۴۱

۱- ۱. جمال الأسبوع / ۴۴۶ - بحار الأنوار ۸۷/۹۰ - مستدرک الوسائل ۶/۹۳، ح ۶۵۱۰.

۲- ۲. جمال الأسبوع / ۴۴۵ - بحار الأنوار ۸۷/۹۰.

۳- ۳. امالی شیخ صدوق (رحمت الله) / ۳۹۹، ح ۱۶ - وسائل الشیعه ۷/۳۹۷، ح ۹۶۸۱ - بحار الأنوار ۸۷/۹۲ - مستدرک الوسائل ۶/۹۳، ح ۶۵۰۹.

در جمال الأسبوع از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بعد از عصر روز جمعه به این نحو است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ ارْفَعْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا» (۱).

در ریاض المذکورین که از کتب عامه است از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت کرده هر که هر روز سه مرتبه و در روز جمعه یکصد مرتبه بگوید:

«صَلِّمَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلِّمَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ حَمَلَهُ عَرْشِهِ وَ جَمِيعَ خَلْقِهِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»
صلوات فرستنده تمام خواهد بود به صلوات خلاق و در روز قیامت در زمره خواص آن حضرت مبعوث خواهد گردید و آن حضرت دست او را گرفته با خود داخل بهشت خواهد کرد.

در کتاب ازهار که از کتب عامه است مذکور است هر که هر روز سه مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ وَ اجْزِهِ عَنَّا خَيْرَ الْجَزَاءِ» حق نعمت بعثت را به جای آورده و پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از او دلجویی خواهد نمود و از خداوند رفعت درجه او را سؤال خواهد فرمود.

درخت محبوبه

و مرقوم است از ریاض الأحادیث که آن نیز از کتب عامه است، پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در بهشت درختی است که آن را درخت محبوبه گویند و میوه آن درخت از انار کوچک تر و از سیب بزرگ تر و از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از مسکه (روغن) نرم تر است و از آن میوه نمی خورد مگر کسی که هر روز مداومت نماید به گفتن «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ».

ص: ۱۴۲

دیگر خواندن این صلوات است که ثواب بسیار دارد «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ مَا اخْتَلَفَ الْمَلَوَانِ وَ تَعَاقَبَ الْعَصِيرَانِ وَ كَرَّ الْجَدِيدَانِ وَ اسْتَبَقَلَ الْفُرْقَدَانِ وَ بَلَّغَ رُوحَهُ وَ أَرْوَاحَ أَهْلِ بَيْتِهِ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ» و این صلوات در بین خاصه و عامه مشهور است و می گویند که خواندن یک مرتبه آن مثل ده هزار مرتبه صلوات فرستادن است. منقول است از برای قضاء حوائج این دعا را در قنوت بخوانند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَ دِينِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

صلوات فرستادن در رکوع و سجود

و مرقوم است از بحار الأنوار به دو سند از ائمه اطهار (عليهم السلام) «مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَانَ لَهُ أَجْرُ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ» یعنی هر که در حال رکوع و سجود صلوات فرستد برای او خواهد بود ثواب رکوع و سجودی که به درجه قبول رسیده و اگر ضمیر «رُكُوعِهِ» به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) بوده باشد یعنی مثل ثواب رکوع و سجود آن حضرت خواهد بود (۱).

بدان که در باب هفتاد و پنجم کفایه الخصام در حدیث نهم ابن یعقوب به سند معتبر از صفوان بن یحیی روایت نموده که در خدمت حضرت رضا (علیه السلام) بودم آن حضرت عطسه نمودند، عرض کردم: «صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ» تا سه مرتبه عطسه نمودند و من عرض کردم: «صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ». سپس عرض کردم: فدایت شوم هر گاه کسی از شما عطسه کند شما می گوئید «يَرْحَمُكَ» یا می گوئید «صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ»؟ فرمودند: مگر شما نمی گوئید: «صَلِّی عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و نمی گوئید: «ارْحَمَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ»؟ عرض کردم: بلی. فرمودند: گوینده این قول، صلوات فرستاده است بر محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و بر آن حضرت و بر ما رحمت فرستاده است.

ص: ۱۴۳

صلواتی برابر با قیام شب، و روزه روز

در کتاب مخزن الواعظین فاضل کرمانی؛ اخبار عجیبه از کتب غیر مشهوره در فضیلت صلوات نقل نموده من جمله از انس بن مالک روایت نموده روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به اصحاب فرمودند: هیچ یک از شما هست که همه روزه غذا بخورد و ثواب روزه دار در نامه عملش نوشته شود و هر شب بخوابد و ثواب عبادت داشته باشد عرض کردند: چگونه می شود؟ فرمودند: هر کس صبح ده مرتبه و هنگام خوابیدن ده مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد به چنین ثواب فائز شود و هر که یک مرتبه بر من و آل من صلوات فرستد در قیامت هفتاد مرتبه برای شفاعت او در زیر عرش الهی درآیم تا او را شفاعت نمایم.

خلقت ارواح شیعه از طینت محمد و آل محمد (علیهم السلام)

جنت مکان مرحوم تاج الواعظین نیشابوری؛ در درّه خود از عقاب الاعمال صدوق؛ نقل فرموده: مردی خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ» حضرت فرمودند: چرا نمی گویی «و آلِهِ» تا ما و شیعیان ما داخل باشیم، فرمودند که اهل بیت، پیغمبر و حسنین و فاطمه و علی (علیهم السلام) می باشند و مراد از شیعه کسانی هستند که طینت و ارواح ایشان از طینت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم)، خلق شده است و آن ها داخل در آل محمدند (علیهم السلام).

ملاحظه نما شرح فقیه را در ترجمه زیارت جامعه، کلمه «وَأَصُولَ الْكَرَمِ» یعنی ای آقایانی که اصل هر خوبی شما هستید، چون به برکت شما عالم موجود شد و خوبی ها به خلایق رسید و هر خیری که پیدا شود به واسطه محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن حضرت: است. لهذا در اخبار متواتره وارد شده هر مطلبی دارید قبل از طلب آن، صلوات بر محمد و آل آن حضرت (علیهم السلام) بفرستید تا آن صلوات سبب افاضه رحمت الهی شود و دعای شما به اجابت رسد.

از مشایخ اهل ذکر است که هر که در شب های شنبه در ابتداء غذا خوردن سه لقمه نان با پیاز بخورد و به هر لقمه بخواند: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْيَهُودَ الْخَبِيرِيَّ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّيِّدِ الْقُرَشِيِّ» در آن روز یا همان هفته وجهی یا نعمتی به او خواهد رسید غیر مترقب و مکرر هم تجربه شده است.

در کتاب تهذیب القلوب به سند خود از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت نموده که فرمودند: هر کسی مهمی داشته باشد سه هفته بر این اذکار مداومت نماید مطلب او روا شود ان شاء الله، هر یک از این اذکار را روزی هزار مرتبه بخواند روز شنبه هزار مرتبه «يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ» روز یکشنبه هزار مرتبه «يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ» روز دوشنبه هزار مرتبه «يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ» روز سه شنبه هزار مرتبه «يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» روز چهارشنبه هزار مرتبه «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمِ» روز پنجشنبه هزار مرتبه «لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» روز جمعه هزار مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

بدان که در انوار نعمانی در باب نوزدهم روایت می کند: خداوند بادی را خلق فرموده تا صلوات و سلام صلوات فرستندگان را به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) برساند.

ملک صلصائیل نزد قبر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

روایت کرده ابوسعید در کتاب «و فی شرف المصطفی (صلی الله علیه و اله و سلم)» از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: بسیار بر من صلوات بفرستید، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: عرض کردم آیا به شما می رسد صلوات بعد از جدایی بین ما و شما؟

فرمودند: بلی یا علی! به درستی که حق تعالی موکل فرموده به قبر من ملکی را که او را صلصائیل می نامند به صورت خروسی که گردن او زیر عرش و پای او زیر هفت طبقه زمین است او را سه بال است هر گاه بگشاید یکی را به مغرب و یکی را به مشرق و یکی را به سر قبر من بگشاید، هر گاه بنده ای بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» آن ملك برمی چیند آن صلوات را مثل برچیدن مرغ، دانه را. پس از آن حرکت کند بر سر قبر من و بگوید: «يَا مُحَمَّدُ» فلان فلان صلوات بر تو فرستاد و بر تو سلام خواند پس نوشته می شود از برای او در پوستی از نور مُشکِ اَزْفَر و از برای او بیست هزار حسنه می نویسند و بیست هزار سیئه از او محو می کنند و بیست هزار درخت برای او می کارند و بیست هزار درجه، درجه ی او را بلند می کنند پس هر که حاجتی به خدا داشته باشد و بخواهد برآورده شود، عمل کند به آن چه صادق آل محمد(علیهم السلام) فرمودند و آن این است که اوّل و آخر دعا و حاجت، صلوات بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) بفرستد و میان دو صلوات حاجت خودش را بخواهد زیرا که خداوند کریم تر است از این که هر دو طرف را قبول کند و میان را قبول نکند و رد کند. مثل فروختن متاع است یا باید همه آن رد شود یا همه آن قبول شود. اوّل و آخر که مقبول است نزد خدا وسط هم قبول می شود به برکت اوّل و آخر آن که صلوات بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) باشد.

و در این جا در خصوص آل محمد(علیهم السلام) تحقیقات و بیاناتی است که در این مختصر گنجایش رقم آن نیست چنان چه در «كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» و وجوه مشابهت بین محققین از علما بیاناتی است اشاره اجمالی به آن در اوّل کتاب شد. و زیاده بر این طالبین، رجوع به ریاض السالکین مرحوم سیّد علیخان^۲ در شرح صحیفه سجّادیه(علیه السلام) بنمایند.

فِيهِ مَا يَشْفِي الْعَلِيلَ وَ فِيهِ عَنِ نَهْجِ الْبُلَاغَةِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): «إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَأَبْدَأْ بِمَسْأَلِهِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِيَ إِحْدَاهُمَا وَ يَمْنَعُ الْأُخْرَى» (۱).

ص: ۱۴۶

بدان که در سراج القلوب که از تألیفات عمده العلماء و المحدّثین ابونصر قزوینی است در باب مکالمات حق تعالی با حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام) در کوه طور من جمله خطاب رسید: ای موسی! اگر میل داری به تو نزدیک شوم و از تو راضی شوم بسیار بر حبیب من محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) صلوات فرست که قضیه را مرقوم داشته ام قبلاً از کتب دیگر و در این کتاب سراج بعد از این خبر مرقوم است که موسی (علی نبینا و آله و علیه السّلام) عرض کرد: الهی این محمّد کیست که من صلوات بر او فرستم و به صلوات فرستادن بر وی به تو نزدیک شوم؟

خطاب رسید: ای موسی! چون خبر مفصل بود محلّ حاجت از او اخذ شد خطاب شد ای موسی اگر تو مقرّر و معترف نشوی به فضل و کرامت محمّد و آل محمّد (علیهم السّلام) و صلوات نفرستی تو را به روی، به آتش دوزخ می سوزانم و هر که باشد اگر چه ابراهیم خلیل و فرزند او اسماعیل باشد و خطاب شد ای موسی آن حضرت نزد من رحمت و برکت است بر هر کس که ایمان به وی آورد و هر که یک مرتبه صلوات بر محمّد و آل ایشان (علیهم السّلام) فرستد نزد من عزیز باشد.

ای موسی! رحمت من هزار جزء است یک جزء او را بر امم جمیع پیغمبران قسمت کنم و نهصد و نود و نه جزء دیگر را بر امت محمد (صلی الله علیه و اله و سلم). ای موسی محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) نوری است از نورهای من، ای موسی بسیار صلوات فرست بر نور من و دوست دار محمّد و آل ایشان (علیهم السّلام) را تا تو را در روز قیامت نورانی گردانم زیاده بر این به کتاب مذکور رجوع شود.

تقدّم پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و اله و سلم) بر سایر پیغمبران

در عروه الوثقی در تعقیبات نماز در فصل دوّم مرقوم است هر گاه اسم سایر انبیاء یا ائمه (علیهم السّلام) ذکر شود صلوات بر آن ها سنّت است ولی در صلوات بر آن ها اوّل صلوات بر محمّد و آل محمّد (علیهم السّلام) فرستد بعد از آن انبیاء، مگر در اسم مبارک حضرت ابراهیم (علیه السّلام).

روایت است از ابن عمّار که ذکر نمودم خدمت حضرت صادق آل محمّد (علیهم السلام) بعض انبیاء را و صلوات بر او فرستادم، حضرت فرمودند: وقتی که یکی از انبیاء را یاد کنی ابتدا کن به صلوات بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) و بعد از آن بر آن نبی صلوات فرست و من جمله از تعقیباتی که مرقوم فرموده «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجْرِنِي مِنَ النَّارِ وَ ارْزُقْنِي الْجَنَّةَ وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ».

و دیگر یازده مرتبه سوره «توحید» بخواند و دست های خود را به سمت آسمان بلند کند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطَلِّقَ الْأَسَارَى يَا فَكَكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوْلَاهُ فَلَاحًا وَ أَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَ آخِرَهُ صِدَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (۱).

فروع احکام فقهیه در باب صلوات

و مرقوم فرموده که مستحب است صلوات بر حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) هر وقت اسم آن بزرگوار را ذکر کند یا بشنود اگر چه در نماز یا در اثناء قرائت باشد بلکه احوط (احتیاط) ترک نکردن آن است، زیرا جماعتی از علماء فتوا داده اند به وجوب و فرقی نیست اسم آن بزرگوار ذکر شود مثل محمّد و احمد (صلی الله علیه و اله و سلم) یا کتبت آن حضرت مثل ابوالقاسم یا لقب آن حضرت مثل مصطفی و رسول و نبی (صلی الله علیه و اله و سلم) یا به ضمیر ذکر شود.

و در خبر صحیح است که صلوات بفرست بر نبی، هر وقت او را یاد کردی یا آن که کسی در اذان یا غیر آن یاد کرد.

ص: ۱۴۸

۱- من لایحضره الفقیه - مفاتیح الجنان (این دعا برای ادای حق الناس مفید است) .

مَسْئَلَةٌ: هرگاه در اثناء تشهد اسم مبارک حضرت در ضمن ذکر «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» بیاید، موجب تکرار صلوات نیست و الا تسلسل لازم می آید.

احتیاط آن است که مابین ذکر اسم مبارک و صلوات، فصل طویل بیندازد بنا بر وجوب و هم چنین بنا بر استحباب برای ادراک فضیلت آن بلافاصله صلوات فرستد پس اگر اسم مبارک را در اثناء قرائت بگوید یا بشنود صلوات را تأخیر بیندازد تا آخر سوره مگر این که در اواخر آن باشد.

مَسْئَلَةٌ: اگر اسم آن بزرگوار را به دل بگذرانند بهتر است صلوات بفرستند.

و در باب هشتم در منافیات نماز در مسئله ۳۹ می فرماید: مستحب است برای عطسه کننده و کسی که عطسه او را بشنوند حتی اگر در نماز باشد، انگشت خود را بر بینی گذارد و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

صدقه و نماز ليله الدفن

و در باب نمازهای مستحبی در نماز شب دفن میت مرقوم فرموده اند که کفعمی و ابن فهد (رضوان الله علیهما) از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند که حضرت فرمودند: هیچ وقتی نیست بر میت شدیدتر باشد از شب اول وفات پس رحم کنید اموات خود را به دادن صدقات و نماز بخوانید دو رکعت، در رکعت اول «حمد» و «آیه الکرسی» و رکعت دوم «حمد» و ده مرتبه سوره «قدر» و بعد از سلام بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَيَّ قَبْرِ فُلَانٍ» پس به درستی که خدای تعالی همان ساعت هزار ملک را به سوی قبر او مبعوث می فرماید که با هر ملکی ثوبی (لباسی) و حُلّه باشد و مقتضای این روایت آن است که این نماز در وقتی است که چیزی نداشته باشد که صدقه دهد و بهتر در صورت امکان جمع بین هر دو است و ظاهر روایت کفایت نماز یک نفر است پس سزاوار است که قصد خصوصیت در چهل نفر نکند بلکه به قصد رجاء یا قصد اهداء ثواب به جا آورد.

تطبیق عدد ائمه (علیهم السلام) با حروف «لا اله الا الله»

بدان که در ذخیره المعاد حاج ملا- نوروز علی بسطامی قدس سره در اواخر کتاب در خصوص ذکر حیوانات، شرحی می نویسند و در شرح کلمه «لا- اله الا الله» مرقوم می دارند: اعتقاد من این بود این کلمه از چند جهت افضل است از همه اذکار مثل این که این کلمه دوازده حرف است به عدد ائمه طاهرین (علیهم السلام) چنان چه در زیارت جوادیه مأثور است که «السَّلَامُ عَلَى شُهُورِ الْحَوْلِ وَ عَدَدِ السَّاعَاتِ وَ حُرُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي الرُّقُومِ الْمُسَطَّرَاتِ».

دیگر آن که در تفسیر آیه شریفه «إِلَيْهِ يَصِيءُ عَدُّ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَرْفَعُهُ»^(۱) در اخبار و احادیث ائمه اطهار (علیهم السلام) تفسیر به کلمه طیبیه «لا- اله الا- الله» شده، چنان چه علامه مجلسی^۲ در بحار الأنوار بابی در این خصوص عنوان کرده است.

دیگر آن که حضرت رضا (علیه السلام) در نیشابور چنان چه در عیون مسطور است فرمودند: خداوند فرموده «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»^(۲).

و نیز در نزدیکی سرخس هم این حدیث را بیان فرمودند و اگر غیر از این کلمه چیز دیگر در نزد آن حضرت بهتر بود، آن را بیان می فرمودند.

دیگر این که این کلمه قابل ریا نیست زیرا که محتاج به حرکت لب نیست.

□

ص: ۱۵۰

۱- ۱. فاطر/۱۰.

۲- ۲. (کلمه توحید (لا اله الا الله) دژ و حصار محکم من است. هر کس آن را بگوید، داخل حصار من شده و هر کس داخل قلعه و حصار من شود، از عذاب من در امان است.) بحار الأنوار ۴۹/۱۲۶، ح ۳.

دیگر آن که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در میزان عمل کلمه ای سنگین تر از کلمه «لا اله الا الله» نیست زیرا که هر گاه جمیع آسمان ها و زمین ها و آن چه در آن ها می باشد تمام را در یک کفه میزان گذارند و کلمه «لا اله الا الله» را در کفه دیگر هر آینه «لا اله الا الله» ارجح خواهد بود از جمیع آن ها و این کلمه محبوب ترین کلمات است در نزد خداوند چنان چه در بعض اخبار دارد که عماد توحید «لا اله الا الله» می باشد و اسم اعظم در آن است.

تعلیم نمودن اسم اعظم به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

و منقول از تفسیر مجمع البیان است از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت است که آن حضرت یک شب قبل از واقعه بدر، جناب خضر (علی نبینا و آله و علیه السلام) را در خواب دیده و به او فرمودند: چیزی به من تعلیم نما تا مرا یاری نماید و غالب شوم بر اعداء عرض کرد: بفرمائید «یا هُوَ یا مَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ»، آن حضرت فرمودند چون از خواب بیدار شدم خواب خود را به پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) عرض نمودم، ایشان فرمودند: «عُلِّمْتَ الْأَعْظَمَ» و این کلمه در روز بدر پیوسته به زبان من جاری بود (۱)، چنان چه خود حقیر مؤلف مطالبی در خصوص این ذکر مشاهده کرده ام که محل ذکر آن نیست.

دیگر آن که از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده هر مؤمنی که این کلمه را بگوید، جمیع گناهان او آمرزیده شود و ریخته شود مثل برگ از درخت و مثل همان گناهان، ثواب در نامه عمل او ثبت شود و هر بنده ای که بکشد آواز خود را به گفتن این کلمه، مثل برگ درخت گناهان او می ریزد و هر گاه اضافه نماید به «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» لفظ «یا حَیُّ یا قَیُّوم» را امید است که اسم اعظم الهی باشد چنان چه اخبار چندی بر آن دلالت دارد از این جهت است که گفته شده که افضل اذکار گفتن «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ» است.

ص: ۱۵۱

در عیون اخبار الرضا (علیه السلام) روایت نموده رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: از برای خداوند عالم عمودی است از یاقوت سرخ که سر آن عمود در زیر عرش است و اسفل آن عمود بر پشت ماهی است در زیر زمین هفتم پس هر گاه بنده بگوید

«لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» عرش خدا به حرکت درآید، پس خداوند عالم فرماید: ساکن شو ای عرش! عرش عرض نماید: چگونه ساکن شوم و حال این که هنوز نیامرزیده ای گوینده ی «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را و جهات و اخبار دیگر هم در فضیلت کلمه توحید بسیار است ولیکن جماعتی گویند که ذکر صلوات بر اذکار دیگر ترجیح دارد زیرا که صلوات اقرار به توحید و نبوت و ولایت هر سه است چنان چه در یکی از تألیفات یک نفر از دارالمؤمنین یزد ملاحظه کردم برای صلوات فواید مرقوم بود.

و خلاصه آن که، ذکر صلوات بر اذکار دیگر راجح است و دلائلی هم بیان می فرمایند من جمله مرقوم است که اخبار دالّ به وجوب صلوات بعد از شنیدن اسم مبارک آن حضرت هست چه در نماز و چه وقت دیگر ولی قول به وجوب «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، هنگام شنیدن «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در اخبار و کلمات علماء اختیار نیست.

و در بعضی از کتب عامّه مذکور است پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در روز قیامت من و علی و حضرت ابراهیم در طرف راست عرش بر کرسی نشسته ایم و تمام امت من در عقب سر من بایستند به اختلاف درجات و هر کس در عقب هر نماز فریضه ده مرتبه بر من صلوات فرستد او را در نزد من جای دهد و من او را بینم و او مرا ببیند و روی او مانند ماه شب چهارده تابان باشد.

در ریاض الأُنس که از کتب عامّه است مذکور است پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که یک مرتبه بر من صلوات فرستد خداوند به دو ملک حافظ او امر می فرماید تا سه روز بر او هیچ گناهی ننویسند.

در کافی و ثواب الأعمال صدوق^۷ روایت شده پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: در روز قیامت هر کس کفّه گناهِش سنگین باشد، صلواتی که بر من فرستاده است می آورم و در کفّه حسناتش می گذارم، حسناتش سنگین خواهد شد.

و مرقوم است از کتاب انوارالاصول که از کتب عامّه است از عبدالله شیمره روایت کرده روزی پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) از حجره بیرون آمدند و فرمودند: شب گذشته در خواب دیدم مردی از امت من از صراط می گذشت و هر لحظه پای او می لغزید، پس دیدم صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و او را از صراط گذرانید.

در خبر است آن حضرت فرمودند: بشارت دهید صلوات فرستنده بر من را، به بهشت، قبل از آن که مرگ او را دریابد.

در کتب عامّه مرقوم است به هر مؤمنی پنج ملک موکل است یکی در مقابل رو که شیطان را از او دور می کند، دیگری در عقب سر او که آفات آسمانی را از او دفع می کند، سوم طرف راست او که حسنات او را می نویسد، چهارم در طرف چپ او که گناهان او را ثبت می کند، پنجم در ناصیه او که او را حافظ می گویند و هر صلواتی که آن مؤمن در شب می فرستد آن ملک او را نگاه می دارد تا به وقت طلوع آفتاب آن وقت می رود و باز به جهت حفظ صلوات روز می آید و رفتن آن ملک برای این است که می رود به نزد مرقد مطهر حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و عرض می کند: یا رسول الله! فلان بن فلان در این شب یا در این روز بر شما چندین صلوات فرستاده است آن حضرت می فرماید: صلوات و سلام من بر او باد پس آن ملک می رود در نزد عرش الهی و عرض می کند: خدایا فلان بنده تو چندین صلوات بر حیب تو فرستاده است و حیب تو بر او صلوات و سلام فرستاد. خداوند متعال می فرماید: بر آن بنده باد صلوات و خطاب می فرماید که آن صلوات را بسنجد امر می شود که آن صلوات را می آورند و در کفّه حسنات آن بنده می گذارند تا سنگین شود پس به حکم «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ»^(۱) او را به رضوان برند.

ص: ۱۵۳

در فصل پنجم کتاب ثواب صلوات مرقوم است و نیز عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند که فرمودند هر کلامی که در آن به ذکر خداوند و درود بر من ابتدا کرده نشود آن کلام ابر است.

همچنین عامّه از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند که فرمودند: چون از وضو فارغ شدید بگوئید «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» و بعد صلوات بفرستید برای شما درهای رحمت گشاده می شود.

عامّه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده اند که فرمودند: «إِذَا مَرَرْتُمْ بِالْمَسْجِدِ فَصَلُّوا عَلَيَّ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و اله و سلم)» و دیگران نیز این حدیث را از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت کرده اند.

و در اخبار دیگر هم دارد که چون نظر شما بر مسجد افتد، باید صلوات بفرستید.

و نیز عامّه از فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) روایت کرده اند که چون پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) داخل مسجد می شدند صلوات می فرستادند و می گفتند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» و چون از مسجد بیرون می آمدند صلوات می فرستادند و می گفتند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» و در روایات خاصه هم دارد که باید حین دخول و خروج از مسجد صلوات فرستاد(۱).

و در جمال الأسبوع از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده چون بنده بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ» هر دعایی بکند مستجاب می شود.

همچنین از آن حضرت روایت کرده که هر بگوید «يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ» البته خدا او را بیامرزد.

ص: ۱۵۴

و در جامع الأخبار از حضرت صادق (علیه السلام) روایت نموده هر کس بگوید «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَيْتِهِ» خداوند هزار حسنه از برای او می نویسد (۱).

در جلد اول حيوه القلوب در فصل دوم مرقوم است خطاب رسید: موسی! صلوات بفرست بر پیغمبر و آل ایشان: که من و ملائکه من بر او صلوات می فرستیم.

در نخبه الادعیه مرقوم است در روز دوشنبه هزار مرتبه باید صلوات فرستاد و روزهای سه شنبه یکصد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا».

و در نزهه المجالس که از کتب عامه است مرقوم است مردی با فرزند خود مسافرت نمود و اجل او رسید، حین وفات سر او مانند سر خوک شد فرزند او شروع کرد گریه کردن و مهموم شد، به خواب رفت در خواب، قائلی به او گفت: چون پدر تو ربا می خورد به این جهت سر او مانند سر خوک شد و پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به این دلیل او را شفاعت فرمودند که هر وقت اسم پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را می شنید صلوات می فرستاد پس ما برگردانیم صورت او را به صورت اول، محزون مباش.

و مرقوم است حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) ده مرتبه عصای خود را زد به دریا و رود نیل شکافته نشد خطاب رسید: ای موسی! صلوات بفرست بر محمد و آل آن حضرت تا دریا شکافته شود حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) شروع نمود صلوات فرستادن، دریا شکافته شد.

و مرقوم است خانه ای که در آن اسم محمد باشد، برکت آن خانه زیاد می شود.

و مرقوم است یکی از صلحا گفت: همسایه ای داشتم بسیار معصیت می نمود از دنیا رفت در خواب او را دیدم که در بهشت مقام عالی دارد، سؤال کردم: به چه جهت این مقام را پیدا کردی؟ پاسخ داد شنیدم محدثی می گفت: کسی که صلوات بفرستد بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و بلند کند صدای خود را در صلوات، بهشت بر او

ص: ۱۵۵

واجب می شود تمام مردم صدا به صلوات بلند کردند من هم با آن ها همراهی نمودم، خدا گناهان مرا آمرزید.

تکلم نمودن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) با ماه

در نزهه نیز مرقوم است عباس بن عبدالمطلب می گوید نگاه کردم به صورت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: عمو! حاجتی داری؟ عرض کردم: بلی وقتی که حلیمه خاتون شما را شیر می داد، طفل چهل روزه بودید دیدم که شما با ماه حرف می زدید و ماه هم با شما حرف می زد به زبانی که من نفهمیدم فرمودند: عمو، قماط (قنداقه) مرا صدمه زده بود خواستم گریه کنم ماه خطاب کرد: گریه مکن اگر اشک چشم شما بر زمین برسد دیگر گیاهی روئیده نخواهد شد عباس دست بر دست زد و گفت طفل چهل روزه اینها را می داند! فرمودند: عمو به آن خدایی که جان من در ید قدرت اوست من می شنیدم صدای قلم را که بر لوح می نوشت و من در تاریکی رحم مادر بودم می خواهی زیادتر برای تو بگویم؟ یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر را خدا مبعوث کرد که نمی دانستند آن ها پیغمبرند تا وقتی که به سنّ چهل سالگی رسیدند، غیر از حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) که از شکم مادر که متولد شد گفت: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ»، ای عمو! می خواهی زیادتر برای تو بگویم؟ عرض کرد: بلی فرمودند: وقتی که من متولد شدم خداوند هفت کوه در هفت آسمان قرار داد و پر نمود از ملائکه که عدد آن ها را غیر از خدا، دیگری نمی داند و تسبیح خدا می نمایند تا روز قیامت و خداوند ثواب آن ها را قرار می دهد برای کسی اسم مرا بشنود و صلوات فرستد بدن عباس به لرزه درآمد و شروع به صلوات فرستادن کرد.

و در کتاب منازل الآخرة عمدته العلماء و المحلّثین آقای حاج شیخ عباس قمی (رحمت الله) مرقوم فرمودند: شاید هیچ عملی مثل صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت (علیهم السلام) و حُسن خُلق برای سنگین نمودن میزان اعمال نباشد.

و مرقوم است از شیخ کلینی؛ به سند معتبر روایت کرده حضرت باقر (علیه السلام) به حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) در میزان گذارده نمی شود.

بیان تعداد ملائکه نزد بندگان

بدان که در جلد سوم بحار روایت می کند از کتاب قصص القرآن که راوی گفت: خلیفه غاصب سوم (لعنه الله علیه) وارد شد بر پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و عرض کرد: یا رسول الله! خبر ده مرا از بندگان خدا که هر کدام چند ملک با آن هاست؟ آن حضرت فرمودند: هر کدام را ملکی به طرف چپ است که گناهان را می نویسد اگر توبه نکند و پشیمان نشود و دو ملک مقابل روی و عقب سر هستند، چنان چه خدا می فرماید: «لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (۱) و ملک دیگر که گرفته است ناصیه تو را که هر گاه تواضع نمودی برای خدا، خدا تو را بلند می کند و هر گاه غیر از آن نمودی تو را پست و رسوا می کند «وَ مَلَكَانِ عَلَى شَفَتَيْكَ لَيْسَ يَحْفَظَانِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» این دو ملک موکلند بر مصلی و ملک دیگر موکل بر دهان توست که مانع است از حیوان موذی از مار و غیره که داخل دهان تو شوند و دو ملک بر چشم های تو هستند پس این ده ملک شدند بر هر آدمی و ملائکه شب غیر از ملائکه روز می باشند که هر شبانه روزی بیست نفر می شوند و شیطان در روز موکل بر آدمی است و اولاد او در شب که خداوند فرموده: «وَ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْحَافِظِينَ» (۲).

و نیز محدث قمی در مفاتیح الجنان از حضرت صادق (علیه السلام) مرقوم فرموده: هر کس در روز جمعه غسل کند و این دعا را بخواند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ» برای او طهارت باشد تا جمعه آینده یعنی از گناهان پاک شود (۳).

ص: ۱۵۷

۱- ۱. رعد/۱۱.

۲- ۲. انفطار/۱۰.

۳- ۳. بحار الأنوار ۸۶/۳۵۲ - من لا يحضره الفقيه ۱/۱۱۲، ح ۲۲۸ - وسائل الشیعه ۳/۳۲۳، ح ۳۷۶۶ - مستدرک الوسائل ۲/۵۰۹، ح ۲۵۸۵.

حاصل آن چه از اخبار به ما رسیده باید دعا کنیم و بر آن ها صلوات فرستیم که «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ» (۱)؛ الخ فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ «وَ إِذَا سَأَلْتَكُ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۲) وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ فِي سُورَةِ الْمُؤْمِنِ «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۳).

ملاحظه فرما اخباری که در فضیلت دعا وارد شده من جمله در جامع الأخبار است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله و سلم): الدُّعَا سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ» (۴) «وَقَالَ (صلى الله عليه و اله و سلم): إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُلِحِّينَ فِي الدُّعَاءِ» (۵) «وَقَالَ (صلى الله عليه و اله و سلم): لَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الدُّعَاءِ» (۶) «وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعُفَاةُ ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ «قُلْ مَا يَعْجُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (۷) و دعاؤه (عليه السلام): اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ أَعْمَارِنَا خَوَاتِمَهُ وَ خَيْرَ أَيَامِنَا يَوْمَ نَلْقَاكَ فِيهِ وَ يَقُولُ الدَّاعِي بَعْدَ فَرِيضَةِ الظُّهْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَأْخُذُ بِيَدِهِ الْيَمْنَى مَحَاسِنَتَهُ وَ يَرْفَعُ يَدَهُ الْيُسْرَى وَ يَقُولُ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ» (۸). و كان من دعائه (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَنَى يُطْغِينِي وَ فَقْرٍ يُنْسِينِي وَ هَوًى يَزِدُّنِي وَ عَمَلٍ يُخْزِينِي» (۹).

وَ دُعَاءٌ مَرْوِيُّ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و اله و سلم): اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ سُوءِ الْقَدْرِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ» (۱۰).

ص: ۱۵۸

- ۱- ۱. احزاب/ ۵۶.
- ۲- ۲. بقره/ ۱۸۶.
- ۳- ۳. غافر (مؤمن)/ ۶۰.
- ۴- ۴. الكافي ۲/ ۴۶۸، ح ۱ - جامع الأخبار / ۱۳۱ - مكارم الأخلاق / ۲۶۸ - بحار الأنوار ۹۰/ ۲۸۸، ح ۱.
- ۵- ۵. جامع الأخبار / ۱۳۱ - بحار الأنوار ۹۰/ ۳۷۸، ح ۱۱ - مستدرک الوسائل ۵/ ۱۹۳.
- ۶- ۶. الدعوات / ۲۰ - بحار الأنوار ۹۰/ ۳۰۰.
- ۷- ۷. فرقان/ ۷۷.
- ۸- ۸. جامع الأخبار / ۱۳۱.
- ۹- ۹. جامع الأخبار / ۱۳۲ - بحار الأنوار ۹۲/ ۳۶۰.
- ۱۰- ۱۰. جامع الأخبار / ۱۳۲ - بحار الأنوار ۹۲/ ۳۶۰، ح ۱۶.

در جلد یازدهم بحار الأنوار از عیون اخبار الرضا (علیه السلام) نقل می فرماید در باب استجاب دعا من جمله مرقوم است جماعتی آمدند نزد مأمون (لَعَنَهُ اللهُ عَلَيْهِ) و گفتند: حضرت رضا (علیه السلام) مجلسی فراهم نموده و مردم را موعظه می کنند و مردم مفتون فرمایشات او شده اند .

مأمون (لَعَنَهُ اللهُ عَلَيْهِ) حاجب خود محمد بن طوسی را فرستاد و مردم را از مجلس حضرت متفرق نمود و حضرت را طلبید چون حضرت وارد شدند آن ملعون کلمات مستخفانه ای به آن حضرت گفت: «فَخَرَجَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) مِنْ عِنْدِهِ مُغْضَبًا» حضرت غضب آلوده بیرون آمدند و لب های مبارک را حرکت می دادند و می فرمودند: به حق پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و علی و فاطمه (علیهما السلام) و به حول و قوه الهی مردم را بر او می شورانم که او را استخفاف نمایند حضرت وارد خانه شدند و دو رکعت نماز به جای آوردند.

«فَقَالَ (علیه السلام): اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْمِنَّةِ الْمُتَتَابِعَةِ وَالْآلَاءِ الْمُتَوَالِيَةِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةَ يَا مَنْ لَا يُوصَفُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يُعْلَبُ بِظَهِيرٍ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا فَارْتَفَعَ وَصَدَرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ وَاحْتَجَّجَ فَأَبْلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ يَا مَنْ سَيَّمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ حَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَارَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَوَحَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَحَسِرَتْ دُونَ إِذْرَاكِ عَظَمَتِهِ حَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ يَا عَالِمَ حَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِينَ وَ يَا شَاهِدَ لِحَطَّاتِ أَبْصَارِ النَّاطِرِينَ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِجَلَالَتِهِ وَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيَفَتِهِ وَارْتَعَدَتِ الْفَرَائِصُ مِنْ فَرَقِهِ يَا يَدِي ۚ يَا بِيَدِي يَا قَوِي يَا مَنِيعُ يَا عَلِيُّ يَا رَفِيعُ صَلِّ عَلَيَّ مِنْ شَرَّفَتِ الصَّلَاةَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ ظَلَمَنِي» (۱).

ص: ۱۵۹

پنج خصلت مشترک بین نبی خاتم (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام)

بدان که در کفایه الخصام در باب ۷۵ در حدیث دهم آن مرقوم است حموینی که از اعیان علمای عامه است می گوید فخر الدین محمد بن الرضی گفته است: حق تعالی اهل بیت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) را در پنج خصلت و فضیلت با ایشان شریک و مساوی گردانیده است:

اول: در محبت خدای تعالی، آن جا که فرموده «فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (۱) که صدر آیه مبارکه این جمله است «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ» (۲) یعنی بگو ای حبیب من اگر شما دوست می دارید مرا پس متابعت نمائید مرا تا دوست بدارد خدا شما را؛ و در حق اهل بیت او فرموده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۳).

دوم: تحریم صدقه که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: صدقه بر من و بر اهل بیت من (علیهم السلام) حرام است .

سوم: در طهارت که در حق پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرموده «طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (۴) و در خصوص اهل بیت این بزرگوار (علیهم السلام) فرموده «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۵).

چهارم: در سلام فرموده «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و درباره اهل بیت (علیهم السلام) می فرماید: «سَيِّلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ» (۶).

پنجم: در صلوات می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

ص: ۱۶۰

۱- ۱. آل عمران/ ۳۱.

۲- ۲. همان .

۳- ۳. شوری/ ۲۳ .

۴- ۴. طه/ ۱ و ۲ .

۵- ۵. احزاب/ ۳۳ .

۶- ۶. صافات/ ۱۳۰ .

همچنین در کتاب مذکور مرقوم است از محمد بن یعقوب کلینی: به سند خود از حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) روایت کرده که فرمودند هر که عطسه نماید و دست بر بالای بینی خود بگذارد و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» از سوراخ چپ بینی او بیرون آید مرغی که کوچک تر باشد از جراد یعنی ملخ و بزرگ تر باشد از مگس و برود در زیر عرش و از برای عطسه کننده تا روز قیامت استغفار کند.

بدان که مرحوم حجه الاسلام آقای آخوند ملا محمد باقر فشارکی اصفهانی: در آداب الشریعه مرقوم فرموده که اعمال مستحبّه در روز سی و یک چیز است. من جمله این استغفار است که اگر در روز خوانده شود باعث مغفرت چهل گناه کبیره است « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ » دیگر روزی صد مرتبه صلوات که قبلاً نوشته شده است .

همچنین هر کس ریش خود را هفتاد مرتبه شانه کند و تا هفتاد روز مداومت داشته باشد ، خاصه اگر شانه را برسینه خود بکشد و بگوید «اللَّهُمَّ سَرِّحْنِي عَنِ الْهُمُومِ وَ الْغُمُومِ وَ وَحْشَةِ الصُّدُورِ» از شرّ شیطان محفوظ ماند .

همچنین اگر دو مرتبه شانه بر ابروی راست و دو مرتبه بر ابروی چپ خود بکشد و هفت مرتبه صلوات بفرستد از چشم درد محفوظ ماند . همچنین هر کس در وقت غروب روز جمعه این دعا را هفت مرتبه بخواند تا هفته آینده از بلاها محفوظ ماند : « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنَّا الْبَلَاءَ الْمُبْرَمَ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ».

فائده ی ختم لعن و صلوات

و مرقوم است از ختم مجرّبه یکی آن که چهارده روز به جهت هر حاجت در هر روزی هزار مرتبه صلوات فرستد از برای حضرات چهارده معصوم (علیهم السلام) و اگر در هر روزی هزار و چهارصد مرتبه بگوید به اجابت نزدیک تر است و در منتخب الختم از هزار زیادتر ندارد.

دیگر به جهت قضاء حاجت، هفتاد و دو عدد ریگ بردارد و سی و شش دانه ی آن ریگ ها را طرف راست و سی و شش دانه دیگر را طرف چپ خود گذارد و دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن ریگ ها را که طرف راست او است هر یک را برداشته و ده مرتبه بر او صلوات فرستد که در مجموع سیصد و شصت صلوات می شود و به عدد ریگ ها که طرف چپ او است هر یک را ده مرتبه بر او لعن بخواند و بعد ریگ های صلوات را در نهر آب یا در چاه بریزد و ریگ های لعن خوانده را در جای کثیف یا بالوعه (فاضلاب) بریزد، به حاجت خواهد رسید، ان شاء الله. و در منتخب الختوم هم ختم مرقوم را دارد و مرقوم است که باید روز دوشنبه و در زیر آسمان باشد و محلّ اعتماد اهل ذکر است و تجربه شده و ریگ ها باید هفتاد و چهار عدد باشد و دو قسمت نماید به طریق مرقوم و چندین قسم دیگر هم در منتخب مرقوم است، طالبان رجوع فرمایند.

و از بعضی اهل خبر نقل شده شخصی آمد خدمت حضرت صادق آل محمد (علیهم السلام) و عرض کرد: دو جامه دوخته ام یکی را با هر نخ صلوات فرستاده و دیگری را با هر نخ لعن نموده ام، کدام یک ثواب او زیادتر است؟ فرمودند: ما لعن را بیشتر دوست می داریم.

در خواص و فوائد سوره های قرآن در خصوص ختم سوره «فاتحه الكتاب» از مرحوم مجلسی؛ و دیگران مرقوم است قبل از طلوع صبح روز جمعه غسل کند و بعد از نافله و فریضه صبح و تسبیح فاطمه زهراء (علیها السلام) یکصد مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ» و یکصد مرتبه صلوات بفرستد، مرقوم است به تجربه رسیده است.

و همچنین به جهت هلاکت ظالم مرقوم است که هزار مرتبه «بِسْمِ اللَّهِ» و هزار مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و هزار مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و هزار مرتبه صلوات فرستد دفع آن ظالم خواهد شد و البته مخذول گردد و مداومت به این کلمات موجب وسعت روزی و صفای باطن است.

از معجزات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در باب صلوات

بدان که در مدینه المعجز سید هاشم در معجزه یکصد و هشتادم در باب معجزات حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مرقوم است از تفسیر حضرت عسکری (علیه السلام) که خلاصه ترجمه آن این است:

مردی از دوستان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از شام عریضه نوشت خدمت حضرت که من مال زیادی دارم و اهل و عیال دارم که از مفارقت آن ها خائفم و بسیار میل دارم بیایم خدمت شما و از زر و مال و عیال خود خوف دارم چه کنم «فَبَعَثَ إِلَيْهِ عَلِيُّ (علیه السلام) أَجْمَعَ أَهْلَكَ وَ عِيَالَكَ وَ حَصَلَ عِنْدَهُمْ مَالُكَ وَ صَلَّى عَلَيَّ ذَلِكَ كُلَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ هَذِهِ كُلُّهَا وَ دَائِعِي عِنْدَكَ بِأَمْرِ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ قُمْ وَ أَنْهَضْ إِلَيَّ» حضرت فرمودند: اموال خود را یک جا جمع کن با عیال خود و صلوات بر روح محمّد و آل محمّد بفرست و بگو خدایا این ها از من نزد تو، به امر بنده و ولی تو علی بن ابیطالب (علیه السلام) امانت است.

آن مرد به فرموده حضرت عمل نمود و خدمت حضرت در کوفه شرفیاب شد. خبر به معاویه (لعنه الله علیه) دادند گفت: بروید و تمام اموال او را غارت کنید و عیال او را به رسم کنیزی اختیار نمایید و بفروشید، گماشتگان معاویه (لعنه الله علیه) چون آمدند وارد خانه آن مرد شدند دیدند در آن خانه کسی نیست به جز اهل و عیال معاویه و یزید (لعنه الله علیهما) که تمام در آن خانه اند و آن ها گفتند به گماشتگان برگردید بروید، ما هر چه اموال بود اخذ نمودیم، عیال و اولاد آن مرد را هم فرستادیم بازار بفروشند ملازمان معاویه (لعنه الله علیه) مراجعت نموده و خداوند عالم، اهل بیت آن مرد را از نظر آن ها مستور نمود و شبه عیال و اهل معاویه (لعنه الله علیه) را به آن ها نمود که به خیال آن ها، نزدیک آن ها بروند و مراجعت کنند به قسمی که اهل و عیال آن مرد هم فهمیدند که قضیه چگونه شد و خداوند آن ها را از نظر ایشان غائب و مخفی نمود. چون چند روزی گذشت و دزدان شهر فهمیدند که صاحب آن خانه نیست به خانه آمدند که اموال ایشان را

به سرقت ببرند، چند مرتبه آمدند خداوند آن اموال را به صورت مار و عقرب نمود که دست سارقین را می‌گزیدند حتی بعضی از آن‌ها مُردند و بعضی مریض شدند تا یک روز حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کوفه به آن مرد فرمودند: می‌خواهی عیال و اموال تو بیایند نزد تو؟ عرض کرد: بلی حضرت دعا کردند «اللَّهُمَّ ائْتِ بِهِمْ» در حال دیدند تمام اموال و عیال او به معجزه حضرت حاضر شدند بدون نقصان آن وقت نقل نمودند برای حضرت شرح تمثیل عیال معاویه و یزید و خواص آن‌ها را و کیفیت مار و عقرب و سارقین را حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ رُبَّمَا أَظْهَرَ آيَةً لِيُبْعِضَ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِيدَ فِي بَصِيرَتِهِ، وَ لِيُبْعِضَ الْكَافِرِينَ لِيُبَالِغَ فِي الْأَعْذَارِ إِلَيْهِ» فرمودند: در بعضی اوقات آیتی ظاهر می‌شود برای مؤمنین به جهت بینایی و برای کفار به جهت اتمام حجّت و قطع عذر که از آن‌ها بشود (۱).

پیدا شدن گوهر در شکم ماهی با فرستادن صلوات

در تفسیر حضرت عسکری (علیه السلام) و در باب هفدهم جلد دوم حیوه القلوب علامه ی مجلسی / دارد شخصی آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، حضرت فرمودند: چگونه است حال تو با برادران دینی خود در موافقت با آن‌ها در محبت با محمد و علی (علیهما السلام) و عداوت با دشمنان ایشان؟ عرض کرد: آن‌ها را مثل جان خودم می‌دانم یعنی دوستم با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما حضرت فرمودند: تویی دوست خداوند پس غم مخور به جهت سختی‌های دنیا که به واسطه آن چه گفתי آنقدر خدا نعمت به تو بدهد که احدی را نداده باشد پس در تمام اوقات مشغول به ذکر صلوات باش.

روزی خلفای غاصب اولی و دومی (لعنه الله علیهما) به او رسیدند گفتند: ای فلانی! پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) خوب نوشته ای برایت مهیا کرد، صلوات که رفع گرسنگی و فقر را نمی‌کند روز دیگر باز آن دو نفر آن مرد را در بازار دیدند گفتند خوب است او را استهزاء کنیم آمدند مقابل

ص: ۱۶۴

۱- ۱. تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) / ۴۲۳، ح ۲۸۹ - بحار الأنوار ۴۲/۴۹، ح ۱۳.

او و گفتند: ای مرد! مردم در بازار که می روند تجارت ها می کنند و سودها می برند تو چه می کنی در بازارها؟ گفت: من که مالی ندارم که تجارت نمایم، تجارت من ذکر صلوات است گفتند: صلوات که طعام و شراب نمی شود و او را سرزنش نمودند گفت به خدا قسم چنین نیست محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) رسول خدا است و هر که ایمان به او آورد به درجات عالی می رسد و خدا او را از سختی ها نجات دهد ناگاه مردی پیدا شد و سه عدد ماهی بد بوی فاسدی داشت آن دو نفر از روی سخریه گفتند: این ماهی را بفروش به این مرد که از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) است ماهی فروش گفت: بخر. آن مرد گفت: پول ندارم. آن دو نفر گفتند: خریداری کن پول آن را پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) به تو می دهد آن مرد ماهی را گرفت مرد ماهی فروش رفت خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، حضرت فرمودند: یک درهم به او دادند، و رفت. پس آن مؤمن در مقابل آن دو نفر شکم ماهی را پاره کرد و دانه جواهر بیرون آمد که دوست هزار درهم قیمت او بود آن دو نفر محزون شدند، دویند نزد صاحب ماهی که در شکم ماهی دو دانه جواهر پیدا شد، تو ماهی فروخته ای جواهر که فروخته ای برگرد، جواهر خود را از او بگیر.

صاحب ماهی برگشت و جواهر را گرفت، در دست او عقرب گردید و دست او را گزید فوراً آن ها را انداخت آن دو نفر گفتند: سحر محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) است آن مؤمن چون شکم ماهی را شستشو داد دو گوهر گرانبهای دیگر پیدا کرد باز آن دو نفر، صاحب ماهی را خبر دادند چون آمد و خواست آن دو گوهر را از او بگیرد دو گوهر دو مار شدند و بر او حمله کردند ماهی فروش فریاد زد که من نمی خواهم آن مؤمن آن ها را گرفت باز به معجزه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) گوهر شدند گفت: ای دشمنان خدا! اگر اینها سحر است پس بهشت و جهنم هم سحر است چرا ایمان نمی آورید، آن مؤمن آن چهار گوهر را آورد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)، جمعی از تجار عرب حاضر شدند و آن ها را به چهارصد هزار درهم خریدند حضرت فرمودند: خدا این نعمت را به تو داد برای ذکر صلوات و تعظیم محمد و علی (علیهما السلام) آیا می خواهی تو را خبر دهم به تجارتی که بسیار فائده برای تو داشته باشد؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله! فرمودند آن ها را قسمت کن به برادرهای دینی خود و بده به

آن ها که هزار برابر ، مقابل کوه ابوقییس و کوه احد و طور خدا در بهشت به تو می دهد و به جهت تو در بهشت خدا قصرها بنا کند که پایه او از زبرجد و آن قصر از طلا باشد مردی حاضر بود عرض کرد: یا رسول الله! من که مال ندارم که انفاق کنم، چه کنم؟ فرمودند: چون محبت ما را دارا هستی ما تو را شفاعت خواهیم نمود.

نمازهای ماه رجب و فوائد آن

بدان که در کتاب منهاج العارفين و معراج العابدین فاضل سمنانی^۱ در اعمال ماه رجب مرقوم نموده از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده هر کس پنجشنبه اولی از ماه رجب را روزه بگیرد و بعد از نماز خُفتن شب جمعه دوازده رکعت نماز بخواند به شش سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره «قدر» را سه مرتبه و سوره «توحید» را دوازده مرتبه بخواند و بعد از فراغ از دوازده رکعت هفتاد مرتبه بگوید: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» سر از سجده بردارد، هفتاد مرتبه بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ» پس باز به سجده رود و هفتاد مرتبه بگوید: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» و حوائج خود را از خدا بخواند روا شود ان شاءالله و این نماز را نماز ليله الرغائب خوانند.

و در مصباح کفعمی^۲ این نماز را بین نماز شام و خُفتن مرقوم داشته و گفته که پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: هر که پنجشنبه اول ماه رجب را روزه بدارد و این عمل را به جای آورد، بیمارزد خدا گناهان او را هر چند مثل کف دریاها و عدد ریگ بیابان ها و برگ درختان و سنگینی کوه ها باشد و شفاعت او در قیامت مقبول است در حق هفتصد نفر از اهل او که همه مستوجب جهنم بوده باشند.

از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت گردیده : هر که در شب دوّم ماه رجب دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بعد از حمد چهل مرتبه صلوات فرستد و یکصد مرتبه سوره مبارکه «توحید» بخواند ملائکه با او مصافحه نمایند.

در منہاج از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت شده: هر که در شب هفتم ماه رجب چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد یک مرتبه و «توحید» و «قل أعوذ برب الفلق» و «قل أعوذ برب الناس» را هر یک را سه مرتبه بخواند و بعد از فراغ ده مرتبه صلوات فرستد و ده مرتبه تسبیحات اربعه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» بخواند خداوند او را در سایه عرش جای دهد و عطا کند به او ثواب روزه دار ماه رمضان را و ملائکه برای او استغفار نمایند و آسان شود برای او جان دادن و فشار قبر و از دنیا بیرون نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و از فرع اکبر ایمن شود.

دیگر می نویسد هر که در شب بیست و دوم رجب هشت رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد یک مرتبه و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را هفت مرتبه بخواند و بعد از فراغ ده مرتبه صلوات فرستد و ده مرتبه استغفار نماید خدا عاقبت او را به خیر فرماید و نوشته شود برای او ثواب هفتاد پیغمبر و با اسلام و ایمان بمیرد و از دنیا بیرون نرود تا این که منزل خود را در بهشت ببیند.

در کتاب مصباح المتہجد از حسن بن راشد روایت شده که گفت: خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا غیر از اعیاد مشهوره دیگر عیدی هست؟ فرمودند: بهترین اعیاد روز مبعث پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) است در روز بیست و هفتم رجب. عرض کردم: در آن روز چه باید کرد؟ فرمودند: روزه می گیری و صلوات بسیار بر محمد و آل محمد (علیہم السلام) می فرستی.

صلوات ماه شعبان و اعمال آن

و نیز در منہاج مرقوم است هر که در روزهای پنجشنبه ماه شعبان دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بعد از حمد یکصد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از فراغ از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد هر حاجتی که داشته باشد از خدا بخواهد روا خواهد شد.

از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت گردیده: هر که در شب پنجم ماه شعبان دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد پانصد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از

نماز هفتاد مرتبه صلوات فرستد خداوند هزار حاجت او را در دنیا و آخرت برآورد و برای او در بهشت شهرهایی به عدد ستارگان بنا کند.

در شب نیمه ماه شعبان این صلوات از حضرت صاحب الأمر **f** «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ» الخ و دعای هر روز ماه شعبان «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ» الخ.

از پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) روایت گردیده: هر که در شب آخر ماه شعبان دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد هزار شهر در بهشت برای او بنا نمایند. و در خبر دارد که یک صلوات در ماه شعبان برابر است با ده صلوات در غیر آن. و مرحوم علامه مجلسی **r** در زاد المعاد در اعمال ماه صفر مرقوم می فرمایند: در روز سوّم ماه صفر دو رکعت نماز بخوانید به این شرح که در رکعت اوّل بعد از حمد سوره «أَنَا فَتَحْنَا» و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره «تَوْحِيد» را بخوانید و بعد از نماز، یکصد مرتبه صلوات بفرستید و یکصد مرتبه بگویید: «اللَّهُمَّ الْعَنْ آلَ أَبِي سُفْيَانَ» و صد مرتبه بگویید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

و محدّث سبزواری **r** در جلد احوالات ملائکه در مجلس سی و هفتم مرقوم می فرماید: در روز قیامت ملکی بال خود را می کشد بر روی پل صراط و می گوید: هر که در دنیا صلوات فرستاده بیاید از روی بال من بگذرد و برود که آتش او را اذیت نخواهد کرد.

نماز شب های ماه مبارک رمضان و فوائد آن

خلاصه ملاحظه فرما منہاج و کتب ادعیّه را دعایی که امام زین العابدین و امام محمّد باقر (علیهما السلام) در روزهای ماه مبارک رمضان می خواندند که در آن صلوات بسیار دارد و اوّل دعا این است: «اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ» الخ.

در همان کتاب است هر که شب پنجم ماه رمضان دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره «توحید» بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات بفرستد با حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) داخل بهشت شود و هر که در شب نهم ماه رمضان شش رکعت نماز بکند میان نماز مغرب و عشاء و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه «آیه الکرسی» بخواند و بعد از سلام پنجاه مرتبه صلوات بفرستد عمل او بالا گیرد با عمل صدیقین و صالحین و هر که در شب بیستم و هشتم ماه رمضان شش رکعت نماز بخواند و بعد از حمد هر یک از «آیه الکرسی» و سوره «أنا اعطیناک» و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام یکصد مرتبه صلوات فرستد تمام گناه او آمرزیده شود و مرقوم است هر که در شب آخر ماه رمضان دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از سلام یکصد مرتبه صلوات بفرستد رحمت الهی به او ختم گردد، ان شاء الله تعالی.

و در تعقیبات نماز صبح است این دعا که عبارات او اغلب صلوات است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» الخ و در اعمال روزهای جمعه چهار رکعت نماز مرقوم است بدین کیفیت که هر کس قبل از عصر روز جمعه چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی سوره «حمد» و «توحید» و «معوذتین» و «آیه الکرسی» و سوره «قدر» و آیه شریفه «شَهِدَ اللَّهُ» هر یکی را ده مرتبه بخواند و بعد از سلام یکصد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و یکصد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و یکصد مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» بگویند، خدا از او شر آسمان و زمین را دفع کند.

دعای دیگری است در منہاج در روز جمعه و بعد از دعا دو رکعت نماز دارد و هزار مرتبه صلوات که شرح او طولانی است طالبین رجوع فرماید و مرقوم است

هر که بخوهد پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمه هدی (علیهم السلام) را مسرور سازد، در روز جمعه بخواند این دعا را «يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ» تا آخر دعا، به منهاج رجوع شود.

و صلوات های کبیره بسیار است در کتب، مثل صلوات روزهای ماه مبارک «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» و صلوات بعد از عصر جمعه و صلواتی که در نهج البلاغه مذکور است «اللَّهُمَّ دَاحِيَ الْمَذْخُوتِ» و دعایی که کفعمی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده «اللَّهُمَّ يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ».

و صلواتی که در مصباح و جمال الأسبوع از حضرت صاحب الأمر^۱ روایت است و دستور داده شده «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ» الخ و همین صلوات در اعمال روز جمعه در کتاب مفاتیح آقای حاج شیخ عباس قمی^۱ مرقوم است و صلواتی که سید بن طاوس و شیخ طوسی^۲ در کتاب مصباح المتهجد مرقوم نموده و مشتمل است بر صلوات تمام ائمه علیه السلام که از امام زمان^۳ رسیده «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَ حَمَلْتِكِ وَ بَلَّغِ رِسَالَاتِكَ» الخ و دعای حضرت ادریس (علیه السلام) که در سحرهای ماه مبارک وارد شده «سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» الخ که صلوات بسیار دارد و دعای هر روز ماه مبارک «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ» الخ و دعای شب اول ماه مبارک «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ سُؤَالَ الْمُسْتَكِينِ الْمُسْتَكِينِ» الخ و دعای شب بیست و دوم ماه مبارک «يَا ظَهَرَ اللَّاجِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ كُنْ لِي حِصْنًا وَ حِرْزًا» الخ و دعای «سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ» الخ که مناجات و صلوات های بسیار خوبی است و دعای دخول به ماه مبارک و وقت افطار «اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ» الخ و دعای «الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي هَدَانَا لِحَمِيدِهِ» الخ و دعای بعد از نماز مغرب شب اول ماه مبارک «اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي» الخ و دعای افتتاح «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ» الخ و مناجات با حق تعالی «إِلَهِي وَقَفَ السَّائِلُونَ بِبَابِكَ» الخ و دعاهاى وارده در هر روز و هر شب خصوصاً دهه آخر و شب های قدر و دعاهاى وداع ماه مبارک و دعای ابو حمزه و دعاهاى شب و روز عرفه و عید قربان در

صحیفه سجادیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» الخ که صلوات های بسیار دارد و آخر دعا هم باید هزار مرتبه صلوات فرستاد و دعای
عید غدیر «اللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيِّ وَلِيِّكَ» الخ و دعای یوم مباحله و وقت تحویل و روز نوروز و بعد از ختم قرآن و دعای
والدین در صحیفه سجادیه و دعاهاى وسعت رزق و اداء دین در صحیفه کامله و خلاصی محبوس و ادعیه دفع هم و غم در
صحیفه کامله «يَا فَارِجَ الْهَمِّ» الخ و چنان چه در معراج العابد است به جهت دفع هم و غم بگویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنَجِّنِي مِنْ هَذَا الْعَمِّ» الخ و دیگر ادعیه دفع امراض و دفع دشمن و
ظالم و دفع سحر و جن و شیاطین در صحیفه سجادیه «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» الخ و دعاهاى دفع
جانوران و گزندگان و آفت زراعت و حفظ حیوانات و ادعیه برداشتن «تربت حضرت سیدالشهداء ارواح العالمین له الفداء» و
به جهت دفع وبا و طاعون و ادعیه خواب دیدن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و غیره، برای
زیاد شدن حافظه و سفر و آکل و شرب و طلب اولاد و زیاد شدن عمر و دعای علوی مصری برای دفع دشمن و دعاهاى دیگر.

خلاصه غرض از مزاحمت و فهرست این دعاها این بود که دانسته باشی که هیچ عبادت و دعا از ما قبول نمی شود مگر به
واسطه محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و آل آن حضرت (علیهم السلام) و هیچ مرض و هم و غمی از ما دفع نمی شود مگر
توسل به آن انوار مقدسه (علیهم السلام) و بر آن ها صلوات فرستادن .

در منهاج است که هر که هفت مرتبه این دعا را در آخر روز جمعه بخواند از همه بلاها محفوظ بماند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنَّا الْبَلَاءَ الْمُبْرَمَ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و همچنین در منهاج در باب ششم در ادعیه حفظ در صفحه ۲۵۶ روایت می کند: هر که چیزی از حدیث را فراموش کند،
دست خود را بر پیشانی بگذارد و بگوید: «صَلِّمَنِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ يَا مُبْدِئَ الْخَيْرِ وَ فَاعِلَهُ وَ أَمْرَهُ وَ ذِكْرُنِي مَا
أَنْسَانِيهِ الشَّيْطَانُ» آن چه فراموش کرده، به خاطرش آید.

خلاصه هر دعایی که در او ذکر صلوات بیشتر دارد گمان این حقیر این است که به اجابت مقرون تر باشد به برکت صلوات ، چنان چه در کافی هم دارد اوّل و وسط و آخر دعا صلوات بفرستید.

بدان که در کتاب منتخب الختوم که از تألیفات عالم ربّانی آقای آقا ملا شکر الله لواسانی که در حاشیه کتاب بحر الغرائب که در شرح اسماء الله است چنین مرقوم می دارند: هر که در یک مجلس هفتصد و هشتاد و شش مرتبه بگوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و بعد از آن به همین عدد صلوات بفرستد برای هر حاجتی خوب و بسیار مجرب است. ولیکن مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی^۲ در کتاب مفتاح السعاده صلوات را یکصد و سی و دو مرتبه (۱۳۲) می نویسد ولی معلوم است مطابق اخبار هر چه صلوات بیشتر البته اجر و اثر او زیادتر است.

در منتخب مرقوم است به جهت هلاکت دشمن هزار مرتبه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و هزار مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بگوید و هزار مرتبه صلوات بفرستد و بعد از هر هزار مرتبه از این چهار ذکر به آن ظالم نفرین کند، البته هلاک شود یا مخدول و منکوب گردد.

مرقوم است برای هر مهمی در سه روز اوّل، سوره «فاتحه» را هفت مرتبه بخواند و هفت مرتبه صلوات فرستد و هشتاد مرتبه سوره «الم نشرح» را بخواند و بعد از آن هزار و یک مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد هفت مرتبه سوره «فاتحه» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد می نویسد، سه روز نگذرد که حاجت او روا شود.

در کتاب عدّه الدّاعی مرقوم است از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) مروی است هر کس بامداد، بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده مرتبه سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد بدین طریق «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ» هر حاجتی داشته باشد، بی شک برآورده شود و به تجربه رسیده است.

از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است برای هر مطلبی در خلوت دویست و بیست و پنج (۲۲۵) مرتبه سوره مبارکه «الْهَاقِمُ التَّكَاثُرُ» را بخواند و بوی خوش بخور نماید و بعد از آن هزار مرتبه صلوات فرستد، ان شاء الله مطلب او روا شود.

و در اخبار دارد که هر که در نصف شب جمعه بعد از تَهَجُّد چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی بعد از حمد، سه مرتبه سوره «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ» بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد، ان شاء الله مطلب او روا شود.

در منتخب الختوم دارد برای هر مطلب در مدّت دو ماه تمام هلالی هر روزی هزار مرتبه صلوات فرستد چون مدّت تمام شود مطلب و حاجت هم برآورده خواهد شد ان شاء الله.

چنان چه خود حقیر مؤلف در زمان نوشتن ختم مرقوم، برای مطلب مهمی مشغول شدم اواخر ماه دوّم مطلب روا شد. مرتبه دیگر هم به جهت مهم دیگر خواندم به مطلب رسیدم.

برای قضاء حوائج دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد از حمد یازده مرتبه سوره «قریش» را بخواند و بعد از سلام ده مرتبه یا یکصد مرتبه یا هزار مرتبه صلوات فرستد و بعد از آن در سجده ده مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَنْ خَلْقِكَ» و ده مرتبه بگوید «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ» حاجت او روا شود، ان شاء الله تعالی.

مرقوم است به جهت رسیدن به مقاصد عظیمه و مطالب مهمه روز پنجشنبه را روزه بگیرد و با غسل یکصد مرتبه صلوات فرستد و دو رکعت نماز حاجت کند و در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه «آیه الکرسی» و بیست و پنج مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و بعد از نماز بلافاصله چهل و یک هزار مرتبه بگوید «يَا وَهَّابُ» بسیار مؤثر است .

ختم توسل به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)

چون این ختم راجع به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بود میل نمودم تیماً درج نمایم و او این است :

در کتاب مرقوم می نویسد: در روایات معتبره و احادیث متعدده وارد است که به جهت قضاء جمیع حوائج و مطالب متوسل به حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بشود و یکصد و بیست و هشت مرتبه بگوید «إِلَهِي بِحَقِّ الْحُسَيْنِ وَ أَخِيهِ وَ جَدِّهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ بَنِيهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ زَائِرِيهِ وَ سِيَّكَانِهِ وَ مُجَاوِرِيهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنَ الْهَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ وَ مِنَ الْعَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» البته مهم و حاجت او روا شود از برکت وجود مقدس امام مظلوم (علیه السلام) و هم و غم او برطرف شود ان شاء الله تعالی.

نماز کن فیکون

من جمله در منتخب مرقوم است برای جمیع حوائج نماز کن فیکون را بخواند که بسیاری از بزرگان دین به آن عمل می نموده اند و کیفیت او این است که بعد از نماز خفتن شب جمعه به مکان خلوتی برود و دو رکعت نماز حاجت بخواند و در رکعت اول بعد از حمد از اول سوره «انعام» تا «وَ كُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ» (۱) بخواند و رکوع و سجود به جای آورد و برخیزد و در رکعت دوم بعد از حمد از آیه «وَ لَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى» (۲) تا آخر سوره بخواند و قنوت و رکوع و سجود بخواند و پس از سلام هزار مرتبه صلوات فرستد و دعا کند و حاجت خود را از خدا بخواهد البته به اجابت مقرون است اگر چه میان او و آن حاجت بُعْدُ الْمَشْرِقَيْنِ باشد و به جهت سرعت تأثیر اجابت است این نماز مُسْمَى به نماز کُنْ فَيَكُونُ گشته و از مجربات است.

ص: ۱۷۴

۱- ۱. انعام/۹۳.

۲- ۲. انعام/۹۴.

از بعضی از ائمه (علیهم السلام) روایت شده: هر که از شیعیان ما را مطلبی باشد و در کار خود درمانده باشد و چاره آن کار را نداند بعد از نماز عشاء هزار مرتبه بگوید «یا کریم» و بعد از آن هزار مرتبه صلوات فرستد و مطلب را قصد نماید و در بستر بخوابد در خواب او را دلالت کنند بر مقصود و به چاره او را خبر دهند و این عمل از مجربات است.

در منتخب به جهت مطالب عمده و وسعت رزق و غالب شدن بر خصم مرقوم است: در شب جمعه یک ساعت قبل از طلوع صبح برخیزد و دو رکعت نماز افتتاح به جای بیاورد و در رکعت اول بعد از حمد سوره «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» را بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات فرستد بدین طریق «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» بعد از آن هزار مرتبه بگوید «يَا لَطِيفُ اِرْحَمْنَا اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ» عدد کبیرش چهل و یک روز و عدد صغیرش بیست و یک روز است .

از برای قضاء حوائج مرقوم است هر کسی شب جمعه بعد از نماز عشاء این دعا را یکصد مرتبه بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد، البته حاجتش روا گردد «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي لَا رَبَّ لِي سِوَاكَ فَادْعُوهُ وَلَا إِلَهَ غَيْرِكَ فَارْجُوهُ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ الْعَبْدُ يُحْطَى وَ الرَّبُّ يَغْفُو فَإِنْ كَانَ دَعْوَتِي لَمْ يَكْ صِدْقَةً وَ يَقِينِي لَمْ يَكْ خَالِصًا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْنِنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ». و در بحر الغرائب می نویسد برای جمیع حوائج اول وضو بگیرد و سه مرتبه به این طریق صلوات فرستد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كَلِمَاتِكَ وَ الطَّافِكِ وَ يَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ ذَرَّةٍ وَ مَائَةِ أَلْفِ أَلْفِ مَرَّةٍ» و بعد از این صلوات یکصد مرتبه این ذکر را به صدق تمام بگوید: «يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَحْسِنِ إِلَيْنَا بِإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ» به حاجت خواهد رسید، ان شاء الله تعالی.

در منتخب مرقوم است از برای هر حاجتی که داشته باشد اول غسل کند و لباس پاکیزه بپوشد و در مکان خلوتی برود و با کسی تکلم نکند و انگشتر عقیق سرخ یا فیروزج (فیروزه) در دست نماید و دو رکعت نماز حاجت بخواند و بعد از حمد هر سوره که می خواهد بخواند چون از نماز فارغ شود هفت مرتبه سوره «حمد» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد و هفتاد مرتبه سوره «حمد» را بخواند و سر را به سجده بگذارد حاجت خود را از خدا بخواهد ان شاءالله حاجت او روا شود و بهتر این است که وقت خواندن بوی خوش بخور کند و روز پنجشنبه یا جمعه باشد و اگر روز پنجشنبه را روزه بگیرد و به جای آورد بهتر است و در بعضی کتب وارد است که این عمل را در وقتی که قمر زایدالنور (۱) باشد به جا بیاورد بهتر است و هیچ شکی در سرعت اجابت این دعوت نیست.

نماز حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)

در کتاب نخبه الأدعیه فاضل یزدی؛ مرقوم است به جهت برآمدن حاجت نماز حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) را بخواند و آن دو رکعت است. در هر رکعتی بعد از حمد، دوازده مرتبه سوره «توحید» را بخواند و بعد از نماز یکصد مرتبه صلوات بفرستد و بعد به سجده رود و دوازده مرتبه بگوید: «يَا مَوْلَايَا يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ أَعْتَنِي» بعد سر بردارد و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَحْبُوسِ فِي سِجْنِ هَارُونَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي».

صلوه المضطر

و در کتاب تحفه المهدویه مرقوم است از برای حوائج بخوانید نمازی را که نامیده شده است به صلوه المضطر و آن چهار است هر دو رکعت به یک سلام در

ص: ۱۷۶

رکعت اول بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید: «أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» و در رکعت دوم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَا مِنْ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» و در رکعت سوم بیست و پنج مرتبه بگوید: «حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» و در رکعت چهارم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» و بعد از نماز بیست و پنج مرتبه صلوات فرستد و از خدا حاجت خود را بخواهد. و در جای دیگر هم این نماز را به همین طریق از کتاب لثالی مخزونه مرحوم ملاً محسن فیض نقل می نماید و مرقوم است که خواص او بسیار است « وَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ » اسباب فرح و خوشحالی از برای عامل آن ظاهر خواهد شد، ان شاء الله تعالی.

منعقد شدن نطفه طیبه پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و صلوات ملائکه

بدان که در جلد دوم حیوه القلوب در فصل ششم، از باب سوم مرقوم است از کتاب فضائل شاذان بن جبرئیل که چون دو ماه از انعقاد نطفه شریف پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) گذشت، خداوند امر فرمودند ملکی را که ندا کند در آسمان ها و زمین ها که صلوات بفرستید بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) و برای امت آن حضرت استغفار نمائید.

و جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر مجتهد نهاوندی در کتاب گلزار اکبری، در گلشن ۳۳ مرقوم می فرمایند: ختم صلوات برای روا شدن جمیع حوائج از مجربات است، کسی که در یک مجلس چهارده هزار مرتبه صلوات فرستد و هدیه کند بر ارواح طاهره چهارده معصوم (علیهم السلام) به این نحو که هزار اول را هدیه برای حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و اله و سلم) قرار دهد و هزار دوم را برای حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و هزار سوم برای حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) تا

آخر ائمه (عليهم السلام) تا برسد به حضرت حجت f و در گلشن مرقوم ختومات بسیار خوبی دارد، من جمله مرقوم است از کتاب عدّه الدّاعی که از حضرت رسول (صلی الله علیه و اله و سلم) مروی است: هر کس بامداد بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده مرتبه سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخواند و یکصد مرتبه صلوات فرستد به این طریق «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ» هر مُراد و مقصدی که داشته باشد، بی شک برآورده خواهد شد که مکرّر تجربه شده است .

ختم اسم مبارک امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

دیگر مرقوم است در خصوص ختم اسم مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که راوی گوید: از برای هر مطلبی که مداومت کردم چهار روز نگذشت که روا شد و آن این است که در مسجد یا جای خلوتی برود و دوازده هزار مرتبه بگوید:

«یا عَلِيُّ»، البته به مُرادش برسد و این کلمه، اسم اعظم خداوند است و مردم از این اسم مبارک غفلت دارند.

زیاده بر این طالبین فضائل و مقامات محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) رجوع فرمایند به کُتُب اخبار مثل کافی و غایه المرام و اثبات الهداه شیخ حرّ عاملی⁷ و جلد نوزدهم بحار الأنوار و مطالعه نمایند باب ۲۸ و ۲۹ او را که باب الإستشفاء به محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) و باب فضل الصّیلولات علی النَّبِيِّ وَ آلِهِ (علیهم السلام) می باشد تا معرفت آن ها برای توسّل و صلوات فرستادن بر محمّد و آل آن حضرت (علیهم السلام) کامل گردد.

«فِي الْبَحَارِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (عليه السلام) قَالَ: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَيَّ اللَّهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» (۱).

ص: ۱۷۸

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۵، ح ۷ - مستدرک الوسائل ۵/۲۲۹، ح ۵۷۶۰.

و نیز در جلد نوزدهم بحار الأنوار در باب ۲۹ مرقوم است برای هر مطلبی توسل به یک نفر از ائمه اطهار (علیهم السلام) بجوئید و دعاهای توسل به هر یک را مرقوم می فرمایند و در آخر باب مرقوم دعای صلوات بسیار خوبی است با عبارات لطیف و شرح بسیار «اللَّهُمَّ رَبِّ مُحَمَّدٍ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ أَنْ يَنْطَلِقَ لِسَانِي مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيْهِ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى» إلى آخر الدعاء، طالبین رجوع فرمایند (۱).

توسل عمّار بر محمد و آل آن حضرت (علیهم السلام)

و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و نوزدهم بحار الأنوار در تفسیر آیه مبارکه «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا» (۲) الخ وارد است یهود معاهده کردند که اصحاب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) را از دین اسلام برگردانند بعد از جنگ اُحد طایفه ای از یهود آمدند نزد عمّار بن یاسر و حذیفه بن یمان و گفتند محمد مثل سایر طلب کنندگان دنیا جنگ می کند، در جنگی مغلوب می شود در جنگی غالب و پیغمبر نیست، باز گردید از دین او، جناب حذیفه گفت: لعنت بر شما، حرف شما را گوش نخواهم داد و برخاست و رفت و اما عمّار بن یاسر نشست و به آن ها گفت: پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) وعده داده به اصحاب خود که صبر کنید ظفر خواهید یافت و صبر کردند و ظفر یافتند و در جنگ احد نیز همچنین وعده ای را به آن ها داد مخالفت کردند، از این جهت مغلوب شدند. یهود گفتند: ای عمّار! پس تو می دانی که محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) بر سادات قریش غلبه خواهد کرد با این ساق باریک پاهایی که تو داری؟ عمّار گفت: به آن خدایی که این پیغمبر را به راستی فرستاده است معرفتی در حق پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت و جانشینان او (علیهم السلام) دارم که هر چه بفرمایند اطاعت کنم اگر مرا امر

ص: ۱۷۹

۱- ۱. بحار الأنوار ۹۱/۴۳، ح ۲۶.

۲- ۲. بقره/۱۰۹.

کنند که آسمان را به زمین آورم یا این که زمین را به آسمان ببرم البته می توانم با همین ساق های باریک پا، گفتند: محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) نزد خدا کوچک تر از این مقام است و تو در نزد او کوچک تری از این ادعا. عمار از نزد آن ها برخاست و گفت اتمام حجت به شما کردم و آمد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) حضرت فرمودند: عمار خبر تو و حذیفه به من رسید که تو چه گفتی با یهود در این سخن بودند که یهود رسیدند و گفتند: ای محمد! عمار گمان می کند که اگر او را امر نمایی به این که آسمان را به زمین بیاورد یا زمین را به آسمان ببرد می تواند و ما اکتفا می کنیم به این که سنگی که جلوی شماست، بردارد با این ساق های باریک و در آن مکان سنگی بود که دوپست نفر نمی توانستند آن را حرکت بدهند. گفتند: عمار این سنگ را بلند نماید. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: کوچک شمارید عمار را با این ساق های باریک، حسنات او از کوه های عالم بلکه از زمین سنگین تر است و خدای به واسطه صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) برداشتن سنگین تر از این سنگ را نیز برای او آسان نموده است. عرش حق تعالی بر شانه هشت ملک به واسطه ذکر صلوات بر محمد و آل طیبین ایشان (علیهم السلام) سبک گردیده است. پس فرمودند ای عمار! در دل بگیر اطاعت مرا و بگوی خدایا به جاه محمد و آل ایشان (علیهم السلام) قوت مرا زیاد کن چنان چه به صلوات بر محمد و آل ایشان (علیهم السلام) کالب بن یوحنا سواره، اسب خود را بر روی دریا دوانید که گنجایش شرح او در این جا نیست.

خلاصه عمار در دل گرفت اطاعت رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) و اهل بیت او (علیهم السلام) را عرض کرد: الهی به جاه محمد و آل محمد (علیهم السلام) قوت مرا زیاد کن و سنگ را برداشت و بالای سر نگاه داشت و عرض کرد: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو به خدا قسم که سنگ سبک تر است از چوب خلال دندان، پس پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: ای عمار! سنگ را بینداز بالای این کوه که تقریباً یک فرسخ مسافت داشت، پس سنگ را انداخت بالای کوه قرار گرفت. پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: آیا

دیدید؟ گفتند: بلی. فرمودند: ای عمار! برخیز برو بالای این کوه، سنگی که چند برابر بزرگ تر از این سنگ است، بیاور نزد من. پس عمار به اعجاز فرموده حضرت، یک قدم برداشت قدم دوم بالای کوه رسید، سنگ بزرگ تر را دید، آن را برداشت. در قدم سوم آن را آورد خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم). حضرت فرمودند: ای عمار! سنگ را بزن بر زمین؛ یهود ترسیدند. چون سنگ را بر زمین زد، سنگ متلاشی شد و خرد گردید. پس حضرت فرمودند: دیدید؟ گفتند: بلی.

پس بعضی ایمان آوردند و بعضی انکار کردند. سپس فرمودند: به مسلمانان که مثل این سنگ مثل گناہانی است که از آسمان و زمین بزرگ تر باشد و به توبه و تجدید دوستی ما در دل از هم بپاشد و آن گناہان برطرف شود و هر گاه طاعت شما به قدر آسمان و زمین و دریاها باشد و کافر به ولایت و دوستی ما باشید، از هم پاشیده و متفرق خواهید شد و در قیامت فائده ای برای شما ندارد و در عذاب خواهید بود.

«فَكَانَ الْمُنَافِقُونَ تَضِيقُ صُدُورُهُمْ مِمَّا يُوسُوسُ بِهِ إِلَيْهِمُ الْيَهُودُ وَالْمُنَافِقُونَ مِنَ الشُّبُهَةِ فِي الدِّينِ» و مسلمین به واسطه وسوسه ها و شیطنت منافقین و یهود سینه های آن ها ضیق و دل تنگ بودند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: می خواهید چیزی به شما تعلیم کنم که سینه شما وسیع و باز گردد و وسوسه دشمنان شما اثر نکند؟ عرض کردند: بلی یا رسول الله! فرمودند: صلوات بر من و آل من بفرستید تا دل شما پاک شود، چنان چه در شعب مکه به واسطه فرستادن صلوات امور آن ها اصلاح شد (۱).

ص: ۱۸۱

نماز توسل به حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) و حالات ایشان

در این کتاب چون خواستم توسل به حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) پیدا کرده باشم لهذا این نماز توسل به آن مظلومه را با جزئی از حالات و مقامات آن حضرت به سلک تحریر در آوردم چنان چه در جلد نوزدهم بحار الأنوار در باب ۲۹ مرقوم است نماز حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) و آن دو رکعت است و چون از دو رکعت نماز فراغت یافت تسیح مشهوره حضرت را بخواند و بعد پیشانی را بر زمین گذارد و در سجده یکصد مرتبه بگوید «یا مَوْلَاتِی یا فَاطِمَةُ اَغْیِثِی» بعد طرف راست صورت را گذارد و یکصد مرتبه بگوید بعد طرف چپ صورت را گذارد و یکصد مرتبه بگوید بعد دوباره پیشانی را گذارد و یکصد و ده مرتبه این ذکر را بگوید ان شاء الله حاجت روا خواهد شد (۱).

و اما راجع به مقامات و حالات صدیقه طاهره (علیها السلام) چنان چه در جلد چهارم ناسخ التواریخ مرقوم است پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) به فاطمه فرمودند: نور دیده! در روز قیامت منبری از برای تو نصب می کنند از نور، چون بر فراز منبر شوی جبرئیل عرض می کند: ای فاطمه! حاجت خود را بخواه. تو عرض می کنی: پروردگارا! حسن و حسین را به من بنما. ایشان را می آورند در حالتی که خون از رگ های گلوی حسین جاری است. آن حضرت عرض می کند: الهی امروز حق مرا از کسانی که به من ظلم نموده اند، بگیر. آن وقت زبانه های آتش شعله می کشد و چنان چه مرغان دانه بر می چینند، قاتلان حسین و کسانی که به آن ظلم ها راضی بوده اند را می رباید. «یا فَاطِمَةُ سَلِّی حَاجَتِکِ» الخ؛ ترجمه خبر آن که باز جبرئیل عرض می کند:

ص: ۱۸۲

ای فاطمه! حاجت خود را از خدا بخواه. فاطمه (علیها السلام) عرض می کند: ای پروردگار من! «شَدَّيْعَتِي فَيَقُولُ اللَّهُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ» خطاب می رسد آن ها را آمرزیدم. عرض می کند: دوستداران شیعیان مرا، خطاب می رسد آمرزیدم و هر کس به دامن تولای تو چنگ زده، داخل بهشت خواهد شد (۱).

أَيْضاً مَرْقُومٌ اسْتِ از عیون اخبار الرضا (علیه السلام) سند به علی بن موسی (علیهما السلام) پیوسته می شود و ایشان از آباء گرامی خود: روایت می کند «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): تُحْشَرُ ابْنَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَضِيْبُوعَةٌ بِالْذَّمَاءِ» الخ .

همچنین ترجمه عبارت از حضرت رضا (علیه السلام) مروی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: محشور می شود دختر من فاطمه در روز قیامت در حالی که جامه های او از خون رنگین است دست به قائمه عرش می زند و عرض می کند الهی حکم کن در میان من و قاتلان فرزندان من، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند سوگند به خداوند کعبه که حکم می کند از برای دختر من و نیز به طریق دیگر این حدیث از حضرت رضا (علیه السلام) روایت است الا آن که در ذیل حدیث دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْضِبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا» (۲). و نیز از حضرت رضا (علیه السلام) مروی است در روز قیامت ندایی می رسد که ای مردم ببوشید چشم های خود را که دختر پیغمبر آخرالزمان (صلی الله علیه و آله و سلم) می خواهد عبور نماید و جامه رقیق گلگون در بر دارد (۳).

و مرقوم است از کتاب ثواب الأعمال و سند به ابی عبدالله (علیه السلام) پیوسته می شود «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِفَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ وَ أَقْبَلَ الْحَسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَأْسَهُ فِي يَدِهِ» الخ یعنی فرمودند: در روز قیامت از برای حضرت فاطمه (علیها السلام) قبه ای از نور نصب می کنند و

ص: ۱۸۳

۱- ۱. بحار الأنوار ۸/۵۳، ح ۶۲.

۲- ۲. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۲/۲۶ - بحار الأنوار ۴۳/۲۲۰، ح ۳.

۳- ۳. بحار الأنوار ۴۳/۵۵.

حسین مظلوم (علیه السلام) می آید در حالتی که سر مبارکش در فراز دست اوست. چون حضرت فاطمه (علیها السلام) این حالت را مشاهده می نماید چنان نعره می زند که باقی نمی ماند هیچ فرشته مقرب و هیچ پیغمبر مرسل و هیچ بنده مؤمن مگر آن که همه گریان می شوند. این خبر مفصل است، طالبین رجوع فرمایند به جلد نوزدهم بحار الأنوار علامه مجلسی (۱).

و مرقوم است از عیون اخبار الرضا (علیه السلام) از حضرت ثامن الأئمه (علیه السلام) «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): إِنِّي سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ» (۲).

در کتاب مصباح الأنوار از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند: «قَالَ (علیه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): يَا فَاطِمَةُ أَتَدْرِينَ لِمَ سَمَّيْتِ فَاطِمَةَ؟ فَقَالَ عَلِيُّ (علیه السلام): يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سَمَّيْتِ قَالَ لِأَنَّهَا فَطِمَتْ هِيَ وَ شَيَّعَتْهَا مِنَ النَّارِ» (۳). و نیز مرقوم است از امالی شیخ طوسی: «قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): إِنَّمَا سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ» (۴).

دیگر از کتاب فردوس از جابر انصاری حدیث می کند: «قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ): إِنَّمَا سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مُحِبِّيَهَا عَنِ النَّارِ» (۵).

دیگر مرقوم است از امالی شیخ از حضرت رضا (علیه السلام) از آباء طاهریشان: از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرمودند: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) يَقُولُ: سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ النَّارِ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِيدِ وَ الإِيمَانِ بِمَا جِئْتُ بِهِ» یعنی آن هایی که خدای را با ایمان و توحید ملاقات نمایند (۶).

ص: ۱۸۴

۱- ۱. ثواب الأعمال / ۲۱۶ - بحار الأنوار ۴۳/۲۲۱، ح ۷.

۲- ۲. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۲/۴۶، ح ۱۷۴ - بحار الأنوار ۴۳/۱۲، ح ۴. « ترجمه »: (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمودند: من نام دخترم را فاطمه گذاشتم، زیرا خدای عزوجل فاطمه و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دور نگه داشته است.)

۳- ۳. علل الشرایع ۱/۱۷۹، ح ۵ - بحار الأنوار ۴۳/۱۴، ح ۱۰.

۴- ۴. امالی شیخ طوسی ۱/ ۲۹۴ مجلس ۱۱، ح ۵۷۱ - بحار الأنوار ۴۳/۱۵، ح ۱۲.

۵- ۵. بحار الأنوار ۴۳/۱۶.

۶- ۶. بحار الأنوار ۴۳/۱۸.

تفسیر لیلہ القدر و مقام حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام)

مرقوم است در ذکر فضائل فاطمه زهراء (علیها السلام) از تفسیر فرات بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام «قَالَ: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اللَّيْلَةَ فَاطِمَةَ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» در معنی لیلہ القدر می فرماید: لیلہ، فاطمه است و قدر الله، پس کسی که بشناسد حق معرفت فاطمه (علیها السلام) را ادراک لیلہ القدر خواهد کرد و این که آن حضرت را فاطمه نام نهادند از جهت آن است که مردمان باز داشته شده اند از معرفت او و حق معرفت او را نتوانند دریافت.

ملاحظه فرما عبارات دعاها و تعقیبات نمازهای آن مظلومه را خصوصاً تعقیب و دعای بعد از نماز ظهر آن حضرت را «سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ» الخ، که سید بن طاووس^۲ به اسناد خود روایت کرده است و تعقیبات نماز عصر و مغرب و عشاء که چه عبارات جانسوزی دارد خصوص دعای تعقیب نماز صبح آن مظلومه که دعای حریق نامیده شده و شیخ طوسی و کفعمی و علامه حلی از حضرت صادق آل محمد (علیهم السلام) و از حضرت باقر (علیه السلام) روایت می کند که شرحی دارد «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً» (۱) دعای بسیار خوبی است برای قضاء حوائج و در او عبادات توحیدیّه و مناجات و صلوات های بسیار دارد طالبین رجوع فرمایند، چون مطول بود در این وجیزه گنجایش ذکر نداشت.

کیفیت تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام)

و ثقة الاسلام کلینی^۲ به اسناد معتبره خود روایت می کند: محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) پرسید از تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) بعد از نمازها؟ حضرت فرمودند: پُرْفِضِيْلَتِ تَرَا زِ تَسْبِيْحِ فَاطِمَةَ چیزی نمی دانم که بعد از هر نماز مداومت نماید.

ص: ۱۸۵

و ده مرتبه این تهلیل را بعد از نماز صبح بخواند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و حضرت فرمودند: اگر چیزی افضل از تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) بود، رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) از وی دریغ نمی فرمودند و آن سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر است.

و مرقوم است: حضرت باقر (علیه السلام) فرموده و اولی و اشهر هم چنین است که اول سی و چهار مرتبه تکبیر و بعد تسبیح ، بعد تحمید و در بعضی روایات تحمید مقدم بر تسبیح است و حضرت زهراء (علیها السلام) اول ریسمان پشمی را گره زده بودند و با آن تسبیح می گفتند. چون جناب حمزه (علیه السلام) شهید شد از خاک قبر او تسبیح نمود و بعد از شهادت حضرت سیدالشهداء ، امام حسین (علیه السلام) تسبیح ها از تربت آن حضرت مقرر گشت.

وصایای صدیقه ی طاهره (علیها السلام) به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

شهید ثالث در مجالس المتقین مجلس ۳۰ از کتاب حقایق که از کتب اهل سنت است روایت کرده در حالت مریضی حضرت فاطمه (علیها السلام)، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) داخل حُجره شدند و حسنین (علیهما السلام) نزد مادر بودند. فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: «يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِحِفْظِ هَذَيْنِ هُمَا قُرَّةُ عَيْنِي» الخ؛ تا آخر وصایایی که آن مظلومه نمود و عرض کرد: یا علی! چون مرا غسل دادید و کفن نموده در قبر گذارید بگیریید این قاروره و حقه را با من در لحد بگذارید. حضرت فرمودند: چیست در این شیشه؟ عرض کردند: اشک های چشم من است که از خوف خدا ریخته ام و در این حقه مکتوبی است چون گشودند، دیدند در آن حریر سبزی است و در آن پارچه سفیدی است و بر آن چند سطر مکتوب است و نور از آن می درخشد و حضرت فرمودند: ای دختر پیغمبر! این چه چیز است؟ عرض کرد: این امانت خداوند است، چون پدرم مرا به عقد شما درآورد ، دو پیراهن

داشتم یکی جدید و یکی کهنه، سائل سؤال کرد: من برهنه ام اگر پیراهن کهنه دارید به من بدهید، من پیراهن جدیدم را به او دادم برای رضای خدا و شب زفاف پیراهن کهنه پوشیدم. پدرم فرمودند: چرا پیراهن جدید را به سائل دادی؟ عرض کردم: اقتدا به شما نمودم که چون اموال مادرم خدیجه (علیها السلام) را در راه خدا انفاق نمودید.

سائلی آمد سؤال کرد و شما هیچ نداشتی جز یک پیراهن آن را به سائل دادید و بدن خود را به حصیری پیچیدید که جبرئیل این آیه را نازل کرد: «وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعِدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (۱) پس پدرم به گریه درآمد و مرا در آغوش کشید فی الفور جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! حق تعالی فرمودند سلام مرا به فاطمه برسان و بگو آن چه می خواهی از من طلب کن، «وَلَوْ طَلَبْتَ مَا فِي الْعُجْرَاءِ وَالْخَضْرَاءِ لَأَجَبْتُهَا» پدرم فرمودند: دست خود بلند کن و خود پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) نیز دو دست مبارک را بلند نمودند به حدی که زیر بغل مبارک نمایان شد و عرض کرد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَأُمَّتِي» من آمین گفتم. جبرئیل نزول کرد و گفت: خدای تعالی می فرماید: «قَدْ غَفَرْتُ لِعَصَاهِ أُمَّتِكَ مِمَّنْ فِي قَلْبِهِ مُحِبَّةٌ فَاطِمَةَ وَ ابْنَهَا وَ بَعْلَهَا وَ وَلَدَيْهَا» پدرم فرمودند: «أُرِيدُ بِهَذَا سَجْدًا» خداوند فرمودند: جبرئیل بیاور پارچه ای از سُنْدُس سبز و سُنْدُس سفید و خداوند به ید قدرت خود نوشت بر سُنْدُس «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» که بیامرزد عَصَاهُ (گناهکاران) شیعیان را و شاهد باشد بر آن جبرئیل و میکائیل. پدرم فرمودند: نور دیده این کتابت را در این حُقّه حفظ نما و به وقت موت وصیت نما در لحد تو گذارند. چون در محشر زبانه جهنم احاطه به مردم شود و گناهکاران منقطع شوند این امانت را به من تسلیم کن تا طلب نمایم نعمت شفاعت را که کرامت به تو و پدر تو فرموده است.

ص: ۱۸۷

دادن لواء حمد به دست امیر المؤمنین (علیه السلام) توسط پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم)

چنان چه در مجلس هشتم کتاب مرقوم است در تفسیر آیه مبارکه «عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ» (۱) الخ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ آيَاتِهِ: قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله و سلم): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا جَمَعَ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَدَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ». فرمودند نصب شود برای من منبری که هزار درجه دارد صعود نمایم تا به درجه اعلی و جبرئیل به جهت من لواء حمد می آورد و می گوید: ای محمد! این است مقام محمودی که خدا به تو وعده داده پس می گویم به علی (علیه السلام) بالا بیا. پس پایین تر از من به یک درجه می ایستد و لواء حمد را به دست او دهم که در دعای ندبه می خوانی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسُورِ وَ حَامِلِ اللُّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ» پس رضوان کلیدهای بهشت را می آورد، می گوید:

ای محمد! این است مقام محمودی که خدا به تو وعده داده پس به دست من می دهد و من به دست علی (علیه السلام) می دهم پس می آید مالک خازن دوزخ و می گوید این مقام محمودی است که خدا به شما وعده داد و این کلیدهای آتش است داخل فرما دشمن خود و ذریه ات و امتت را در آتش، پس می گیرم و به علی (علیه السلام) می دهم پس بهشت و جهنم در اطاعت من و علی می باشد. پس این است قول خدای تعالی «الْقِيَامَةَ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِدٍ أَلْقَى يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ عَدُوَّكُمْ فِي النَّارِ» پس می ایستیم بر منبر و خطبه می خوانم و ثنای خدا گویم به نحوی که احدی چنان ثنایی نکرده باشد ، الی آخر.

ص: ۱۸۸

پس منادی ندا کند از بطنان عرش یا معشر الخلائق چشم بپوشید تا عبور کند دختر حبیب خدا به سوی قصرش، پس عبور می نماید فاطمه (علیها السلام) دختر من در حالتی که در اطراف اوست هفتاد هزار حوری الی آخر.

خطاب الهی رسد ای فاطمه (علیها السلام) داخل بهشت شو. عرض کند: الهی داخل نشوم تا ببینم بر سر فرزندم حسین (علیه السلام) چه آمده خطاب الهی رسد، فاطمه (علیها السلام) به قلب محشر نگاه کن پس نظر نماید می بیند حسین (علیه السلام) با بدن پاره پاره و بنا بر روایتی به یک دست سر خود و به دست دیگر سر قاتل خود را گرفته و از یک طرف علی اکبر (علیه السلام) و حضرت عباس (علیه السلام) و با دست های بریده و قاسم (علیه السلام) و سایر شهداء: تمام با بدن مجروح و عیال و دختران و اهل بیت حسینش (علیهم السلام) اسیرند. فاطمه (علیها السلام) چنان ناله ای زند که جمیع ملائکه و انبیاء گریان شوند و صحرای محشر به لرزه درآید زیرا که خرقه زهرآلوده حسن (علیه السلام) را به دوش و جامه سوراخ سوراخ حسین (علیه السلام) را به خون آغشته، به دوش دیگر و عمّامه پر خون علی (علیه السلام) به دست، بی اختیار قائمه عرش را می گیرد و عرض کند یا عدل و یا حکیم، داد مرا بگیر و به فریاد من برس در آن وقت پیغمبران و ارکان خلایق به لرزه آیند و دریای قهر الهی متلاطم شود (۱). خدا رحمت کند محتشم را، می گوید:

ص: ۱۸۹

جبرئیل می آید خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و عرض می کند: یا رسول الله! دریاب فاطمه را. پس پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) این نوشته ای که در حُقه حضرت زهراء (علیها السلام) ضبط شده بود و در حدیث حقایق مذکور است برمی دارد نزد فاطمه (علیها السلام) می آید که نور دیده! امروز روز فریادرسی است.

شفاعت نمودن پیغمبر (صلی الله علیه و اله و سلم) و حضرت زهراء (علیها السلام) برای اُمت گنهکار

در بعضی از کتب است که می فرماید: نور دیده! بیا برویم نزد میزان که در آن جا شیعیان ما در انتظار ما هستند و به امید شفاعت من و تو می باشند. تو خدا را به پیراهن خونین حسین (علیه السلام) قسم بده و من به دندان شکسته و رخساره خونینم، شفاعت کنم که خداوند بر گنهکاران اُمت من رحم نماید. پس آن دو بزرگوار دریای عرش الهی، به سجود و خضوع شفاعت عاصیان را نمایند. خطاب الهی رسد: یا فاطمه! نظر به محاسبه بندگان نمی کنم تا این که داخل بهشت شوی تو و ذریه تو و شیعیان تو و کسانی که به ذریه تو احسان نموده اند؛ الی آخر.

«فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: لَا يَخْزُنُهُمُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ قَالَ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ هِيَ وَاللَّهُ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شِيَعَتُهَا وَ مَنْ أُعْطِيَ أَوْلَادَهُمْ مَعْرُوفًا مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ مِنْ شِيَعَتِهَا» و ذیل خبر محمول است بر عدم کمال در تشیع چون فساق امامیه با تخفیف عذاب غیر امامی در جهنم، چنان چه وارد شده در حق کفار که اعانت و احسان در حق مضطربین نموده اند، الی آخر.

خلاصه محدث سبزواری^۱ در مجمع النورین مرقوم نموده که معصوم (علیه السلام) فرمودند: جدّه ام به هیئتی وارد محشر می شود که هیچ صاحب چشمی طاقت دیدن ندارد «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»^(۱)

روز اول از خ-ون حض-رت محس-ن شهی-د (علیه السلام) س-ؤال می نماین-د.

ص: ۱۹۰

و أنا العبد المذنب الجانى اقلّ الحاج خادم الواعظين و الذّاكرين عبّاسعلى بن مولى على محمّد الجورتانى الاصفهانى فى سلخ شهر الصّيام سنه اثنين و خمسين و ثلثمائه بعد آلاف من الهجره الثّبويه على هاجرها الف سلام و تحيّه اكتبه بيمينه الوارزه و يديه الدّائره العبد الأثير الجانى المحتاج إلى رحمه ربّه البارى الحاج لبيت الله الحرام و الزّائر لمرقد الرّسول و قبور أئمّه الانام الحاج ميرزا ابوالفضل عبدالحسين الخواجوى الاصفهانى فى التّاريخ .

من كلام قدوه الموحدين و زبده العرفاء و السالكين قدسي شيرازي

□

ص: ١٩٢

أيضاً من كلام قدسي (۱)

□
تصوير

□
ص: ۱۹۳

۱- ۱. فقط کلمه « باغ فردوس » ماده تاریخ است و جمع آن می شود ۱۳۵۳ قمری .

بِنَبِّ عَـــــــئِىٌّ رَّبِّىْ وَ رَسُوْلٍ مَدْنِىْ

وَ اِخِىْ عَـــــــئِىٌّ دَالِلهِ مُسْــــمِىْ بِعَلِىٍّ

وَ بَرِّهْ عَـــــــئِىٌّ رَاِءِ بَتُوْلٍ وَ بِاُمِّ وَ لَدَتْهْ عَـــــــئِىٌّ

وَ بِسَبْطِىْهِ وَ شَبَلِىْهِ هُمَا نَجَلِ زَكِىٍّ

وَ بِسَجِّ عَـــــــئِىٌّ وَ بِالْبَاقِرِ وَ الصَّادِقِ حَقًّا

وَ بِمُوسَى وَ عَـــــــئِىٌّ وَ تَقَـــــــئِىٌّ وَ نَقِىٍّ

وَ بِذِى الْعَشْكَرِ وَ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ بِالْحَقِّ

الَّذِى يَضْرِبُ بِالسِّــــئِىِّ بِحُكْمِ اَزَلِىْ

وَ عَلَيْنِهِمْ صَلَوَاتِىْ وَ سَلَامِىْ مَا هَ الْفَا

بِنَهَارِ وَ لَيْــــلِىْ وَ غَدُوٍّ وَ عَشِــــئِىٌّ

اَجِبْ اَلْاَنَ دَعَاْنَا وَ تَرَحَّمْ حَضْرَاْنَا

وَ اقْضِ حَاجَاتِ لَنَا الْكُلِّ اَلْاِهْىِ وَ وَلِىٍّ

وَ تَقَبَّلْ بِقَبُوْلٍ حَسَنِ رَبِّ دُعَاْنَا

بِمُحَمَّدٍ وَ عَـــــــئِىٌّ وَ بِاَوْلَادِ عَـــــــئِىٌّ

وَ يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ

حقیقتاً خوب فرموده است «يَلِيْقُ اَنْ اَكْتُبَهَا بِنُوْرِ فِى صَيْفِحَاتٍ مِنْ خُدُوْدِ الْحُوْرِ» بنابراین بر اخوان دینی لازم است به این کتاب شریف مراجعه نموده و از اخبار و مقالات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کامیاب و بهره مند گردند و تأمین امور دنیا و آخرت خود را بدین وسیله نموده باشند.

* وَ اٰخِرُ دَعْوَاْنَا اِنْ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ (۱)*

منابع کتاب

منابع و اسامی کتبی که اخبار مندرجه در این کتاب از آن ها اخذ شده

آداب الشریعه

اثبات الهداه

اثنی عشریه

ارشاد القلوب

اسباب المغفره

امالی شیخ صدوق

انوار نعمانی

بحر الغرائب

تحفه الصلوات

تحفه الطوسیّه

تحفه الملوک

تفسیر حضرت عسکری

تفسیر صافی فیض کاشانی

تنبيه الغافلین

ثواب الأعمال

جامع الأخبار

جمال الأسبوع

جمال الصالحین

حديقته الشّيعه

حيوه القلوب

خصال

خلاصه الاخبار

دعوات راوندى

ذخيره العباد

ذخيره المعاد

روضه الواعظين

شرح صلوات

شرح لمعه

صحيفه كامله

عدّه الدّاعى

عروه الوثقى

علل الشّرايع

عنوان الكلام

عيون اخبار الرضا

كتاب مستطاب كافى

كفايه الخصام

گلزار اكبرى

لنالى الخبر

لئالى فىض

مجالس الممتقن

مجلدات بحار

علامه مجلسى مجمع

البيان

مجمع النورين

مدينه المعاجز

مصباح كفعمى

معانى الاخبار

معراج العابدين

مفتاح السعاده

مقباس

مكارم

الاخلاق

منازل الآخره

منتخب الختوم

منهج الواعظين

ناسخ التواريخ

نجم الثاقب

نخبه الأدعيه

نزهة المجالس

نصائح الشيعة

وسايل شيخ حرّ عاملي

ص: ١٩٥

تصوير

□

ص: ١٩٦

صلوات خواجه نصیرالدین طوسی برای حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارث همه انبیا و اولیا و عصاره فضایل همه آنهاست. هر آنچه خوبی در اولین و آخرین وجود داشته همه در وجود شریف آن حضرت متجلی شده و ایشان را آینه تمام نمای حق ساخته است. در برخی از روایات و کلمات بزرگان شباهت های نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با پیامبران و اوصیای الهی به تصویر کشیده شده است، که یکی از آنها صلوات منسوب به حکیم ربانی، خواجه نصیرالدین طوسی است. در این صلوات، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ویژگی های پدران ارجمند خویش توصیف شده و فضائل و مناقبی که آن حضرت از اجداد خویش به ارث برده، بیان شده است. شایان ذکر است که صلوات خواجه نصیر را به عنوان توسل به ذیل عنایت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می خوانند. (۱)

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ، وَ زِدْ وَ بَارِكْ، عَلَى صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَ الصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ، وَ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ، وَ الْحِلْمِ الْحَسَنِيِّ، وَ الشُّجَاعَةِ الْحَسَنِيَّةِ، وَ الْعِبَادَةِ السَّجَّادِيَّةِ، وَ الْمَأْثَرِ الْبَاقِرِيَّةِ، وَ الْآثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ، وَ الْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ، وَ الْحُجُجِ الرِّضْوِيَّةِ، وَ الْجُودِ التَّقْوِيَّةِ، وَ النَّقَاوَةِ النَّقْوِيَّةِ، وَ الْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ، وَ الْغَيْبَةِ الْإِلَهِيَّةِ، الْقَائِمِ بِالْحَقِّ، وَ الدَّاعِي إِلَى الصِّدْقِ الْمُنْطَلِقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ، وَ أَمَانِ اللَّهِ، وَ حُجَّةِ اللَّهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ، الْمُقْسِطِ لِإِمْدَانِ اللَّهِ، الْغَالِبِ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَ الذَّابِّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ، إِمَامِ السَّيْرِ وَالْعَلَنِ، دَافِعِ الْكُرْبِ وَالْمِحْنِ، صَاحِبِ الْجُودِ وَ الْمِنَنِ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ، وَقَاطِعِ الْبُرْهَانِ، وَ خَلِيفَةِ الرَّحْمَانِ، وَ شَرِيكَ الْقُرْآنِ، وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَ سَيِّدِ الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ، صَيِّمَاتِ اللَّهِ وَ سَلَامَتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ، وَ الْخَلْفَ الصَّالِحِ، يَا إِمَامَ زَمَانِنَا، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ! يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ! يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا! إِنَّا تَوَجَّهْنَا، وَ اسْتَشْفَعْنَا، وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ.

ص: ۱۹۷

« قال رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم) : أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ أَنَا وَعَلِيٌّ مَوْلِيَا هَذِهِ الْأُمَّةِ » (١)

شمائل حضرت خاتم الأنبياء ، محمّد بن عبدالله (صلى الله عليه و اله و سلم)

تصوير

ص: ١٩٨

١- . بحار الأنوار / ١١ ، ح ٣٦ .

« قال رسول الله (صلى الله عليه و اله و سلم) :

حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ» (١)

شمائل حضرت مولى المتقين، امير المؤمنين على بن ابيطالب

□

تصوير

□

ص: ١٩٩

١- . كشف الغمه فى معرفه الأئمه عليه السلام / ١٠٥، ح ١ .

تصوير

□

ص: ۲۰۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

